



# مذکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز ۴شنبه ۶ اردیبهشت ماه ۱۳۴۰

فهرست مطالب :

- ۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل
- ۲- بیانات آقایان : مهندس مقدم و فرامرزى طبق ماده ۸۲ آئین نامه
- ۳- مذاکره در گزارش کمیسیون بودجه راجع به بودجه ۱۳۴۰ کل کشور
- ۴- تعیین موقع دستور جلسه بعد ختم جلسه مجلس در ساعات نه و چهل دقیقه صبح برباست آقای رضاحکمت تشکیل گردید

## ۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل

مقدم - در مورد مطالبی که بنده عرض کرده بودم دیروز جناب آقای فرامرزى بیاناتی فرموده اند رئیس - بفرمائید پشت تریبون حرف بزنید و یا سر جایتان بایستید در راه حرف نزنید

رئیس - صورت غائبین جلسه قبل قرائت می شود (بشرح زیر خوانده شد)

غائبین با اجازه - آقایان: سترك - بهادری - د کتر اسدی - محمود ذوالفقاری - امیر عشایری - طاهری - شیخ الاسلامی - قوامی - د کتر موسوی اصفهانی - شادلو - سعید مهدوی - د کتر امین - ابراهیمی - د کتر اصلان افشار - د کتر اقبال بهبهانی - رامبد - سنندجی - صالح - غضنفری - معظمی

غائبین بی اجازه - آقایان: امیری - د کتر هدایتی دیر آمدگان با اجازه - آقایان: د کتر عمید مهندس فیروز - اریه - ماری - اعظم زنگنه - مهندس بهبودی - خسرو پرویز - خلعتبری - د کتر طاهرباز - عرب شیبانی - فولادوند - کرجی

## ۲- بیانات آقایان: مهندس مقدم و فرامرزى طبق

مقدم - بنده البته دیروز در جلسه حاضر نبودم ولی شنیدم جناب آقای فرامرزى بیاناتی فرموده بودند که خواستم از ایشان گله کنم جناب آقای فرامرزى گویا فرموده بودند مطالبی که نمایندگان اظهار داشتند مفهوم نبوده بنده خواستم بعرضشان برسانم مطالبی که گفته شد از روی کمال صداقت و با توجه به حساسیت و موقعیت مملکت بود (صحیح است) و جناب آقای فرامرزى هم که به آزادی معتقد هستند و ما همیشه ایشان را پیش کسوت آزادیخواهان و آزادیخواهی میدانیم بهتر بود که در این امور ما را بیشتر تشویق میکردند.

ماده ۸۲ آئین نامه

فرامرزى - اجازه میفرمائید؟ رئیس - آقای مهندس مقدم مطابق ماده ۸۲ باید در همان جلسه اجازه میخواستید، آقای فرامرزى بفرمائید فرامرزى - من فرمایش آقا را کاملاً تصدیق میکنم و خیلی متاسفم اگر آقایان خیال بکنند که من از این عرایض

رئیس - آقای مقدم

مهندس رحمت اله مقدم - بنده تذکر نظامنامه ای

دارم طبق ماده ۸۲ آئین نامه

رئیس در چه موضوع ؟

عین مذاکرات مشروح شانزدهمین جلسه از دوره بیستم قانونگذاری - اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

نخست وزیر که به مباحثات و مذاکرات و مشاورات نمایندگان محترم صمیمانه معتقد است و گوش میکند و توجه دارند (انشاء الله) دوم اینکه بودجه مطلبی است که ضمن بحث بودجه نظرات و افکار نمایندگان لازم نیست که مربوط به عین ارقام و اعداد باشد در سیاست کلی و خط مشی عمومی دولت و مملکت مؤثر است و دولت میتواند ضمن بحث بودجه نظر کلی مجلس را درباره مسائل کلی مملکت احرار نماید در لایحه فعلی که تقدیم شده قبل از بحث در خود لایحه بنظر بنده دو اشکال بزرگ آئین نامه‌ای وجود دارد که اصولاً بنده امیدوارم در آینده مصداق و نظیر پیدا نکند یکی اینکه طبق آئین نامه مجلس شورای ملی مقرر است بنظر ماده ۹۹ باشد که لوایح قانونی که از طرف دولت پیشنهاد بمجلس شورای ملی میشود باید دارای مواد متناسب با اصل موضوع باشد و دلایل لزوم آن در مقدمه لایحه بطور وضوح درج و عنوان قانونی در آنها معین شده باشد و هر گاه لایحه‌ای دارای چند ماده و یا ماده واحده‌ای مشتمل بر اجزائی باشد باید ارتباط و تناسب کامل با اصل موضوع محفوظ و عنوان لایحه قانونی داشته باشد و در غیر این صورت باید برای هر موضوعی لایحه جدا گانه تنظیم و با ذکر دلایل تقدیم مجلس شورای ملی بشود لایحه بودجه مشتمل بر دو قسمت است تبصره‌هایی که تايك سال اعتبار دارد و تبصره‌هایی که تا لغو نشده بقوت خود باقی هستند و تصور میکنم گزارش ۵ تبصره دارد که هر کدام از این تبصره‌ها موضوعی است مستقل و باید عنوان قانون مستقلی داشته باشد طبق آئین نامه طرح این لایحه بودجه باین ترتیب خلاف رسیدگی اصول پارلمانی است و تصور میکنم فقط منحصر بکشور ما باشد که بقول معروف دولتها وقتی لایحه بودجه میدهند از ضیق وقت و عدم وقت استفاده میکنند و خانه تکانی میکنند یعنی هر گرفتاری و هر کاری دارند ضمن تبصره‌ها اینجا میکنند و در اطراف این تبصره‌ها که بعضاً موضوع قوانین بسیار مهمی است بحث و شور و دقت نمیشود. اشکال دوم آئین نامه‌ای عبارت از این است که هر قانونی باید طبق آئین نامه به کمیسیونهای مربوطه ارجاع شود و لایحه بودجه هم که

قصد توهین یا جسارتی داشته باشم و بیشتر متأسف خواهم بود اگر حرفی که من زده باشم بی ادبانه بوده باشد یا صدی داشته باشم آنچه من عرض کردم این بود که من نفهمیدم و من نباید هم بفهمم برای اینکه بودجه فن من نیست چنانکه چند نفر از آقایان به من تلغز کردند راجع بقانون استخدام گفتم راجع به بعضی مواد آنهایی که شما میگوئید من نمیفهمم خواهش میکنم تلفظ کنید به آقای اردلان به آقای یوسفی به آقای بهمن یار برای اینکه فن من نیست من نمیفهمم و این حرفی که من زدم شوخی صرف بود (احسنت) که فقط خواستم مطابق فن نطق و خطابه از روحیه مجلس استفاده کنم چون دیدم مجلس خسته است خواستم يك شوخی بکنم نطقی که آقایان فرمودند بسیار مفید بود و حتی میخواهم عرض کنم که حیثیت مجلس را در خارج بالا برده و مردم کاملاً از این نقطهها بمجلس امیدوار شده‌اند و موجب وزن مجلس شده و اگر واقعاً کسی حرف من را در دل گرفته و خیال کرده من سوء نیتی داشتم قول میدهم سوء نیتی نداشتم و کاملاً معذرت میخواهم (احسنت)

رئیس - آقای مسعودی

کازم مسعودی - تلگرافی رسیده در مورد سیلی که خیلی باعث تأسف است و تقدیم میکنم  
رئیس - آقای مقدم بفرمائید.

مهندس رحمت‌الله مقدم - شکایتی است از طرف زارعین میان دو آب رسیده به مقام ریاست تقدیم میکنم.

#### ۴ - مذاکره در گزارش کمیسیون بودجه راجع به بودجه ۱۳۴۰ کل کشور

رئیس - در جلسه پیش برای کفایت مذاکرات نسبت به کلیات رأی گرفته شده و رأی در شور ماهه واحده هم داده شده است حالاً نوبت مذاکره در ماده واحده با آقای دکتر دادفر است بفرمائید

دکتر دادفر - بشهادت آقایان نمایندگان محترم که در دوره نوزده در مجلس تشریف داشتند بنده در چهار سال دوره گذشته در بودجه و برنامه دولتها بحثی نکردم و اگر امروز بخوادم این جسارت را داده که مصدع وقت همکاران گرامی بشوم از دو نظر است اول اینکه واقعاً اعتقاد و ایمان دارم که هیئت دولت مخصوصاً شخص جناب آقای

ماشین آلات و کارخانجاتی است که در ظرف چند سال اخیر بر اثر پیشرفت امور صنعتی کشور ما وارد شده نقصان صادرات یکی از امور مبتلا به کشور ما در این سنوات اخیر بوده و اینهم باریک دلیل دیگر دارد که باین شدت وحدتی که گفته شد نیست و آن اینست که الان مواد صادراتی کشور ما از از بیاد مصرف در خود مملکت یک قسمتی کم شده یک میزان از این نقصان صادرات را باید بحساب مصرف در داخله کشور گذاشت معذک این توازن وجود ندارد و باید باین توجه داشت اما مسئله مهم عبارت از این است که در مورد واردات در دولت سابق سیاست آزادی تجارت رعایت شده بود آزادی و ابراهات رعایت شده و الان بعد از اینکه آقای نخست وزیر کابینه اولشان را تشکیل دادند بلافاصله در همان دوسه روز اول تصمیماتی دایر بر محدودیت واردات گرفتند اصولاً باید دید که کدام یک از این سیاستها به نفع مملکت بوده و هست و کدام یک از این سیاستها باید اجرا بشود در مملکت ما یک شورای عالی اقتصاد وجود داشته و دارد طبق اساسنامه اعضای این شورا البته تحت ریاست نخست وزیر عبارتند از وزیر دارائی وزیر صنایع و معادن وزیر بازرگانی مدیر کل بانک ملی نماینده سازمان برنامه الی آخر خوب این مقامات اقتصادی در ظرف این چهار سال که اغلب خود جناب آقای شریف امامی هم بعنوان وزیر صنایع و معادن در آن شرکت کرده اند آیا مطالعه کرده اند تجارت آزادی واردات برای مملکت مفید است یا نه اگر مطالعه کرده اند ممکن است بفرمائید و اگر هیچ دلیل نیست اگر پیش بینی هائی کرده اند و نتیجه از آن صحیح در نمی آید در این صورت چه رویه ای میخواهید اتخاذ بکنید که در آینده یک همچو سیاست غلطی و احیاناً یک همچو اشتباهی در امور سیاست بازرگانی کشور رخ نهد اگر چنانچه این مطالعه را نکردند این شورای عالی اقتصاد وظیفه اش چه بوده و این دستگاه باین عظمت بایک بودجه مخصوص و معین و یک سازمان مستقل چه دردی می خورد ممکن است در بعضی مسائل ما خودمان باندازه کافی متبحر و تجربه در انجام این امور نداشته باشیم کشور ما مثلاً از نظر فنی هنوز بآن اندازه مستغنی نیست که بتواند سدهای بزرگ مثل سد کرج و سد سفیدرود خودش با دست خودش بآبکسین ها و

یک ماده واحده است بکمیسوینهای مختلفی ارجاع شده که اینها گزارش کمیسوینهای مختلف که در آخر لایحه بوده اند کرده اند حاکم از این مطلب است گزارش کمیسوین فرهنگ، کمیسوین راه و قوانین دارائی و غیره آقایان همه میدانند لایحه بودجه پس از طرح در کمیسوین بودجه دو تبصره اش سوا شده رفته بکمیسوین استخدام دو تبصره اش فرستاده شده بکمیسوین فرهنگ سه تبصره فرستاده اند به کمیسوین دارائی مگر یک ماده واحده قابل انفکاک است قابل تفکیک است که بشود دو تبصره را جدا کرد و باینجا و آنجا فرستاد این طرز رسیدگی نشد این ماده باید باینطور کامل اجرا میشد که در تمام کمیسوینها بطور کامل رسیدگی میشد و یا اینکه تفکیک تبصره از ماده واحده طبق سیره و اصول پارلمانی نیست اینکار از نقطه نظر رسیدگی پارلمانی صحیح نیست.

(آصف وزیری - چندین سال همینطور عمل شده)

فرمایش جناب عالی کاملاً صحیح است اما دلیل نقضی

هیچ وقت دلیل نمیشود مثل اینکه کسی در ایام رمضان ده روز روزه خود را بخورد روزیازدهم هم بخورد بعد بگوید چون ده روز را خوردم امروز هم بخورم این دلیل تجویز کار نمیشود اصل شروع غلط است استدعا دارم در وهله اول از هیئت محترم دولت و در وهله ثانی از مقام محترم ریاست که در آینده رعایت رسیدگی لوابح باین ترتیب بشود در اغلب این تبصره هائی که مطرح شده خود بنده نظراتی داشتم اگر اینها عنوان لایحه مستقلی داشت محتاج بحث و شور بود دو مرتبه شور و بحث میشد در کمیسوینها حلاجی میشد ولی چون یک بار این کار انجام شده در واقع مجال بحث در لایحه باقی نمانده اما در متن لایحه بودجه همکاران محترم فرمایشات مستدل و مستندی اعم از موافق و مخالف فرمودند بنده تصدیق زیادی نخواهم داشت عریض بنده جنبه کلی تری خواهد داشت مسلماً یکی از مسائل بسیار مهم که حتماً مورد توجه هیئت دولت و نمایندگان محترم قرار گرفته مسئله عدم توازن صادرات و واردات کشور است در اینجا باید باین نکته توجه کرد و واردات ما الان از صادرات ما خیلی فزونی گرفته اما در این اقلام وارداتی که قرائت شد نصف بیشتر واردات مربوط به

بامهندسین خودش بسازد برای اینکار متخصص از خارج میآورد ممکن است در امر سیاست بازرگانی هم یک همچو توجهی بشود خوب باید از متخصصین و مشاورین خارجی استفاده بکنیم این را با چه منطقی میشود تحمل کرد که یک دولتی چندسال مدافع تر آزادی واردات به هزار و یک دلیل باشد و بعد یک مرتبه همان دولت که اکثر وزرای آن همان اشخاص و اکثر مقامات اقتصادیش همان اشخاص هستند تصمیم بگیرند که واردات محدود بشود تازه آیا محدودیت واردات با این ترتیب و با بستن سود بازرگانی آیا خود این رویه صحیح است آیا این رویه در مراجع اقتصادی بحث شده بما تضمین میدهد که در این اشتهای نیست و بعد از شش ماه و یکسال دو سال با آثار سوء این سیاست روبرو نخواهیم شد آخرین باید بحث بشود مسئله صد دینار سه شاهی نیست مسئله حیات اقتصادی مملکت است اگر در مجلس شورای ملی که مثلاً مرجع اقتصادی نمیتواند باشد فقط مرجع مشورتی میتواند باشد بحث نجی شود یک مرجع صلاحیت دار برای اینکار پیدا کنید اگر در مملکت ما اقتصاد دان باین درجه متبحر نداریم دو تا کارشناس وارد داریم که مشورت بکنیم ما که اینقدر کارشناس خارجی داریم دو تا هم کارشناس اقتصادی دعوت بکنیم چون این موضوع باید بحث بشود آمدیم حالا سود بازرگانی برای کالاها بستیم خیلی خوب دولت لابد مطالعه کرده که سود بازرگانی را بسته بود اولاً بنده میخواستم از جناب آقای وزیر گمرکات بپرسم مجوز قانونی سود بازرگانی چیست و وقتی ما برای وضع ده تومان عوارض طبق نص صریح قانون اساسی باید مجوز از مجلس شورای ملی کسب کنیم چگونه میتوانیم یک مالیات باین سنگینی را بعنوان سود بازرگانی بکالاهای وارده تحمیل کنیم اصولاً مجوز قانونی سود بازرگانی چیست و آیا مجوز در دست دولت هست که رقم بازرگانی را هر روز کم و زیاد کند یکروز بگوید محدود یک روز آزاد و یکروز بگوید ده تومان یک روز بگوید صد تومان اگر هست بفرمائید ولی اصل مسئله هنوز حل نشده بنده یک مطلب را عنوان میکنم یا ما به بعضی از واردات احتیاج نداریم و با اصطلاح کالاهای غیر ضروری است یا باین کالاها احتیاج داریم اگر غیر ضروری است اصلاً چرا وارد بشود که ما سود بازرگانی وضع کنیم

بنده میخواهم این مطلب را مخصوصاً از نظر اجتماعی خدمت آقایان عرض کنم ورود کالاهای غیر ضروری به مملکت ولو با قیمت گزاف و لو با وضع سود بازرگانی صد درصد دوست درصد ممکن است نسبتاً ورود این کالاها را محدود کند ولی بعد از ورود آثار اجتماعی آن خطرناکتر است اولاً قاچاق زیاد میشود ثانیاً قیمت گران میشود مثلاً پرتقال لبنانی تا دیروز وارد میشد باین مملکت یکی پنجریال و فروخته میشد بمصرف کننده ۸ ریال حالا ما بیائیم بعنوان اینکه این کالا غیر ضروری است سود بازرگانی تحمیل کنیم اما ورودش را ممنوع نکنیم این وارد میشود یکی یک تومان و در بازار فروخته میشود یکی ۱۵ ریال به بینید این چه آثار سوء اجتماعی دارد آن طبقه ای که میتوانند یکی ۱۵ ریال پرتقال بخرند میخرند و آن عده ای که نمیتوانند رنگه این راهم به بینند میگویند یک عده ای هستند که پرتقال ۱۵ ریالی میخورند و ما پرتقال دوریالی هم نمیتوانیم بخوریم (صحیح است) این صحیح نیست این تولید عدم رضایت و شکاف طبقاتی میکند بنده برای مثال پرتقال را مثل زهم اتومبیل و غیر ذلک را نکشتم بنده میگویم اگر این پرتقال غیر ضروری است وارد نشود بگیر ضروری است چرا سود بازرگانی می بندید چرا من که ۱۵ ریال دارم بتوانم بخرم و آن کسی که ۱۵ قران ندارد نتواند بخرد پیش در این صورت اصولاً این قبیل کالاهائی را که غیر ضروری است بیکمرتبه ممنوع بکنید ممنوعیت ورود هم فایده ندارد باید ممنوعیت مصرف ایجاد کرد و اگر تنها ممنوعیت ورود باشد نتیجه اش توسعه قاچاق خواهد بود اگر ممنوعیت مصرف هم دنبال این گذاشتیم آنوقت قاچاق کم خواهد شد دیگر بنده نمیتوانم سیگار وینستون را که مثلاً ورودش ممنوع است ولی در دست من هست و من میکشم آنوقت این کالا قاچاق هم میشود کمالاتی که در زمان قبل از شهریور کالاهای وارده از لحاظ ورود و مصرف هر دو ممنوع بود و نظر آقایان هست

مسئله دومی که در اینجا باید باستحضار نمایندگان برسد مسئله تثبیت قیمتها است من بسهم خودم از اقدام جدی واحدی که دولت جناب آقای شریف امامی در تثبیت قیمتو مخصوصاً در قیمت گذاردن اجناس در تمام مغازه ها و بنگاهها کرده اند متشکرم (صحیح است) اگر چه

میلی گرامی میآید هر دو همان ترکیبات یکی فروخته میشود ده تومان و یکیش فروخته میشود ۱۵ ریال بنده عرض میکنم که اگر این دواهای ویتامین ث که آمده هر دو رویش نوشته شده پانصد میلی گرامی یکی مال کارخانه اینکس و دیگری مال کارخانه ایگرک از دو حال خارج نیست یا آن ۱۵ ریالی درست است و ده تومانی اجحاف میکند بحثی نیست که یکی از این دو درست است هر دو از یک کشور است از دو تا کشور هم نیست که بگوئیم موادش فرق میکند یک مقدار یکدوازده یک اندازه یکواحد یکی ده تومان و یکی ۱۵ ریال چطور این اختلاف را حل می کنیم یا باید ۱۵۰ ریالی درست باشد آن یکی هشت تومان و نیم اجحاف است و اگر ده تومانی درست است پس ۱۵ ریالی تقلبی است باین حرفها باید کجارسیدگی بشود مثلا دوائی را بنده سراغ دارم از نظر تثبیت قیمتها میخواهم عرض کنم رد کسون دوائی است که بقدری عمومی است و از دواهای معروف است ده همه آقایان میشناسند در تمام خانوادهها هست و مصرف میشود بود این دوا هر کیلوئی ۱۵۰ تومان است ولی بصورت قرص هر کیلوئی ۸۲۵ تومان فروخته میشود این قیمت تثبیت قیمتها است نه عرض میکنم یعنی وارد کننده هر کیلوئی ۱۵۰ تومان وارد میکنند و ۸۲۵ تومان میفروشند آقا شما عرض اینکه بپروید بگوئید سبزی را کیلوئی ۷ ریال بفروشید اینهارا تحقیق بکنید سبزی اگر بنده نخوردم یا هفت ریال یا ۹ ریال خریدم این اضافه قیمت نصیب زارع شهرری و یا نصیب زارع ورامین میشود اما این چه مصیبتی است که در یک کشوری هفتصد درصد از یک کالائی سود میبرند بنده ارقام دارم بیز این دواها را نمیخواهم بخوانم و سر آقایان را درد بیاورم بعضی مواقع هفتصد درصد استفاده میشود یکی از بنگاههای مملکت آمده به بیمارستان سازمان برنامه کپسول اکرومابین را فروخته هر دانه ای ۱۸ ریال باین قیمت که سازمان برنامه خریده باید از سازمان برنامه تشکر کنیم که ارزان خریده ولی قدر مسلم این است که این آقای فروشنده وقتی این کپسول را ۱۸ ریال فروخته یک منفعتی کرده ضرر که نکرده همان دوا قیمت تثبیت شده اش در بازار اعلان شده و روی اتیکت نوشته شده ۲۶/۵۰ ریال (یککنفر از نمایندگان - چند میلی گرامی بوده) ۲۵۰

هدف اول این تثبیت قیمتها نرخ گذاردن و بعد رسیدگی به نرخ ها بوده حتی به کسبه فشار آورده بودند که اتیکت باید بگذارید بعدما تعیین نرخ خواهیم کرد حالا در مرحله دوم بنرخ گذاری نرسیده بعد شهرداری تهران در تهران و عم دولت در تمام ولایات مراقبت کرد که نرخ گذاری شد با این کار نداریم اما توجه شما را به یک چیزی جلب میکنم آیا این تثبیت نرخ و تثبیت قیمتها فقط باید در لوبیا و ماش و سیب زمینی و تخم مرغ باشد حالا اگر اینها گران هم فروخته شدند تولید کننده اش ایرانی است بنده پنجریال گران میدهم بجناب آقای گرگانی طوری نمیشود شما که برای تثبیت نرخ کالا های وارداتی مآخذ دارید قیمت کارخانه دارید و تحقیق پانصد نوع از اینها در نیم ساعت میسر است بنده در طرف نیم ساعت حاضرم قیمت وارد شده و تمام شده لاف پانصد رقم از کالا های وارد شده را تقدیم کنم هر وقت بفهمانید اینکار را میکنم چرا نرخ آنها را اعلام نمی کنید بنده الان اینجا ثابت میکنم که چه اجحافاتی در این مملکت میشود همکار عزیز ما آقای افتخار هشتروزی راجع بدوا مطالبی فرمودند دوا یکی از کالاهائی است که من تصور میکنم از ضروری ترین کالاهای این مملکت است یکی از دارو فروشان بمن می گفت من دوا فروشم ولی وقتی آن پیرزن میآید از لای چهارقدش آن اسکناس دو تومانی را که ده لا پیچیده است باز میکند و بمن میدهد که یک دوا بخرد و بخورد و من میدانم که این دوا تقلبی است اما نسخه د کتر دارد من تفصیر ندارم باید بدهم آنوقت شب ناراحت میخوابم خوب در ضرورت دوا در اینکه یک ماده حیاتی برای مملکت ما است هیچ بحثی نیست حالا ببینیم این مسئله دوا برای مملکت ما چه جور است اولاً همانطوری که فرمودند جناب آقای نخست وزیر از تمام کشورها حتی از مکزیک و هندوستان بایران دوا وارد میشود مکن است گفته بشود خوب دوائی است اختراع شده در مکزیک است خیلی هم خوبست چه اشکالی دارد چه مانعی دارد بنده چیس دیگری میخواهم برای شما عرض کنم در اینجا از یک کشور واحد از سویس از دو کارخانه مختلف که هر دوا از یک کشور است با یک دز و یک مقدار معین ویتامین پانصد

میلی گرامی همان دوا که به سازمان برنامه هم فروخته شده آقایان محترمی که در مجلس تشریف دارند چون بنده طبیب نیستم شاید توجه داشته باشند کپسول اکرو- مایسین ۲۵۰ میلی گرامی بطور عمده به بیمارستان سازمان برنامه طبق قرارداد رسمی معامله شده دانه‌ای ۱۸ ریال همان کپسول اکرومایسین ۲۵۰ میلی گرامی در بازار و در داروخانه‌ها اتمیکت خورده ۲۶۰۵ ریال. فرقی تقریباً یک تومان است هیچ میدانید که از این دوا در روز چقدر مصرف میشود طبق اطلاع دو بیست هزار دانه یعنی در روز دو بیست هزار تومان این بنگاه از این رقم استفاده میکند بنده میخواهم از آقای وزیر دارائی بپرسم از این یک رقم فقط چقدر مالیات گرفته شده چرا باید اجحاف بشود آقایان اکرو- مایسین جان مردم است آقای وزیر دارائی این اتمی بیوتیک است در دهات و قصبات و شهرهای ما مردم غیر از اینها آن چیزی ندارند این است طرز کار تثبیت قیمت‌ها، پنی سیلین چهارصد هزار واحدی، چون این موضوع برای آقایان جالب است عرض میکنم و فکر میکنم خالی از فایده نباشد پنی سیلین چهارصد هزار واحدی مال کارخانه ما کسون که در ایران در تولیدارو تهیه میشود به ده ریال فروخته میشود همان پنی سیلین از آلمان وارد میشود بدوربال و نیم قیمت تثبیت قیمت‌ها را بنده دارم در داروخانه‌ها قیمت تثبیت قیمت را روی مارک‌ها نوشته‌اند و بنده که میروم نسخه می‌پیچم میدهند دستم یک پنی سیلین ۲۰۵ ریال راده ریال حساب میکند این خیلی تفاوت دارد تازه مال خارجی است در دولت سابق آقای دکتر راجی وزیر بهداشتی با کمال حسن نیت برای کمک به مستمندان این مملکت آمدند لایحه‌ای آوردند و اقسام دوا را از پرداخت عوارض گمرکی معاف کرد البته در آن موقع هم مراقبت شد و قیمت اغلب این داروها را تنزل دادند و نمایندگی‌ها قیمت‌هایشان را تنزل دادند طبق تحقیقی که بنده کردم تمام اقسام آن دواها که قبل از لغو معافیت گمرکی یک مقدار زیادی موجودی داشتند جز چهار و پنج رقمش که گویا وارد کنندگان آن رقم‌ها مردان شریفی هستند بقیه همه‌شان بدون استثناء قیمت‌ها را از آن قیمت قبلی گران‌تر کردند آیاماً معافیت گمرکی را در دوا لغو کردیم که منفعت در

جیب چهارتا تهیه کننده دوا برود یا مصرف کننده استفاده ببرد آخر این دواست از نان واجب‌تر است مبتلا به تمام مردم این مملکت است این موضوع دوا بود تثبیت قیمت‌ها در مورد ماشین آلات چه کرد (گمرک‌انی- اتومبیل را بفرمائید) این اتومبیل‌هایی که وارد میشود حالا که آقا اتومبیل‌ها را فرمودید چون اتومبیل یک بلیه عمومی شده و هر کسی صحبت میکند مثل اینکه موضوعی غیر از این گیر نمی‌آورد آقا تمام کمپانی‌های اتومبیل که در دنیا هستند قیمت‌هایشان را با قیمت لوازم یدکی در کارخانه چاپ کرده‌اند و توزیع کرده‌اند نه تنها در دسترس دولت‌ها و نمایندگان اقتصادی هست بلکه در دسترس هر مراجعه کننده هست یک قیمت فیکس ثابت و به نسبت میزان فروش که در هر مملکت دارند و با آن قراردادی که با نمایندگانشان گذاشته‌اند در این قیمت کارخانه تا آنجائی که بنده شنیدم از ده تا چهل درصد البته در ماشین‌ها و کمپانی‌های مختلف فرقی میکند یک حق نمایندگی میدهند که این وارد میکند و میفروشد حساب قیمت مبداء معین گرانیه حمل معین نرخ بیمه معین همه اینها استاندارد بین المللی است حقوق و عوارض گمرکی هم معین اتومبیل نوع و مارک هم معین جزا وقتی تثبیت نرخ میکنید اعلام نمیکند مثلاً اتومبیل شورلت تمام شده کمپانی‌اش اینقدر است بیشتر از این اگر کسی فروخت - مضمول گران فروشی است چرا اعلان نمیکند که تراکتورمان قیمتش این است اگر گران فروختید مضمول گران فروشی است کاربرد و دقیقه است تازه این حضرات در گمرک وقتی حقوق گمرکی میدهند قیمت تمام شده میدهند این خیلی خوشتره است بنده یک وقتی در اروپا دعوت داشتم چون راننده ندارم موقع برگشتن یک اتومبیل مرسدس بنز مستعمل خریدم و خودم آوردم رفتم حقوق گمرکی این را بپردازم گفتم این فاکتوری است که طبق آن من خریده‌ام دیدم در گمرک گفتند ما این فاکتور را قبول نداریم گفتم چرا گفتند چون وارد کنندگان اکثرأ میروند از اروپا فاکتورهای تقلبی می‌آورند در نتیجه پرداخت حقوق گمرکی کمتر میشود گفتند مایک قاعده‌ای داریم که آن عبارت از این است که بیست درصد نسبت به مرمدل کم میکنیم و قیمت آن را تعیین میکنیم گفتیم خیلی خوب به بینید قیمت

این ماشین که فوله دارید چقدر است گفتند که این قیمت کارخانه اش آخرین مدل ۲۶ هزار تومان گتم خوب این آقای نماینده مرسدس بنزی که الان خودش در هر سال سیصد تا چهارصد تا پانصد تا وارد کرده او هم بمأخذ ۲۶ هزار تومان قیمت گمر کی پرداخته گفتند نه گتم چرا گفتند او فکتورش را از کارخانه می آورد هاست باو هیچ ادعائی و تردیدی نداریم گتم ۲۶ هزار تومان را از کی گرفتید گفتند از نماینده مرسدس بنز گتم قیمت نماینده مرسدس بنز برای تعیین ارزش اتومبیلی که حسن و حسین وارد میکنند معتبر است اما برای تعیین قیمت اتومبیلی که خودش وارد میکند معتبر نیست آخر چرا

بنده دیدم خلاصه اتومبیلی که من می آورم باید بمأخذ ۲۶ هزار تومان حقوق گمر کی بدهم و مرسدس بنز بمأخذ ۱۵ هزار تومان چون او دوست تایت مرتبه وارد میکند و آوردن من بزیان او است این اسناد دولتی است و در گمر کی موجود است آقایان اگر خواسته باشند من حاضریم ارائه بدهم آخرین چه رویه ای است جز این تصور شده برای اینکه يك وقتی در این مملکت مد شد از بس این کمپانیها بمردم اجحاف کردند هر کسی رفقا اروپا يك ماشین با خود آورد و این کمپانیها آمده اند کار را با بیصورت دست کرده اند که آنقدر حقوق و عوارض گمر کی از وارد کنندگان بگیرند که اگر کسی ماشین آورد صرف نکند و اگر خودشان آن مبلغ و آن میزان حقوق گمر کی میپردازند ما بحث نداشتیم تثبیت قیمتها را باید در این جاها عملی کرد شما تشریف ببرید به تعمیرگاه های اتومبیلها ملاحظه فرمائید اگر خواستید يك پیچ عوض بکنید يك لاستیک خود را تعمیر بکنید يك صورتی پیش شما میگذارد جنس ۲ تومانی را بیست تومان حساب میکند چون نماینده انحصاری است یعنی اگر مثلا شیشه چراغ اتومبیل شما شکست سیصد تومان از شما میگیرند آدم میگوید چه کار کنم چه خاکی بسرم بریزم از کجا بیآورم این شیشه چراغی که شکسته است عوض کنم همان چراغی که درمدها ۱۵ ریال است اینجا سیصد تومان است لقبه اینها برسید باین مملکت ماشینهای کشاورزی وارد میشود بنده در دوره گذشته اصرار کردم گتم

آقا می فرمائید پنجهزار تراکتور در این مملکت هست آنهایی که همه اش انتقام میکنند و گفته شد که در این مملکت کار نشده بنده معتقدم در این مملکت در طرف این چندسال اخیر خیلی کار شده بنده معتقدم در این مملکت در این چندسال نسبت به خود چه در آمدن صنایع این مملکت را اگر حساب کنیم میتوانم ادعا بکنم که از صدی پنجاه ممالک دنیا بیشتر کار شده (صحیح است) یعنی صدی پنجاه کشورها يك يك اگر حساب کنیم مصر، عراق، لبنان، ترکیه هر مملکتی را بگیریم بیشتر خواهد شد عرض کنم من معتقدم که در این مملکت در قبایل فرمایشات بعضی از آقایان ناخفتن آن آزادی که ما در اینجا داریم در دنیا جز دو سه مملکت از هر مملکتی بیشتر است همسایه شمالی که وضعیت روشن است اگر يك وقتی شما در آنجا توانستید بساحت مقرب دولت و حزب کمونیست يك کلمه حرف بزنید همان دقیقه تیرباران میکنند وضع ترکیه را در نظر بگیرید عراق را در نظر بگیرید عبدالناصر و مصر را در نظر بگیرید ایوب خان پاکستان را در نظر بگیرید منت فرانسه همان مبدأ آزادی تمام اختیارات خودش را داده است دست بکنند دنیا در جنگ سرد است دنیا حالت عادی ندارد آنوقت بنده این جاسنگ این را بسینه میزنم که از صبح تا شام نمی آیم اینجا بمردم فحش بدهم و عوامفریبی بکنم این صحیح نیست من اعلام میکنم که آزادترین ممالک در دنیا ایران است هر کسی غیر از این می گوید بیاید بگوید من ثابت میکنم که حرف او درست نیست (صحیح است) کدام آزادی را از شما سلب کرده اند مهمترین و معروفترین مجالات دنیا اسپرس است من دیدم در پاریس در طرف سه ماه سال گذشته چهار مرتبه توقیف شد الان هم توقیف است وقتی يك روزنامه و نشریه ای برخلاف امتیث و مصالح مملکت می - خواهد مطالبی منتشر کند باید توقیف بشود مابیش از همه چیز در مقابل دنیا و در مقابل این طوفان حوادث بيك ثبات و آرامش بيك سیاست ملی و مستقل احتیاج داریم (صحیح است) مائمی توانیم از کان ملت خودمان را تحریک و تحطه کنیم برای يك مصلحت کوچکتري برای اینکه يك آقای روزنامه نویسی نمی تواند فحش بدهد (کاظم مسعودی - روزنامه نویس ها فحش نمی دهند) (زننگه رئیس) و یا فلان آقا

نمی تواند نطق بکند کسی جلو نطق آقا را گرفته؛ البته میگیرند در تمام دنیا می گیرند روزنامه نویسهائی که مورد اطمینان هستند می گویند در مملکت ما خیلی کار شده کشاورزان مملکت ما کمروزی بود اگر ده سال قبل در این مملکت تراکتور دیده بودند خیال می کردند که با اصطلاح خردجال ظهور کرده حالا پنجهزار تراکتور در این مملکت کار میکند پس کشاورزی ترقی کرده در این مملکت اراضی گرگان اراضی دشت مغان اراضی ورامین و دشت گرگان آباد شده میزان مصرف مملکت بالا رفته بی انصافی نباید کرد من الان ثابت میکنم سطح زندگی مردم ما سطح مصرف مملکت ما بالا رفته من از خودم مثال میزنم این هیچ عیب نیست تنگ نیست همه آقایان بخاطر دارند من تا کلاس نهم یعنی سوم متوسطه تحصیلاتم را در مراغه کرده ام زاد گهم در مراغه است از یک خانواده متمولی هم نیستم ولی دستان بدبختان میرسد پدرم کسی مقروض نبوده و لاف این استطاعت را داشته که من راتنا تحصیلات عالیه گذاشته که تمام بکنم با وجود این من ۹ کلاس را که تمام کرده بودم برتقال نخورده بودم من نمیدانستم که برتقال چیست نه من لمکه در اغلب شهرها پیدا نمیشد الان در همین مراغه ده تاد کان برتقال فروشی هست که دو تابشان فقط برتقال لبنانی میفروشند و همان پدرم که ده سال قبل برتقال نمیخورد حالا اگر برادرهای من در روز برتقال نخورند دعوایشان میشود اما این چیست ملت سطح زندگی بالا رفته سطح میزان خوراک و پوشاکش بالا رفته شمایک نظری بطرز پوشاک مردم مملکت در ده سال قبل در ۱۵ سال قبل بکنید در تمام شهرستانهای ایران مایک کفش ملی داشتیم که بقول آقای علی و کیلی یا گیوه بود یسایک کفشی بود از چرم گاو با اصطلاح ترکی بآن میگوئیم کفش یک لائی در تمام تهران دیده بودند در این میدان توپخانه که میایستادید صد نفر که رد میشد تمام وضع پوشاکش طوری بود که همه آقایان برای العین دیده بودند و حالا هم می بینند در مملکت وقتی سطح زندگی و سطح مصرف رفعت بالا قهراً ایجاد یک مضيقه ها و یک مسائلی میکند البته اشکالات ما زیاد است احتیاجات ما زیاد است من نمیگویم همه مردم این مملکت از همه این نعمات برخوردارند ولی ما باید سعی

کنیم که این شامل همه مملکت باشد ۱۵ سال قبل در این مملکت مصرف و تولید سیمان ده هزار تن بود الان یک میلیون تن مصرف و تولید سیمان این مملکت است خوب این سیمان ها را بدریاچه رضائیه که نمیریزند مصرف ساختن کارخانه و آبادی مملکت میشود اگر اینکار نمیشود پس این یک میلیون تن سیمان را کی مصرف میکند در این مملکت ما الان به یک متر واردات قماش احتیاج نداریم در صورتیکه تا سه سال قبل دو نلک سه چهارم مصرف قماش از خارج وارد میشد این کارخانجات چطور وارد شد از سال ۱۳۳۲ تا حالا سه هزار کارخانه در این مملکت تأسیس شده (صحیح است) هر کس میکوید نشده بنده با اسم و رسم و رقم و محل و جاییش برایتان می شمارم سه هزار کارخانه در ظرف پنجسال در این مملکت تأسیس شده پیشرفت پس چیست البته ما دلمان میخواهد بشود ما دلمان میخواهد عوض سه هزار تنی هزار بشود ما دلمان میخواهد بیشتر از این مملکت پیشرفت کند ما دلمان میخواهد بعد از این اشتباهاتی که شده تکرار نشود و برای این منظور است که بنده و امثال بنده پشت تریبون می نایم

باری موضوع تراکتور را مثل زدم بنده در دوره گذشته هم گفتم که شمایید آقای دولت آقای وزیر بازرگانی آقای مدیر عامل سازمان برنامه آقای که مسئول این کار هستید تحقیق بکنید در دنیا دو مارک سه مارک چهار مارک تراکتور کدامش خوبوارزان و متناسب است این را معلوم کنید بگوئید این چهار تا تراکتور را اجازه میدهم بیاید اگر از چند کارخانه خریدار بودیم دیگر تراکتورهای ما آهن پاره نبودند در دهات و زارع میتوانست استفاده کند آقایان خیلی مهم است برای اینکه در این مملکت دولتها ضعیف هستند بحث اصلی بنده شاه بیت بنده در اینجا این است که دولتها ضعیفند برای اینکه از اتقاد میترسند چطور ضعیف هستند در سال گذشته وقتی در طرح لایحه بودجه با حضور خود جناب آقای نخست وزیر فعلی وزیر دارائی وقت آمد گفت من برای عوارض نوشابه های غیر الکلی یکی دهشاهی عوارض میبندم که بمصرف مسلولین برسانم آقای بزرگ ابراهیمی خدا سلامتتش بدارد پیشنهاد داده بود که عوض دهشاهی یک ریال گرفته شود آقای وزیر دارائی وقت آمد اینجا حساب کرد



گفت من آنها را خودم بحسابشان رسدم سه ریال و پنج شاهی برای اینها تمام میشود و پنج شاهی منقوع میکنند میشود ۳۰۵ ریال یک ریال و نیم هم برای فروشنده پنج ریال فروخته میشود و من خواهش میکنم با همان ده شاهی موافقت کنید فقط پنج شاهی از فروش کم میشود و پنج شاهی از دارخانه و تا کید او و مو کد او قیمت ترقی نخواهد کرد وقتی که از اینجا رفتم آن پیسی کولا و کولا کولا ده بقول آقای شمس قنات آبادی غیر از کلاه چیز دیگری نیست یک قران اضافه کردند دولت ده شاهی گرفت آنها یک قران اضافه کردند شدش ریال خوب دولت ضعیف یعنی چه یعنی اینکه نتواند جلوی صاحبان نفوذ را بگیرد دولت ضعیف نمیتواند بسا مستند مبارزه کند چرا نکردند چرا شش ریال فروخته شد چرا این کلاهها یکی شش ریال فروخته میشود چرا ۵۰ ریال فروخته نمیشود و شش ریال میفرشند چرا این را تعقیب نمیکند اما اگر در ته میدان همین السلطان یک بد بخت یک هندوانه را ده قیمت گذاشته اند دو ریال بیشتر بفروشد پدرش را در میآورد تثبیت قیمت عا این نیست جناب آقای دکتر سجادی جناب عالی وزیر داد گستری بودید از شخصتهای برجسته مملکت ما هستید اینها را باید جلویشان را گرفت شامسزی باین معاذهای لو دس تهران بسزید صد برابر قیمت تمام شده در آنجا پول میکینند صد برابر در بعضی موارد بنده حاضرم بشما نشان بدهم دولتی وقتی قوی است که قانون را اجرا بکنند دولتی وقتی قوی است که اراده و وعده و قولی که داده اجرا بکنند والا از نظر انتظامی قوی بودن کار را درست نمیکند من خیلی متشکرم واقعا من بعنوان یک نماینده در مقابل شجاعت و شهامت و صراحت جناب آقای آراش تعظیم میکنم اولین وزیری بود که من دیدم آمد و از خرابی دستگاه دفاع نکرد گفت آقا اشتباهاتی شده است گفت قرار دادهائی خلاف قانون بسته اند میدانید چرا برای اینکه ضعیف بودند در مقابل خارجی ضعیف در مقابل تحمیلات (احسنت) باید قوی بود ما پشتیمان شما هستیم ما برای حفظ مصالح مملکت از هیچگونه فداکاری مضایقه نمیکنیم شخص اول مملکت شش و روز میکوشد، نمایندگان مملکت همه شان علاقه مند و وطن پرست هستند هیچ دلیلی دیگری نیست که کسی

دیگر خودش را وطن پرست تر از من بداند (صحیح است) من بالصراحه میگویم ایران بهترین مملکتی است برای نشان دادن استعدادها برای گرفتن حق برای رسیدن به مقام در هیچ مملکتی مثل ایران به مقام و ثروت و رفاه و آسایش نمیشود رسید این مخصوص ایران است سه چهارم از نمایندگان ده اینجا نشسته اند اکثرآ از فامیلهای متوسط اجتماع ما هستند این باعث افتخار ما است خودم از فامیلهای متوسط وزارت این مملکت هشتم در ۳۱ سالگی نماینده مجلس شدم اگر یک کسی پیدا بشود بگوید کتر دادفر یک وزیر می شناسد یک سناتور می شناسد زنش از خانواده قوی بود من استعفا میدهم من از مملکت چه میخواهم جوازهای این مملکت چه میخواهند آنوقت چطور میشود که من در این مملکت خائن باشم دیگران خادم آخر میزان خیانت و خدمت در چیست این فقط و فقط برای اینست که ما خریدار حرف مقتیم هر اجتماعی اینطور است در هر اجتماعی مقتدرات کسی که با اصطلاح داد و قال میکنند مردم دورش جمع میشوند در خیابان اگر دو نفر سیلی بهم بزنند مردم جمع میشوند هیاهو میکنند ببینند چه خبر است آنروز در جلو این مجلس که تظاهر میکردند من اولین نفری بودم از اولین اشخاص بودم که آمدم همشاه صد نفر بیشتر نبودند بفاصله یک ساعت شد دو هزار نفر میدان بهارستان بزرگه است جمع میشوند این عده دیگر را بحساب احساسات نباید گذاشت (آصف وزیری - بله بحساب احساسات نباید گذاشت) ما میگویم آمدند جمع شدند حرفی نداشتیم بنده حاضرم به جناب آقای صالح (که متأسفانه جز موقع فرمایشات خودشان هیچ وقت حاضر نمیشوند بیانات دیگری را گوش کنند) اطمینان بدهم من از پشت این تریبون میگویم جنبه ملی هر حرفی دارد بنویسد در پشت این تریبون می خوانم اما جواب را هم میدهم اینکه صحیح نیست مملکت را به بلوا کشیدن به آشوب کشیدن میکوبند در این مملکت آزادی نبود متأسفانه در این مملکت ظالمانه ترین و بر خلاف اصول ترین قوانین که وضع شده در زمان همین جنبه ملی وضع شده قانون امنیت اجتماعی را مگر یادتان رفته است قانون تظاهر بر حمل چاقو آنوقت وضع شد در این مملکت قانونی وضع کردند

جناب آقای فلسفی جناب عالی که قاضی هستید و دادستان بودید بهتر می دانید هر کس قصد کند که تظاهر به چاقو کشی کند حالا معلوم نیست که چاقو دارد یا نه فقط از سه تا سال حبس می شود تمام دنیا را شما بگردید یک هم چو قانونی که در زمان حکومت آقای صالح و رفقای ایشان گذشته دیده نمی شود آقایان این مملکت میگویند آزادی نیست آقایان این مملکت فرمان شاه دائر بر عزل نخست وزیر وقت را نیکداشتند چاپ شود ممکن است گفته شود دولت وقت معتقد بود که این فرمان مالا اصولی نیست من با اصلش کار ندارم فرمان نبود یک مطلب بوده این باید چاپ شود روزنامه نگار باید عقیده اش را بگوید هر کس می خواست اینرا بگوید زبانش رامی کشیدند بیرون خوب تا شما که در دوران حکومت خودتان این طرز آزادی را تأمین کردید چه می گویند شاعوقتی که انتخابات کردید گفتید صدی هشتاد این انتخابات درست است خوب است و بعد وقتی آقای مکی علی زغم میل شما در بانک ملی انتخاب شد در مجلس را بستید چرا از آزادی دم مینمید، از کدام آزادی دفاع می کنید من از نقطه نظر آزادی در این مملکت بعقاید دموکریست ها بیشتر ارزش قائل هستم تابعیده آقایان من خودم کسی هستم که تا دنون با دموکریست ها مبارزه کردم و معتقد هستم که این رژیم دیکتاتوری در دنیا محکوم است ولی اینها تری دارند می گویند مای خواهدیم ساختمان یک مملکتی را عوض کنیم اما اینها چه می گویند آنها می گویند دکتر دادفر برود مایا بیایم من می گویم چرا (احسن - احسن) در ضمن اگر کاندیدهای ما هم انتخاب بشوند می گوئیم آزادی نیست من میگویم چرا انتخاب نشود ولی مردم او را انتخاب کنند شما هر کاندیدی دارید بیاید در حوزه انتخابیه من اعلان بکنید من هم میروم اگر توانست در آنجا رأی بیاورد بخدا به پیغمبر استعفا میدهم من پول ندارم، ده ندارم رعیت ندارم و شاید باشند از آقایان نمایندگان که بوضع بنده در آذربایجان واردند امسال سیصد هزار تومان پول رقیب من خرج کرد ولی مردم مرا انتخاب کردند خوب بنده هم آدمم عییم چیست؟ چرا من نیایم توی مجلس مگر صلاحیت ندارم؟ بمملکت خیانت کردم؟ توجه خدمت کردی که من نکردهم چه راه نمائی

کردی که من نمیتوانم انجام بدهم اگر مصالح مملکت باشد مای میتوانیم انجام بدهیم اما بصرف اینکه شما نباشید مای باشیم که نمیشود چرا نباشیم چون لایحه بودجه دولت تنها موردی است که یک نماینده اجازه صحبت نامحدود دارد بدنیست اینها گفته شود این مطالب درد دلهای مملکت است باید گفته شود رهبر جبهه ملی نخست وزیر وقت آقای دکتر مصدق در کابینه ای که تشکیل داد وطنی برنامه ای که اعلام کرد دو مطلب در بر نامه اش بود یکی نفت یکی انتخابات من از لحاظ نفت دکتر مصدق را محکوم نمیکنم میگویم شاید از لحاظ نفت می خواست خدمت کند حق بیشتری بگیرد در حساب اشتباه کرد مشاورین او درست نمیپندند من باین کاری ندارم اما در آرشیمو کمیسیونهای همین مجلس ۱۸ فقره لایحه مطرح مربوط با انتخابات موجود است که یکی آقای دکتر مین دفتر دی داده دولتیش را آقای دکتر مصدق داده دکتر معظمی داده ولی اکثر آنها معطل ماند میگویم که شما اختیار قانونگذاری داشتید شما که نخست وزیر بودید که شب هر ورقه را امضاء میکردید صبح میشد قانون و امرتان مجری بود میخواستید زیر یکی از این لوايح را امضاء کنید و انتخابات دوره ۱۷ را بایک قانون مترقی عمل کنید تا این مملکت قانون انتخابات مترقی داشته باشد چرا نکردید برای اینکه معتقد بدان اختیار مردم بمردم نبودید (احسن احسن) حساب آنرا کرده بودید که اگر قانون و اختیار بدست مردم میدادید آن کسی را که میخواستید انتخاب نمیشد چرا این قانون را امضاء نکردی تو که برنامه دولت انتخابات بود تو که به بحث و شور و جدل احتیاج نداشتی یکی از اینها را امضاء میکردی که انتخابات را انجام بدهی شما که آقای صالح بودید میگفتی آقای رهبر بیای یکی از اینها را امضاء کن برای ملت ایران خوب است چرا نکردی برای اینکه دروغ بود برای اینکه دکتر مصدق نمی خواست سیستم اجتماعی آن سیستمی که او و امثال او را بپار آورده بهم بخورد (صحیح است) او نمی خواست زارع این مملکت کارگر این مملکت دارای حقوق باشد او از طبقه خودش دفاع می کرد در عالم

کرد اما اگر ما برای توسعه کشاورزی احتیاج داریم اقداماتی بکنیم تمام اینها با پول همین مملکت است بگذارید در یک محل متمرکز بکنیم بگذارید مردم راحت بشوند مردم را خسته نکنید.

فردا یکی از این تصویب نامه‌ها صادر بفرمائید با توجه باین تراکتوری که بیشتر از همه بایران آمده یا بهتر از همه یا محکمتر از همه است و بیشتر بدرکار این مملکت میخورد این تراکتور بیاید و لااقل از آن کمپانی باشد باو بگوئید چون تانوسال دیگر به ایران ده هزار تراکتور خواهید فروخت بنده بشما اطمینان میدهم که او تعمیرگاه هم‌دائر خواهد کرد.

کما اینکه اتومبیل‌هایی که الان در این مملکت زیاد فروخته شده‌اند همه‌شان در تهران و شهرستانها تعمیرگاه‌هایی درست کرده‌اند بسیار مجهز چرا برای اینکه متاعشان را بفروشد یکی از مسائل بسیار مهم و مبتلا به مملکت ما جناب آقای مهندس شریف امامی که مسیبت دولت بوده این روح عجیب و خطرناک تجمل پرستی است که در اجتماع ما شایع شده (صحیح است) بنده محصل بودم در تبریز باصطلاح از مراغه رفته بودم در تبریز که دوره دوم متوسطه را بخوانم پندرم ماهی بیست تومان میفرستاد که با آن بیست تومان من زندگی میکردم بیک تاجری حواله میداد من میرفتم میگرفتم یکروز موقع ظهر بود رفتم پیش آن تاجر ماهیانه را بگیرم یک تاجر بسیار معتبری بود در آذربایجان من دیدم آنها دارند نان و پنیر و سبزی میخورند.

من که محصلی بودم شاید با نان و پنیر زندگی نمیکردم یادم می‌آید دو ریال بود چلو کباب و چلو کباب میخوردم من خیلی با تعجب نگاه کردم باین بساط آن حاجی خدا رحمتش کند قوت شده بمن گفت خیلی تعجب میکنی مثل اینکه یک مطلبی داری از وجنات من درک کرد که من فکر میکنم خوب تو باین ثروت و حجره باین همه تمول این نان و پنیر و انگور یعنی چه؟ گفت بسم، ما اگر اینجا در حجره چلو کباب بخوریم مهم به بی‌اعتباری در بازار میشویم میگویند گشاد بازی میکند بخدا قسم یک وقتی بود که مملکت ما روح صرفه-

اجتماعی معتقد بتحول نبود اطرافیان او هم دروغ می‌گفتند حالا هم دروغ میگویند چرا نکریدید؟ میگردید که امروز داد و فریاد انتخابات راه نمایندگان بهتر حال این مطالب باید گفته شود تا ملت ایران بدانند که چه کسانی چه می‌کنند، الان مملکت در یک وضعی است در دنیا یک موفقیتی پیدا کرده است که تمام دنیا با نظر احترام بمان نگاه میکنند نمایندگان کشور ما در مجامع بین‌المللی حیثیت و آبرو پیدا کرده‌اند چرا ما تیشه بر داریم بریشه خودمان بز نیم برای اینکه از فلان وزیر دل خوری داریم از فلان مسئله ناراحتی داریم همه چیز را انکار کنیم تمام ترقیات پیشرفته‌ای که کشیده شده است روی آن خط بطلان بکشیم برای اینکه در روزنامه‌ها بنویسند که فلان کس سه ساعت صحبت کرد البته صحبت خیلی خوب است انتقاد خیلی خوب است من از فرمایشات ناطقین محترم دمال استفاده را کردم اینها باید گفته شود تا دولت‌ها بنقاط ضعف خود پی ببرند و من امیدوارم تمام وزراء مثل آقای آراش شپامت و شجاعت اینرا داشته باشند که بمعایشان پی ببرند اولاً آنها را بگویند ثانیاً در رفع آنها بکوشند ثالثاً این اشتباهات اگر گفته نشود و سرپوش رویش گذاشته شود فایده ندارد این معایب را همه میدانند اما وقتی بگویند، بگویند که اشتباه کردیم بگویند اشتباه ما دلیل‌هایش این بوده لااقل مردم خواهند گفت دولت تا اینجا میخواست ولی نتوانست اما سرپوش گذاشتن و لجوجانه دفاع کردن جز اینکه باعث شکاف بین دولت و مردم شود فایده دیگری نخواهد داشت بهتر حال چر گردیم بمطلب بنده پرسیدم مسئله تثبیت قیمت‌ها چه شد عرض کردم آقای چهارتا کمپانی پیدا کنید شما آقای وزیر بازرگانی بگوئید این تراکتورها خوب است باید از اینها وارد شود تا کشاورزان ما اینقدر بیچاره نباشند در مملکت باید برای هر کاری یک برنامه‌ای باشد یک اداره بانک کشاورزی درست کرد ماشین آلات خرید تراکتور خرید داد بکشاورزان یک اداره سازمان برنامه درست کرد ماشین آلات وارد کرد و گفت برای توسعه کشاورزی به کشاورزان میدهم یکی دیگر هم وزارت کشاورزی خودش را ساواری

جوئی درش بود یک نفر میلیونر کرباس میپوشید که یک کارگر نمیپوشید اما الان کشور ما دچار یک روح تجمل شده که این تجمل پرستی روز بروز هم ادامه دارد و مسبب آن خود دولت ها است شما اطلاع دارید اولین دستگاه کولری که در این مملکت وارد شده از خود دولت بوده کولر یک چیز تجملی است من هیچوقت نمیگویم وقتی تکنیک و صنعت اجازه داده است که آدم در اطاق در هوای خنک مشغول کار بشود کولر نگذاریم اما این را میگویم که وقتی وزیر یا معاون، مدیر کل رئیس کل وقتی میتواند در اطاق خودش کولر یا فرش یا مبلمان بپندازد که لااقل برای آن کارمند بندرعباسی و بوشهری پنکه راه بیاندازد (صحیح است) آخر اینکه نمیشود مادر مملکتان طبق آماري که سازمان ملل متحد سه سال چهار سال قبل منتشر کرده در آمد سالیانه هر فرد ایرانی ۹۰ دلار و حالا در حدود ۱۲۰ دلار شده

(یکی از نمایندگان / ۱۵۰ دلار) / ۱۵۰ دلار شده و من خوشوقتیم که طبق همان نشریه بین المللی که بحرف من گوش نمیکند بحرف نخست وزیر گوش نمیکند اینها تشکیلاتی داده اند که برای دنیا آمار تهیه می کنند اینها طبق آماري که تهیه کرده اند ترقی در آمد سرانه ملی ایران از تمام ممالک آسیا بیشتر است و یکی از دلایل پیشرفت مملکت ما می باشد و اینکه من عرض کردم سند مراجع بین المللی است که ۱۵۰ دلار در آمد سالیانه است و امیدواریم به ۱۵۰۰ دلار برسند

اما در آمد سالیانه هر فرد فرض کنیم مثلا هزار تومان باشد فرض کنیم ۱۲۰۰۰ ریال در سال / ۱۰۰۰۰ ریال در ماه، اما یک مدیر یک معاون یک مدیر کل چگونه میتواند بدیش گوارا کند که مردم صد تومان عایدی در ماه داشته باشند و یک مرتبه برای اطاق وزیر ده هزار تومان کولر بخرند این تجمل است وزیر این ملت باید زیر درخت انجام وظیفه کند صحبت از این فداکاریهاست که یک ملتی نضج میگیرد (احسن است) میگویند در صدر اسلام خلیفه دوم با اسب یک جائی میرفت فوری از اسب پیاده شد گفتند چرا پیاده شدی گفت وقتی اسب حرکت می کند احساس

میکنم نشاط و وجدی که این اسب وقت حرکت ایجا میکند در من یک روح تجمل بیارمیا آورد این خلاف تعلیمات اسلامی است ما در دینمان و در اجتماع ما از این دستورات زیاد داریم، وقتی دولت خودش واسطه ورود و انتقال اتومبیل برای کارمندان است در سال لااقل هزار دستگاه وارد میکند شما دیگر چه انتظار دارید ارزش رفه جوئی شود خود جناب آقای شریف امامی آمده اند تصویب نامه گذرانده اند که بمدیران کل و معاونین اتومبیل بدهند من مخالف اتومبیل نیستم من آرزو میکنم که تمام مردم این مملکت صاحب اتومبیل بشوند کما اینکه ده سال قبل در این تهران هزار دستگاه ماشین نبود و حالا چند هزار دستگاه است و این باعث افتخار ما است اما من اینرا میگویم که آقا شما برای یک معاون بچه مجوزی از کیسه کدام ملت از کدام بود چه ماشین میخرید و نصف اینرا بکدام مجوز وطنی کدام اجازه مجلس از خزانه ملت میدهد این آقایان تصویب نامه دولت هست، که نصف قیمت رار اینگان دولت میدهد بقیه را هم با قسط خود کارمند میدهد شما با اتومبیلی که وارد شود سود بازرگانی بسته آید ولی اینها را از عوارض کمر نمی معاف میکنید کدام قانون شما اجازه داده که معاف کنید قانون است طبق کدام قانون اتومبیلها را که برای خودتان و معاونان و آدمی کنید از حقوق و عوارض کمر نمی معاف می کنید کدام قانون شما اجازه داده که معاف کنید

آخر برای شخص میخرید برای دولت که نمیخرید آدمی سود بازرگانی را معاف کردیم عوارض کمر نمی هم نگرقتیم سود بازرگانی هم که نگرقتید برای اینکه اینها بازرگان نیستند که سود بازرگانی بگیرند سود بازرگانی بافرااد وضع میکنند یا بکالا اولاً شما چطور نصف اینرا میدهید چطور میشود امروز فلان حسنعلی شده مدیر کل یک دستگاه ماشین میخرد بعد از دو ماه بدبختانه یا خوشبختانه در مملکت ما تشکیلات و سازمان که نیست بعد از دو ماه یک وزیر دیگر می آید یک آقای معاون دیگر می آورد این آقای معاون و این آقای مدیر کل امروزی میشود وابسته به وزارتخانه چون برای مدیر کل که شغل دیگری نیست

مقاومت نمیکنید این پول مردم است این اتومبیلهای دوج و کرایسلر که هر روز در خیابانهای تهران است از پول همان کسانی است که در ماه صد تومان عایدی دارند ، عمرو آورد یازید آورد کناری نداریم ، هیئت وزیران تصویب کرده ، ما چرا به کسی که رفته بتازیم من سرلشگر ضرغام را با اینکه با آقای شریف امامی رابطه خوب نداشته از وزرای خوب میدانم عقیده آزاد است بنده کسی که افتاد پشت سرش بد نمیگویم . همه کارها را نباید ببندازیم بگردن کسی که رفته (بهمینبار) خاطی باید مجازات شود) این تصویب نامه راضی آورده من عرض میکنم که این کار چرا باید بشود آقای مسعودی یادداشت دادند مینویسند در کشور سوئد که در التزام کاب ملو کانه بودم جناب آقای نخست وزیر خودشان تشریف داشتند و این یادداشت را از روی هوی و هوس مینویسم چون شاهد زنده اش این است فقط ۱۴ اتومبیل مدل ۵۵ برای هیئت وزرای سوئد بوده که فقط در موقع کار استفاده کنند آقای ( کاظم مسعودی - درمهد آزادی) ما کجا نیم ؛ این عایدات نفت این سیصد میلیون دلار را میدهند که اتومبیل بخریم آنوقت از عایدات نفت ماهر سال باید بیائیم خلعی اضافه بود چه بکنیم برای اینکار در لایحه بودجه نه میلیون برای اعتبار پیش بینی نشده است همین رقم در سال گذشته بود من میخواهم ببینیم اعتبار پیش بینی نشده یعنی چه اگر احیاناً خدای نکرده ماجنگی داشتیم خبری بود زلزله ای بود بیک مجوز اضافه خرج دولت احتیاج داشت بلافاصله می آید از مجلس اجازه میگیره پس این مجلس این دستگاه برای چیست ؟ تمام این خرجهای بیمورد از این محل صرفه جوئی و از این محل است . آخر سال هر وزارتخانه می بینید پانصد هزار تومان اعتبار پیش بینی نشده دارد خوب چه میکند پرده مخملی میخرد برای اطاق وزیر کولر می خرد برای معاون اتومبیل میخرد فوق العاده و پاداش میدهد من شرم شما صمیمانه بامن همکاری کنید در همین بودجه به اول اینکه یک ذره در کارهای شما تقصان حاصل شود صد میلیون تومان صرفه جوئی بکنم عرض کنم بکارمندان دولت حقوق میدهید مزایا میدهید آنهایی که در دوره ۱۹ تشریف داشتند میدانند که من از و کلائی بودم و هستم که طرفدار طبقه کارمندان دولت هستم در دوره گذشته هم اینقدر تلاشی کردم که این

میشود وابسته و مشاور عالی مغز متفکر ، آن ماشین را میفرشد بد کتر دادفر بعد از سه ماه باز این آقای مدیر کل میشود مدیر کل تازه روز از نو روزی از نو آقایان دولت نشد این شد بنگاه وارد کننده ماشین چرا ؟ برای اینکه ضعیف هستید و برای اینست که نمیتوانید در مقابل نفوذ صاحبان کارخانجات و نمایندگان اتومبیلها مقاومت کنید دولتی مصالح ملت بالاتر از این حرفها است که در مقابل این نفوذ هابتوانید بایستید حالا من نمی گویم که عالماً و عمدتاً شما تسلیم میشوید همچو اوضاع راجورمی کند همچو وانمود میکند که یک عده مدیر کلهای مظلوم بیچاره وسیله ایاب و نهاب ندارند عریضه ای تقدیم می کنند به شورای عالی معاونین و این قضیه مطرح میشود البته چون خودشان هم زیدخل هستند شورای عالی معاونین با خضوع و خشوع یک راننده چهار حلقه لاستیک برای هر یک از آقایان میدهد در نتیجه سه هزار دستگاه اتومبیل بمملکت وارد میشود اینرا درست کنید آنوقت برای تلفن مردم میگویند ارز نداریم / ۲۲۰۰ تومان مردم داده اند وزارت پست و تلگراف اعلام میکند حالا نمیتوانم تلفن بدهم چرا ؟ برای اینکه دولت باید ده میلیون دلار ارز بدهد ندارد (نخست وزیر - همچو چیزی نیست) اینها مطالبی است ۵۵ من صمیمانه و از روی امان علاقه و عقیدت بمملکت از روی کمال علاقه و عقیدت شاید از روی بیاناتم احساس کنید می گویم اهل مسداهنه نیستم و با کمال علاقه و عقیدت باین جناب آقای مهندس شریف امامی عرض میکنم چون مرده ای است که همیشه در دوره نوزدهم تنها وزیری بود که در کمیسیونها به تذکرات توجه میکرد و می خواست ببیند و کیل چه میگوید من اگر میگویم تنها وزیر آنها را دیگر را نمیگویم البته وزرای دیگر هم شاید باشند پس قصدی ندارم و من اینها را عرض میکنم شاید توجه بکنند بدره مملکت برسند عرض میکنم دولت باید قوی باشد شما که مورد اعتماد شخص اول هستید شما که از اعتماد تمام و تمام مجلس برخوردارید شما که یک عمری است خودتان و دوستانتان به یکدانی و خدمتگزاری معروف هستید شما که نقطه ضعف ندارید چرا در مقابل افریقا و این نفوذهای بیگانه

لایحه پیمانی رسمی در این مجلس بتصویب رسید. و رفت در مجلس سنا ماند آقایان همه شان میدانند که من در تمام نطقهای قبل از دستورم بکارمندان اشاره کرده ام این کارمندان این طبقه که من از آنها بحث میکنم یک طبقه دیگری هستند همانطوری که در هر مملکت یک طبقاتی هستند که الان در ایران ما هم یک طبقه ای هست مرفه که فاصله آنها با طبقات محروم اجتماع خیلی زیاد است جناب آقای نخست وزیر دستگاه دولتی ما گرفتار اریستو کراسی اداری شده بنده طبق آماری که استخراج کردم از تمام حقوق پرستلی و پاداش و مزایائی که ماتصوب میکنیم نه دهم آن نصیب نصف طبقه کارمندان میشود و یک دهم نصیب نصف دیگر برای اینکه یک عده هستند که از همه مزایا استفاده میکنند و یک عده ای هیچ تعجب نفرمائید مثلا طبق قوانین و آئین نامه و اصول مسلم اداری در تمام دنیا حداکثر حقوق کارمند در دستگاه دولتی نباید از پنج برابر تجاوز کند و کشورهای که دستگاه های اداری خودشان را بر اصول صحیحی قرار دادند بر خلاف این نیست میفرمائید (دکتر سجادی - درست است) آقای دکتر سجادی میفرمایند درست است یعنی اگر حداقل حقوق کارمند ۲۰۰ تومان باشد حداکثر حقوقیکه بیک کارمند پرداخت میشود دو هزار تومان باید باشد حالا من کارمندانی که که از محل صدی ده شهر داری در بهداری ها استخدام شده اند نمیگویم که در حوزة بنده و آقای مهندس مقدم از این قبیل استخدام فراوانند که با آنها فقط ماهی شصت تومان میدهند چون آنها از محل صدی ده شهر داری حقوق میگیرند با آنها کار نداریم اما طبق اصل رسمی حداقل حقوقی که در این مملکت یک کارمند عالی مقام یعنی آموزگار یک کارمند شریف و یک کارمند که هر کن اجتماعی ماست میگیرد چهار صد تومان طبق این قاعده کلی باید حداکثر حقوق دو هزار تومان باشد اما تنها با اعضای هیئت مدیره شرکت نفت ۱۲ هزار تومان میدهند اینکه شدی بر این برای چه میدهند؟ چوتکه ضعیف هستید؟ در مقابل نفوذ نمی توانید بایستید قوی بشوید من پیشنهاد دادم بعد از این هیچ کارمند دولت، نباید بیش از پنج برابر حداقل بگیرد تازه این چهارده هزار تومان متن حقوق است فوق العاده

کنفرانس مطالعه پاداش هزینه سفر شما کدام هیئت مدیره در این جا دارید که حقوقش از شش هزار تومان کمتر باشد که با پاداش و مزایا و فوق العاده در ماه کمتر از شش هزار تومان باشد وزیر مملکت ۲۵۰۰ تومان حقوق دارد وکیل مملکت ۲۵۰۰ تومان میگیرد بخدای لایزال من در این مملکت در چهار اطاق زندگی می کنم نه کلفت دارم نه نوکر چهار تا بچه دارم فقط با این حقوق زندگی میکنم و قانون گذشته اند پروانه کالت مرالفو کردند و کالت نمیکنم خوب چاره ندارم خودم ماشین میبرم در مملکتی که ملتش صد تومان در آمد ما ندارد ۲۵۰۰ تومان برای من خیلی زیاد است اگر با تا کسی بیایم بروم احترام در جامعه ندارم برای اینکه اگر در یک مهمانی با ما شین وارد نشدم اتومبیل نداشتم آن پاساژهای دم در خیال میکنند قالیاق دزد (خنده نمایندگان) برای این مجبورم ماشین بخرم، خوب شما چرا حقوق را اینطور بالا میبرید طبق کدام اصل مسلم اداری در کدام مملکت وزیر شما باید دو هزار تومان بگیرد و عضو هیئت مدیره شرکت مکس پرانی شش هزار تومان؟ این با کدام اصل منطبق است یک بحث شیرین در این مملکت عبارت از هیئت مدیره شرکتها است، در شرکتهای دولتی سرمایه مال دولت است و افعاد استان شرکتها شنیدنی است صاحب سهام مجمع عمومی تشکیل میدهند وزیر دارائی وزیر کشاورزی نشسته اند شرکتی که صد درصد سرمایه اش مال دولت است وزیر دارائی صاحب سهام است هیئت مدیره در آن شرکت دیگر چه میگوید یک مدیر عامل آن شرکت را اداره میکند هیئت مدیره در شرکتها شرکت سهامی خشکبار درست می کنند چند هزار نفر آنجا سهام دارند اینها هیئت مدیره انتخاب میکنند چرا برای اینکه میگویند بیک نفر اعتماد نمیکنیم سه نفر را انتخاب میکنند یکی به تیمسار صفاری اعتماد میکنند یکی به تجدد اعتماد میکنند مجبور است این شرکت هیئت مدیره داشته باشد چون هر کدام نماینده سهام طبقات مختلفی است که در آن شرکت سهام دارند خوب آقای یک شرکتی که تمام سرمایه اش مال یک نفر است برای این شرکت چرا هیئت مدیره درست کرده است که مجبور باشند ماشین بدهند پول ایاب و نهاب بدهند

۱۶ رقم صورت امضا میکنند و ده دوازده هزار تومان چک میگیرند اینهاست که کارمندان شما ناراضی میکنند شما اگر بیائید تمام بودجه ای را که در مملکت در امور پرستلی مصرف میکنید اینها را یک کاسه بریزید به یکجا و تعداد کارمندان را هم معلوم بکنید و بگوئید حداقل چهارصد تومان و حد اکثر دوهزار تومان و اگر کم است حداقل پانصد تومان و حداکثر دوهزار و پانصد تومان و تصویب کنید که این اصل کلی حقوق اداری باشد و آنوقت بگوئید این آقای مدیر کل ۲۵۰۰ تومان و آن آقای پاسبان ۵۰۰ تومان و در تمام دنیا هم یک حداقل و حداکثری هست و ما هم تقسیم کردیم باین نسبت اما چطور می شود یک نفر در ماه صد تومان بدهید اما یک نفر دیگر نه هزار تومان حقوق بگیرد.

این ایجاد ناراحتی در کارمند میکند و ایمانش را از دست میدهد. پول در این مملکت مهم نیست و هر وقت میشود پول را فراهم کرد.

ایمان یک ملت اگر از رهبران و حکومت و دستگاه سلب بشود خطرناکترین آفت است (آفرین - احسنت)، هیچکس بفکر هیچکس نیست. ملاحظه بفرمائید که بیک طبقه و بیک دسته بدون تمشک، بدون نامه پرانی، بدون دیدن وزیر و وکیل اضافه حقوق نمیدهید. اگر دادنی است خودتان بدهید.

چرا عزت، نفس و حرمت این اشخاص باید از بین برود، اگر نباید داد مقاومت کنید و ندهید. با واسطه و تشبیه و نامه نگاری چرا میدهید؟ من خیلی خوشوقتیم که امروز در روزنامه دیدم که نوشته اند یک قانون استخدام کشوری تحت مطالعه است.

من امیدوارم این کار که یکی از گرفتاری های بسیار بزرگ مملکت ماست حل بشود، ولی از پشت این تریبون ناچارم موضوع حقوقی که در ایران کارمندان دولت به نسبت در آمد سرانه ملی میگیرند مقایسه کنم که این حقوقی است که در هیچ جای دنیا وجود ندارد. اگر یک کسی آمد گفت در امریکا، در شوروی، در فرانسه و در انگلستان زیادتر می گیرند بنده ثابت میکنم که در ایران بیشتر است.

از صبح تا شام هم این مدیر زیر پای او را میتراسد آن عضو زیر پای اینرا از صبح تا شام دولت رسیدگی بکند به اختلافات و دعواهای این اعضای هیئت مدیره چه لزومی دارد شما اگر بیائید تمام شرکتها و سازمانها دولتی که دارند که در هر کدام از سه تا ه نفر عضو هیئت مدیره دارند فقط یک مدیر عامل شخص موثق باشد بگذارید آنچه و این حقوقها را حذف کنید (مهندس والا - قانون خاص لازم دارد) اگر قانون خاص میخواهد یک تبصره به ۵۴ تبصره که اضافه کنید میشود قانون خاص ملاحظه خواهید فرمود چقدر صرفه جوئی میکنند ما میگوئیم باینکارمند ارشد و آنها که از تمام مزایا و بودجه مملکت استفاده می کنند محض خاطر خدا و مردم بیائید یکسال پاداش ندهید چطور میشود، در کجای دنیا بکارمند دولت آخر سال یا نسبت به انجام وظیفه ای که میکنند بی حساب و کتاب و بی گزارش و بی مأخذ و دلیل پاداش میدهند؟ فقط این جا است که در آخر ماه حساب می کنند میگویند ۲۰۰ هزار تومان مانده بیست هزار تومان میدهید بمدیرش ده هزار تومان بمعاونش اینطور تقسیم میکنید صورت بیاورید از این وزارتخانه که آیا از این پاداشها در سال ۳۹ بکارمندان شهرستانها چقدر رسیده اگر دیناری داده بودید بیائید اینجا بگوئید (وزیر دارائی - داده شده آقا) اضافه کار مقطوع داده اند جناب آقای وزیر دارائی من میدانم دادید ولی بآن ندادن میگویند اگر بگوئیم داده اند یک تومان در مقابل ده هزار تومان این را میگویند عدم (مهندس والا - تبصره ۴۷ بهمین منظور نوشته شده) اصلاً بنده خوشوقتیم همانطور که تذکر فرمودید لاف این دولت و کمیسیون بودجه توجهی کرده و بیشتر از ناحیه دولت است چون قبل از کمیسیون بودجه خود

آقای نخست وزیر هم در سال گذشته بخشنامه کرده بودند که اضافه از یکماه حقوق نباید پاداش داده شود، میخواهم بگویم این پولها کجا رفته؟ چرا دولت میدهد؟ آیا در دستگاه دولت مگر بچند منوال میشود حقوق گرفت؟ پاداش، اضافه کار، اضافه کار مقطوع، هزینه ایاب و ذهاب، پول راننده، مدد معاش اولاد و و هزارویک عنوان حق مقام و مدیریت کل و از این حرفها آنقدر عنوان تراشیدند که آدم شاخ در می آورد و تمام اینها را جمع بکنید به بیست و چند چقدر میشود آخر ماه جناب مدیر کل

عرض کردم به نسبت درآمد سرانه ملی یعنی مردم ما، دهقان ما، کارگر ما درمناطبق حسابی که الان کردم نمود الی صد تومان درآمد دارند و ما حداقل حقوقمان چهار صد تومان است.

آقا اگر کارمندان با چهار صد تومان نمیتوانند زندگی کنند چطور دهقان با صد تومان میتواند؟ کارمند اگر دلش یخچال میخواهد، زارع هم میخواهد، آخرین کارمند و نوکر با استطاعت پولی که آقا دارد مواجب میگردد یعنی این حقوق را میگیرد، چرا کافی نیست؟ برای اینکه عرض کردم دچار تحمل شده ایم، برای اینکه آقا آن اطافی که دارد میگوید کم است باید سه اطاق داشته باشد و سیصد تومان کرایه خانه بدهد، راست هم میگوید، چرا این را میگوید؟ برای اینکه می بیند مدیر کل در کاخ می نشیند، اگر او بادو هزار تومان زندگی میکرد یقیناً او هم با چهار صد تومان زندگی میکرد و صدایش هم در نمی آمد. مادامی که شما اینگونه امکانات را در اختیار یک عده معدودی بگذارید اگر به قیقه نپردازید سر و صدا در می آید و تبعیض و ناراضائی پیدا میشود.

در مورد کارمندان هر عملی ما بکنیم یک تبعیض است در حق دیگران، آمده اند اشل آقایان قضات و مهندسين و اطبا و دبیران را بالا برده اند، نسبت حقوقشان در سنوات سابق ترمیم گردید، حالا لیسانسیه ها شکایت دارند، بنده لافل توی جیبم دهها شکایت دارم. یکی را سندی کای ماهها، یکی را لیسانسیه های بانکها و یکی را مهندسين نقشه بردار و همه اینها نوشته اند که ما هم باید بگیریم، راست هم میگویند برای اینکه اینها دیده اند از کاغذ پرانی و رفتن پیش این و کیل و آن و کیل پول گیر می آید، چرا نکنند؟ کار و بار اداره اش را اول می کنند و دنبال من و آفتاب است که برای بنده هم درست بکنند. راست هم میگویند ولی کاری که میکشید جامع الاطراف بکنید اگر برای همه بشود مردم ناراضی نمیشوند. ما ماها نوشته اند که ما ۱۵ سال تحصیل کردیم، آموزشگاه عالی طی کرده ایم و بهما همان حقوقی را میدهند که به ما مائی که شش سال ابتدائی درس خوانده است، فرضاً یک عده لیسانسیه اند با آنها اضافه میدهند ولی عده ای از آنها در یک دستگاه دیگر مملکت در مجلس شورای ملی

یا جاهای دیگر کار میکنند نمیدهم؛ آنها میگویند چرا بدیگران میدهم؟

سال گذشته گفتیم و مجلس ندان. باید بدهد، برای این قانون استخدام باید فکری کرد بقول یکی از رفقا در هر دستگاه وضع یک طور است و در مملکت ما دو نفر با تحصیلات مشابه، با سن مشابه، با استعداد مشابه وارد خدمت دولتی میشوند، با سنی که ده سال، بیست سال، بعد از دو سال وضع استخدامی این دو نفر مشابه نیست، یکی رتبه گرفته، یکی نگرفته، یکی مأموریت رفته، یکی نرفته، یکی صاحب مقام شده، یکی نشده، چرا؟ برای اینکه سازمان در مملکت مانع است، اراده اشخاص سازمان است. یک روز آقای سر لشکر ضرغام می آید یک سازمان می دهد فردا آقای شعاعی می آید یک سازمان دیگر می دهد. او چرا دان معلوم نیست، این چرا بهم میزند معلوم نیست، او میگوید دلم میخواست، این میگوید دلم میخواست. او مدیر کل درست میکند، این مدیر کل را حذف میکند، او معاون می ترشد این معاون را حذف می کند.

آخر چرا؟ تا کی دلخواه؟ آخر کار یک نظم و نسقی نباید داشته باشد؟ اگر تبعیض که همکاران محترم قبلاً اشاره فرمودند فقط در مورد مستخدمین ادارات بود، می گفتیم خوب، آقا یک سازمانهایی تشکیل شده جمع و جور کردن اینها و متحدالشکل کردن اینها مشکل است، واقعاً هم مشکل است، من حق می دهم باینکه این سازمانها را درست کردن و تمام این مشاغل را طبقه بندی کردن و منطبق با وضع حاضر کردن بسیار مشکل است، اگر یک دولتی در اینکار موفق بشود واقعاً شق القمر کرده است و اگر هم تاحال نشده بر اثر مشکل بودن آن بوده و همه می خواستند که اینکار انجام بشود. اما آقا در سایر امور تبعیض چرا میکنید؟ بنده جناب آقای نخست وزیر یک حوزه انتخاب دارم اسمش بناب است که سابقاً با مراغه یک جا بودیم و حالا وضعش عوض شده و تفکیک شده بناب بر طبق آمار سر شماری که مورد قبول خودتان هست و در آن دفتر چه هست ۱۶۷۴۸ نفر جمعیت دارد.

لافل الان پنجاه درصد شهرستانهایی را که شهرستانند و از مزایای شهرستان برخوردارند ببینید کمتر



آخر یکر و زینویسید. بگوئید که هر شهری بیش از ده هزار نفر جمعیت دارد شهرستان باشد. یا مثلاً اگر شاخصی درختهای تافلان اندازه بالا رفت این را شهرستان بکنید، يك اصلی را در نظر بگیرید هر چه میخواهد که هر بخشی هر وقت بآن محل برسد این را شهرستان بکنید. من و کیل چندبار نامه نوشتم مردم تلگراف کردند طومار کردند نوشتیم به نخست وزیری يك جوابی دادند که حال مطالعه میکنیم، ماچه جوابی بمو کلین خودمان بدهیم؟ این تبعیض است. مراغه شهری است که ۳۶ هزار جمعیت دارد و آنجا هم حوزه انتخابیه بنده است در آنجا ۹۰ نفر پاسبان داریم يك شهر بانی هر کزری با دو کلانتری، بنده مال خودم را میگویم که آقایان دیگر ناراحت نشوند، بناب هم يك حوزه ۱۸۰۰۰ نفری است يك پاسبان هم ندارد شما بسی و شش هزار نفر ۹۰ نفر می دهید اما به ۱۸ هزار نفر یک نفر هم نمیدهید؟ این را چه جور تحمل بکنیم؟ ناچار شدیم، مصلحت اندیشها جمع شده اند بحساب مسجد قرار شده است که هر محله پولی بپردازند و ۸ نفر شکرگرد را استخدام کردیم الان بحساب مردم اینها شبها توی شهر میگردند که در زخانه شان رانزند، آنوقت اگر بالای تپه های نیاوران يك آقای وزیری، يك و کیل، يك نفر از آقایان معاونین و مدیر کلها يك کاخ ساخت فوراً پانزده تا پاسبان دم درش سبزه میشود. این تبعیض است جناب آقای نخست وزیر همین ملك كندی، همین عجب شیر، اینها بخشهایی هستند که در سر شاهراه مملکت قرار گرفته اند یعنی راه اساسی تبریز هستند از خیابان وسط اینجا رد میشود بخدای لایزال کاغدی بمن نوشته اند و باین اصطلاح نوشته اند که مافلس سفید نخوردیم برای اینکه يك کامیون يك دیزل مان از آنجا رد می شود و دو خاك را طوری از این وسط خیابان می باشد با طرف و دکانها که دیگر در هیچ بقالی ماستی که که رنگش سفید باشد نیست، همه مساحت خیابان داخل این شهرها هم يك کیلومتر است ۱۸۰۰۰ نفر جمعیت هم اینجا ساکن هستند تمام چشمهای مردم آنجا تراخمی است و خودشان مسلول شده اند، این يك کیلومتر اسفالت نمیکنید آنوقت آقای وزیر راه از محل عوارض اسفالت فردا که مثلاً بنده در بالای پهلوشکر يك خانه بسازم فوری می بینید

از ده هزار نفر جمعیت دارند و بنده که نمیگویم آنجاهائی که شما شهرستان کردید، مثلاً در آذربایجان ( البته نمیگویم اینها چرا شهرستان شده اند، قصدم این نیست، قصدم اینست که چرا این یکی نشده) شهرستانهای ما کو، خلخال، سراب، میانه، همه جا، نائین، تویسرکان، زفسنجان، نهاوند، اینها که همه شان از ده هزار نفر کمتر جمعیت دارند شهرستان کردند ولی بناب را که يك آبادی هست که ۱۶ هزار نفر جمعیت دارد و چهار صد هزار تومان در سال بودجه شهر داریم هست و موجود است و تمام ادارات در آنجا هست چرا شهرستان نکردید؟ خواهید فرمود شهرستان نشده چه میشود؟ بنده الان عرض می کنم که چه میشود در این بخش باسید پارچه آبادیش جناب آقای نخست وزیر حیف که تیمسار وزیر کشور اینجا تشریف ندارند چون وقتی فرمانده ژاندارمری کل کشور بودند آنجا تشریف آورده بودند و او را هستند و بنده هم آنوقت در آذربایجان بودم آنجا فقط يك پاسگاه ژاندارمری دارد که نصف ژاندارم دارد البته با سر جوخه، یعنی هشت نفر ژاندارم دارد که از این ۸ نفر دو نفر مأمور پاسگاهی خود اداره است شش نفر هم برای انتظامات دهات است انتظامات این شهر، مراقبت این شهر بعهده کیست من ده دفعه نامه نوشتم التماس کردم گفتند بودجه نداریم گفتیم آقا اینجا باید انتظاماتش از بودجه شهر بانی تأمین شود چرا باید در تهران و در شهرستانهای دیگر پنجاه هزار نفر پاسبان باشد و در يك شهر شانزده هزار نفری حتی يك شهر بانی نباشد اینهم تبعیض است، فرق نمی کند (صحیح است) شما بجه عنوان میتوانید مردم شانزده هزار نفری يك جا را که دم گوشان پهلوشان يك جا با پنجاه هزار نفر جمعیت شهرستان شده و دستگاه شهر بانی و پلیس و پست و تلگراف دار در ارضی نگه دارید اینها هیچ ندارند در صورتیکه این ناحیه در سر شاهراه آذربایجان هست یعنی يك کسی که بخواهد بمهاباد برود باید از بناب بگذرد، بمیان دو آب برود باید از بناب بگذرد بهر جا بخواهد برود باید از بناب بگذرد آقا من این مردم را بجه عنوان متقاعد و مؤمن و امیدوار باین تشکیلات بکنم؟ میدانید چرا اینکار رانکرده اند؟ برای اینکه کسی نبوده است که دنبال کارشان برود. آخر در این مملکت چرا باید دنبال هر کاری دویید؟

آن‌ده، در آن بخش مردم پول برای اسفالت ندارند برای کاشی سیمانی هم این امکان را هم ندارند، چون سیمان پیدا نمی‌شود بلد نیستند قالب سیمانی بزنند، بیایند از آنجا شروع کنید، بمردم این مملکت در شهرستان‌ها بپردازید، تا کی این اعتبارات عمرانی در شهرها مصرف شود (دکتر الموتی - دهات خراب است، اصلاً توجه نمی‌شود، تمام درآمد در شهرها مصرف می‌شود) بهر حال، جناب آقای نخست وزیر توجهی بفرمائید که این کشمکش‌ها که من فخر مانم، من پهلو انم این عوام فربیی های متصدیان دستگاههای اداری شما يك قدری کم بشود، این بصلاح مملکت نیست مردم اینها را مسخره میکنند مردم استهزا میکنند اینها همه مال مملکتند آقای می‌نام در تهران شهر دار بود، گفت کردی کبابم، یادم بهمان قضیه شهرداری تهران آمد، او آمد و اعتباراتی گرفت میدان ساخت فوار ساخت، يك کارهایی کرد، خدمت کرد بنده کاری ندارم، نمی‌گویم خوب کرد یا بد کرده وقتی رفت گفتند سوء استفاده شده، بازرس فرستادند از بازرسی کل کشور آمدند و رفتند، آقای ذوالفقاری آمد، اعلامیه داد، بودجه داد، حساب کرد و برای همه فرستاد که من عواید را دور این کردم شهرداری را اله کردم، بله کردم، ایشان رفتند، آقای فرود آمدند گفتند آن گزارش دروغ بوده شهرداری بدهکار است بمقاطع کاران بدهکار است فرود هم می‌گوید ذوالفقاری دروغ گفته ما بدهکاریم، مقاطعه کاران هم در شهرداری متحصن شده‌اند که پول ما را بپردازند وزارت دارائی که می‌نویسد من بتو بدهکار نیستم بتو می‌دهم تو مان پول بتو داده‌ام، این خیلی مسخره است که در يك کشوری که دستگاه دولتی که حساب و کتابشان با هم دیگر روی پستاند مسلم است این می‌گوید تو بدهکاری، او می‌گوید نه بدهکار نیستم آن می‌گوید نخیر هستی، این می‌گوید نخیر نیستم، (گر کانی - فرود درست می‌گوید، مردش ریفی است) آخر این اسباب نا راحتی مردم است اینها بیانات افرادر رسمی مملکت است. من وکیل حرف کدامشان را باور میکنم اگر فردا شهرداری يك بیلانی داد من چطور اعتماد بکنم، چطور باور بکنم؟ شهردار فعلی می‌گوید شهردار قبلی دروغ می‌گوید، آخر چطور دروغ می‌گوید چطور دروغ گفته؟ نوشت که عواید را دو برابر کردم آخر چطور اجازه می‌دهید دروغهایی باین شاخ

ترا کتورها بکار می‌افتند و فوری راه می‌سازند و اسفالت میکنند از کجا از همان محل صدی پنج عوارض، تمام اطراف تهران، تمام بیابانها مثلاً راه کناره را شما اسفالت کردید از تهران تاخر مشهر را اسفالت کردید، همین راه فز وین آقا بنده میتوانم صبر کنم که یکسال اتومبیل از اینجا تا فز وین روی خاک برود شما که پول این اسفالت را دادید، اول بیاید شهرها را اسفالت بکنید که هیجده هزار نفر باید زندگی کنند هر روز در آنجا هستند بیاید جاده تان را اسفالت بکنید اما شما را پلارو های شمال را اسفالت کردید مردم بناب نپاوند تو سرکان ورود با رختی زیر پایشان را يك قیر نمیریزید که اسفالت بشود وزارت راه در این مملکت مثل اینکه مال آمریکاست و شهرداری مثل اینکه مال شوروی است اصلاً ارتباط نیست مردم همه اینها را بچشم دولت می‌بینند، همه اینها بچشم حکومت می‌بینند مردم سرشان نمی‌شود که این اعتبارات سازمان بر نامه است این اعتبارات وزارت راه است این اعتبارات شهرداری است مردم اینها را رانمی‌فهمند مردم می‌گویند آقایان اینها ما بین احوال و اوندی مشك اسفالت میشود که ممکن است هم‌ااش سه تا ماشین در روز از آنجا رد نمیشود و ما هیجده هزار نفر اینجا زیر گردوغبار و خاک مردمیم و اینجا که زیر پای من است اسفالت نمیشود مردم این را می‌گویند و بان اسم تبعیض می‌گذارند و از دولت ناراضی و ناراحت میشوند تمام این راه و اسفالت و این چیزها برای مردم است بنده می‌گویم آقایان وزرای محترم، شما را بخدا بیایید در این برنامه های خودتان، در این اقدامات خودتان بیشتر به سلولهای اجتماع باندهات توجه بفرمائید (صحیح است) بان بخشها توجه کنید و الله این شهرهایی که در این تهران ساخته میشود شما هم اگر اسفالت نکنید چون آنها درآمد دارند، ثروت دارند، در این تهران و شهرستانها لااقل اگر اسفالت هم نکنند از این کاشیهای سیمانی می‌گیرند جلوی در خانه شان را فرش می‌کنند نمونه اش را در یوسف آباد به بینید، بنده در یوسف آباد در يك آپارتمان مینشینیم آنجا اسفالت نشده اما پیاده رویهای خیابانها را هر کس جلو خانه خودش رایا اسفالت کرده، یا کاشی کرده، يك کاری کرده که جلو خانه اش تمیز باشد، چون پول دارند، درآمد دارند اما در

و بر گداری منتشر بشود، آخر وزیر کشورشما و اراتا باید کرده خوب، خالادروغ است، بنده از کجا بدانم که این آقای شهرداری که فعال حرفش زامی زند راست می گوید، از کجا بدانم که این آقای وزیر دارائی حرفش راست است اینها در اذهان تولید عدم اطمینان بدولت میکند، تولید سلب اعتماد از مقامات دولتی میکند اینها برای یک ملت خطر ناک است، ما از کدام مرجع می توانیم شهادت نامه بگیریم که حرفشان راست است، در حالیکه بفاصله یکماه یک وزیر دیگر می آید میگوید حرفشان کثک است، اینها دروغ است، شهرداری که پول نداشته بچه مجوزی مقاطعه داده است که حالا مقاطعه کارش متحصن بشود، این از عجایب قرن بیستم است که مقاطعه کار در شهرداری برای گرفتن پول متحصن شده است، آنوقت چکار میکنند، آنوقت می آیند از چند سال قبل از بقال و چقال و عمله این مملکت که روزی دوسیر گوشت می گیرد عوارض میگیرند باسم عوارض سرد خانه که اینها متمرکز بشود در یک حسابی و یک روزی یک سردخانه ای بسازند اینها را بر میدارند بایک ترو کسپای اداری مثل ارقام بودجه میگذارند در حساب سیره ثابت دارائی و از آن محل وزارت دارائی وام می دهد نمیدانم چکار میکند، پول میدهند بشهرداری که بمقاطعه کاران پول بدهد مگر وزارت کشور و شهرداری بودجه نداشته مگر وزیر کشور شما این بودجه را بعنوان قائم مقام انجمن شهر تصویب نکرده؟ اگر پولی نداشته چطور خرج کرده؟ مگر آدم اگر اعتباری نداشت کاری میکند؟ شما الان که این بودجه تصویب می شود اگر از این بودجه مصوب صد تومان اضافه خرج بکنید معنیش چیست؟ تصرف غیر قانونی در اموال دولت که عنوان جرم دارد، آنوقت چطور قبل از اینکه شهرداری این خرجها را بتصویب برساند خرج کرده که الان مقاطعه کارش در آنجا متحصن است و بان ترتیب هم پولش را بپردازد؟ اینهاست که باعث عدم اعتماد مردم بدستگاهها میشود بهیچکس آدم نمی تواند اعتماد بکند همه روی عوام فریبی، همه روی مدار من دسته زیاد دارم روز اول شهرداری میگوید که باصناف توصیه کرده که قیمتها را اگر آن نف کنند چون آقای فرود در تهران مرد محترمی است و آبروئی دارد، حیثیتی دارد من گفتم انشاءاله شاید لاف

این شخص بخاطر آبروی شخصی یک نره ملاحظه بشود یک ذره هم شایسته بشود، بعد خود آن بیچاره تصدیق کرد که نخیر باین حرفها آن اصناف آن لوطی گری باصطلاح نمانده است که بخاطر من بمیرم ارزان بفروشید ارزان بفروشند. کار مملکت طوری شده و بجائی رسیده که شهردار برای ارزان فروشی حیثیت خود را گرو می گذارد که آقا جان من، مرگ ما، بالا غیرتاً ارزان بفروشید، آخر یعنی چه؟ والله خنده دار است این مطلب، مملکت سازمان ندارد نتیجه اینطور می شود که شهردار حیثیت شخصی خودش را گرو می گذارد که آقا ارزان بفروشید والا قدرت ندارد، اینها همه اش بر مدار یک حرف میچرخد که ولتها ضعیف هستند، ضعیف در مقابل نفوذ، ضعیف در مقابل خواهش ضعیف در مقابل انجام وظیفه، ضعیف در مقابل اینکه متوجه نیستند که ضعیف هستند، باین میگویند ضعیف، همکاران بنده گفتند و من نمی خواهم تکرار کنم و باعث تصدیع خاطر نمایندگان محترم بشوم میگویند که پرونده های گرفته هیچکدامش بجائی نرسیده، چطور شده که نرسیده؟ بپر حال آقایان خیلی در بودجه صحبت فرمودند، بنده هم خیلی مصدع شدم و فصد این نیست که وقت مجلس را بگیرم ولی عرض کردم این تنها فرصت و تنها مهلتی است که می شود هیئت دولت را و شخص نخست وزیر را در اینجا دید می شود در باره هر مطلبی که آدم بخواهد بحث کند در سایر موارد روز سایر قوانین فقط در مورد آن قانون و آن ماده میشود بحث کرد، این بود که بنده باین ترتیب حرف زدم و این عرض را بسمه نمایندگان محترم رسانیدم باین قصد و باین نیت که مورد توجه قرار بگیرد و برای اینها یک چاره اندیشی بکنند، برای اینها یک تدبیری بیندیشند. وزرای ما در این مملکت روسای کار گزینی هستند. از صبح تا شام تلفن میزنند آقا، بله، برادرزاده ما آنجاست لطفاً یک ابلاغ برایش صادر کنید، چشم! اگر امضاء میشود از صبح تا شام یک کبارتن پرونده رئیس کار گزینی می آورد که آنرا امضاء بکند ما در مملکت به مغز سیاسی وزیر احتیاج داریم، به معلومات و تجربه و وزیر احتیاج داریم، من از آقایان وزرا این را خواش میکنم والله بالله هر روز فقط نیم ساعت هر وقتی هر جا سراغ دارید در رختخواب در پشت میز ادازه، وقتی که ناهار می خورید فقط نیم ساعت فکر بکنید که چکار بکنم که در

دارد، والا این دستگاه امضا کردن را هر کسی دارد، هر کس می‌تواند، هیچ هم لشکال ندارد، اگر هر کس در روز فقط نیمساعت (این منحصر به روز نیست) هر کس در هر روز ده دقیقه فکر بکند و فقط فکر بکند با تمام تمرکز فوا فکر بکند چه کنم که پیشرفت بکنم پیشرفت میکند یک روز از من پرسیدند که رمز موفقیت توجه بوده، من این را می‌گویم اگر لازم باشد بنویسید من فقط رمز موفقیت این بود که هر روز یک ربع، فقط با تمام فوا فکر کردم چکنم که پیش بروم مملکت هم همین طور است که باید فکر کند چه بکند که پیش بروند، کی باید فکر بکند؟ این هیأت دولت باید از هر ایضی، از مذاکرات، آنهایی که مقدر است، در آن حدودی که میسر است، در آن حدودی که خوب هست استفاده فرمائید، آنهایی که از روی غرض، مرض، یا خدای نکرده از روی عدم اطلاع است، آن را دور بریزید، بگوئید فلانکس چهار کلمه حرف حسابی زد از این استفاده بکنید ببینید در باره اش چه باید کرد، این برای رسیدن بآن نیروست، این است اساس حکومت مکرسی، که هر دولت باید بنشیند، صدتاد و بیست تا پانصد تا وکیل و وزیر و سناتور باشند، آنها عقایدشان را بگویند و نیروی فکری آنها قدرت بدهد، قوت بدهد، دلوپه بکنند این مسائل عالی مملکتی را و اینها بروند یک راهی پیدا بکنند که اگر از آن راه بروند بهتر به هدف میرسند ما هم از دولت این انتظار داریم آقایان نمایندگان محترم مملکت همانطور که عرض کردم خوشبختانه در ظرف این چند سال اخیر دارای خیلی سازمانها شده است که خیلی از مردم و شاید خیلی از خود ما هم خبر نداریم، خود من هم تا چند روز قبل که بفکر این مطلب افتادم اصلا خبر نداشتم، هیچ میدانید که ما الان دارای یک سازمان نقشه برداری در این مملکت هستیم که بتصدیق مراجع بین المللی در ردیف اول سازمانهای نقشه برداری جهان قرار دارد میدانید که سازمان نقشه برداری ایران از سازمان نقشه برداری انگلستان مجهزتر و دقیق تر است این را من از پشت تریبون می‌گویم و دلیل دارم و مبالغه که نمی‌کنم این سازمان از سازمان انگلستان مجهزتر و مدرن تر کاملتر و صلاحیدارتر است چرا این را گفتم؟ برای اینکه خوشحال بشوید ولی بکمطلب را هم می‌گویم که متأسف خواهید شد

دستگاه من یک بهبودی حاصل شود، اگر تاشماه موفق نشدید من حرف خودم را پس می‌گیرم ولی شما فکر نگریدید، نمی‌گذارند که فکر بکنید، وزیر برای اینست که از فکر و تجربه و معلومات خودش استفاده کند برای بهبود اوضاع مملکت

چرا گفتند وزرا مسئولیت مشترك دارند، هیچ اصلی نگفته است که وزیر در کار خودش باید متخصص باشد، هیچ لازم نیست که وزیر جنک نظامی باشد یا وزیر بهداری طبیب باشد، اینها هیأت عالی سیاسی مملکت هستند ولی در مملکت رسم این شده است که هر وزیر بیاید و ابلاغ صادر کند که این آقا برود به فلانجا، آن آقا برود مطالعه کند، این ابلاغ را صادر کند ابلاغ آن آقا را صادر کند، چشم، بعد از ظهر هم که در فلان سفارتخانه دعوت هست در فلان جا کو کتل هست، رقص هست و السلام وقت خود را به تشریفات و در آداب هم به ابلاغ امضا کردن و نقل و انتقال و عوض کردن و تبدیل کردن سازمان می‌کنند و آن چیزیکه لب کلام باید از آن بنبع مملکت بدست بیاید، بدست نمی‌آید همان روح مشاوره عالی، آن فکر عالی، آن مآل اندیشی، آن پیش بینی، آن بدره مردم رسیدن، آن رهبری مملکت بسوی ترقی است که وقت وزرا برای آن کار نمی‌ماند ما از وزرا آن را می‌خواهیم و الا وزیر مسئول کاری ندارد. چه کاری این آقایان وزرا می‌کنند که یک آموزگار کلاس سوم متوسطه نتواند بکند. من ثابت می‌کنم که هر کاری که آقایان وزرا میکنند آموزگاران سال سوم متوسطه آن کار را می‌تواند بکند، کاری ندارد که در پوشه برك سبز برای بنده چهار تا ابلاغ بیاورند من هم پاراف بکنم، اما یک کار را نمی‌توانم بکنم، نمی‌توانم تجربه، دانش، مطالعه، جهانگردی، دلسوزی، علاقمندی و وطنپرستی مهندس شریف امامی را من نمیتوانم هنوز داشته باشم ما می‌خواهیم از این استفاده بکنیم.

از اینها باید به مملکت نیرو و الهام بدهند من نمیتوانم تخصص و یک عمر تجربه آقای شعاعی در وزارت دارائی داشته باشم که بفهم نسبت به مالیات ایران، و ازدیاد مالیات بر درآمد ایران و به ترتیب وصول بهتر مالیاتهای ایران فکر بکنم، این فکر، باین منطق ملت ایران احتیاج

این سازمان از نظر فنی طوری مورد اعتماد و وثوق شده و بوده که نقشه برداری راه آهن از قطور به شرفخانه را آمدند بمناقصه گذاشتند يك شرکت انگلیسی برنده شد به مبلغ يك میلیون و دو صد هزار تومان در مورد نقشه برداری مسیر راه آهن قطور به شرفخانه آنوقت سازمان نقشه برداری نامه می نویسد بوزارت راه و راه آهن که آقا من اینکار را میتوانم انجام بدهم قبل از اینکه قرارداد منعقد بشود این کار را انجام میدهند با چهار صد هزار تومان که صد هزار تومان برای خود سازمان نقشه برداری منفعت میماند با تمام هزینه ای که حساب میکند و خوشبختانه خود همان شرکت انگلیسی اعتراف میکند باینکه کار سازمان نقشه برداری ایران دقیقتر و بهتر و کاملتر از کاریست که اومی توانسته است انجام بدهد و اینکار را انجام داد خوب، این دستگاهی است که در مملکت ایجاد شده و الان شنیدم که سازمان برنامه میگوید که آقا من باین دستگاه پول ندارم بدستم، خودتان، خودتان را اداره کنید، وزارت راه هم میگوید ما در سیال دوسه میلیون تومان پول که نمیتوانیم بشما بدهیم، از کجا بدهیم؟ خودتان خودتان را اداره کنید می گفتند آقا ما خودمان خودمان را اداره می کنیم، اما کار ما نقشه برداری و طرح نقشه برای نظارت و ساختمان خانه گلی یا ساختمان شهرداری در بناب که نیست که من بروم خودم را اداره کنم. کار من در مملکت نقشه هائی است که دولت از راهها و مرزها و معدنها تهیه می کند و اینها کار هائی است که برای آنها اعتبارات زیاد در دستگاه های دولتی ما در دست سازمان برنامه هست، شما دولت را مقید بکنید، سازمان برنامه را مکلف بکنید که تمام نقشه هایش را بما بدهد ما يك دینار از دولت بودجه نمی خواهیم و بنصف قیمتی که دستگاه های دیگر آماده اند بگیرند ما این کارها را تمام می کنیم و اگر يك نقشه را ما نتوانستیم و بلد نبودیم بنویسیم بلد نیستیم آنوقت آنرا خودتان مناقصه بگذارید و هر کاری را که کردیم اگر ایراد داشت حاشریم همه مان هجا که و مجازات بشویم اول هم برای شما از هر مرجع بین المللی که می خواهید تصدیق بیاوریم که کار ما دقیق تر و صحیح تر از هر شرکت خارجی است خوب هر گاه وسیله ای برای نقشه برداری هست چرا به مهندسین خارجی

وشرکنهای خارجی مقاطعه میدهند؟ عوض اینکه تبصره بگذارید در بودجه که مثلاً نمایندگی دولت در بانک کشاورزی، وزیر کشاورزی و دو نفر دیگر از وزراست مثلاً که باشد یا نباشد و قانون بشود یا نشود اگر اینکار قانون نشود همان پول است، همان بانک است نه آسمان بزمن می آید نه زمین با آسمان می رود و هیچ طوری هم نمیشود مجمع عمومی تشکیل بشود تأثیری ندارد، تشکیل هم نشود تأثیری ندارد يك تبصره بگذارید که دولت و سازمان برنامه مکلف است که کلیه نقشه های عمرانی خودش را از این تاریخ بعد بسازمان نقشه برداری بدهد مگر نقشه هائی که سازمان نقشه برداری از انجام آنها اظهار عجز کند، بله، يك تبصره از این ۴ تبصره هم این را می گذاشتید، آخر این دستگاه را این دولت در این مملکت ایجاد کرده است دولت سازمان نقشه برداری را با سه میلیون تومان بودجه با سیصد نفر چهار صد نفر مهندس درجه اول تحصیل کرده نمی شناسد، او حقوقش را خواهد گرفت، آن شرکت های دیگر هم نقشه برداری خودشان را خواهند کرد برای اینکه آن جناب مهندس مشاور صدی پانزده از اینکار میبرد از آنکار عاقد قرارداد هم يك کمیسیون میبرد نمایند چه میشود، بلی، بیائید اینکار را بکنید، در لایحه بودجه بنده يك تبصره ای دیدم که نوشته است گویا تبصره ۵ است که اگر اضافه درآمدی حاصل شد دو هزار میلیون ریال به وزارت جنگ داده شود و بقیه هم بمصارفی که تعیین کرده اند برسد نظیر این تبصره در تبصره ۱۳ لایحه بودجه سال قبل هم بود ما می خواهیم بینیم اضافه درآمد در سال گذشته حاصل شد یا نشد و اگر حاصل شده از چه محلی بوده و به وزارت جنگ داده شده یا نشده یا بجایهای دیگر داده شده یا نشده و اگر اضافه درآمدی حاصل نشده این تبصره را، چرا در بودجه بگذاریم، آخر وقتی که مردم در لایحه می بینند که دو هزار میلیون ریال اگر اضافه درآمدی پیدا شد به وزارت جنگ داده میشود خیال میکنند که داده شده و يك چیز سری است، يك اعتباری است که دو هزار میلیون میدهند در صورتیکه پارسال هیچ هم ندادند، آخر اگر اضافه درآمدی ندارید که تحصیل بکنید بیچاره وزارت جنگ را چرا بدنام میکنید، آخر مردم، منقدین محققین در اینها بحث

می‌کنند از ما می‌رسند اگر داشته است بگوئیم که پارسال تبصره را گذاشتیم و ۱۵ میلیون تومان عاید شد و دادیم امسال هم پیش بینی کردیم که شاید انشاءاله بدهیم یا ممکن است بشود یا نشود. درمسأله وزارت جنگ هیچکدام از این میان نمایندگان محترم اشاره‌ای نکردند، صحبتی نفرمودند، رقم قابل توجهی از عایدات کشور ماصرف نیروهای مسلح میشود، درست است ولی آقایان هیچ میدانید که خود این رقم به نسبت بودجه کل کشور ما از تمام کشورهای همجوار مابسیار کمتر است اگر آقایان در این مورد شکی داشته باشند هر کدام از آقایان نسبت باین عرض بنده معترض باشند بنده حاضر در جلسه دیگر رقمش را بیاورم که ترکیه بودجه نظامیش چقدر است بودجه کلش چقدر است، عراق، پاکستان، افغانستان، شوروی مصر، سایر ممالک، ممالک دیگر، ممالک امریکای لاتین، سوئیس که در تمام مدت دو جنگ بیطرف بوده و هیچوقت هم سر جنگ با کسی نداشته بودجه کلش چقدر است و بودجه امور دفاعیش چقدر است، کمال افتخار است که امروز مملکت ما دارای ارتشی شده که بقول یکی از افسران ارتش ساوان است، الان ارتش ما یک ارتش عالم است، بهترین اطباء، بهترین مهندسين، بهترین تکنيسينها و تئوريسينها خوشبختانه در ارتش ما الان پیدا شده‌اند، من نمیگویم همه اعتبارات ارتش ما خوب صرف میشود ارتش ما هم مثل دستگاههای دیگر است در آنجا هم فساد هست ولی خود ارتش من حیث ارتش من حیث نیروهای مسلح باعث افتخار کشور است چه در نیروی هوایی و نیروی دریائی و نیروی زمینی ارتش تنها دستگاهی است که افسران آن دائم در حال مطالعه و تکمیل معلومات است و هیچ افسری نمی‌تواند اگر دو سال یک کور اضافی تخصصی نبیند درجه بگیرد. این قیمت دارد، این ارزش دارد، البته يك ملتى بخواهد از حق خودش دفاع بکند از حیات سیاسی خودش دفاع بکند، سیاست ملی خودش را از پیش ببرد، باید مستظهر بقوه مسلح باشد، شاید این حرف پیش بیاید و این حرف گفته شود که در قبایل نیروهای جدید جنگی این ارتش ما چه اثری ممکن است داشته باشد، این حرف غلط است. اگر این منطق پذیرفته میشود در دنیا فقط در دولت پایستی بسیج می‌کرد

یکی امریکا و یکی شوروی چون غیر از امریکا و شوروی دیگران فاقد این سلاحها، این تجهیزات هستند و آنوقت هم نه فرانسه نه انگلستان نه آلمان نه آنها نه اینها هیچکس نه باید يك تفنگ داشته باشد نه يك سرنیزه چون با بمب و اتم که این شوخی هانیتست، چرا نکردند لابد متفکرین آنها لابد عقلا و جامعه شناسان آنها لابد مالیات دهندگان این ملتها فکر کردند و لازم دیدند چطور شد که این وسط فقط ما باید بگوئیم چه ارتشی باعث احیای عظمت است ارتش باعث وسیله اجرای سیاست ملی است ارتش پشتیبان ملت است، ارتش از ملت است ملت هم از ارتش است اما بشرطی که عرض کردم دولت در صدد جلب قلوب مردم باشد ارتش تنها گرمی مردم نباشد بدر نمیخورد و صد دینار ارزش ندارد، دلیلش این بود که در جنگ گذشته دیده شد کاری را که ملتها کردند ارتشها نکردند، ارتش فرانسه با آن خط ماژینو با آنهمه ژنرال و سرهنگ سرتیپ و فلان شکست خورد و متلاشی شد، اما ده هزار نفر پارتیزان فرانسوی فرانسه آزاد را بوجود آوردند و مقاومت کردند و مملکتشان را نجات دادند و امروز فرانسه را جزء کشور های معظم در آوردند. ارتش یوگسلاوی در زیر چرخ نیروی سهمگین هیتلر خرد شد ولی يك عده پارتیزان دور میخائیلویچ و تیتوی فعلی جمع شدند و مملکت را حفظ کردند و نگه داشتند و تا آخر هم مبارزه کردند، چهار تا چرنک را اینکار را کرده‌اند ایمان مردم باید باستقلال مملکت زیاد شود. مردم باید بوطنشان علاقمند باشند و این وطن را حفظ کنند و این وظیفه عالی دولت است که بیست میلیون ارتش داشته باشد نه سیصد هزار نفر تازه این ارتش از آن مردم است، آن سرباز که ببیند برادرش ناراضی است پدرش ناراضی است مادرش ناراضی است شما خیال میکنید جنگ میکند چه اشتباهی؛ جنگ نمی‌کند امروز دسیسلین زمان صلح شما اورا وادار باطاعت کرده‌است در زمان جنگ او جنگ نمی‌کند، اشتباه نکنید، باید اورا راضی نگاهداشت و برای راضی نگاهداشتن مردم باید بخواسته‌های او توجه کرد باید این تبعیض هائیکه بنده عرض کردم از بین برود. از شرکت نفت خیلی گفتگو کردند يك مطلب

همیشه باید آدم منصف باشد، آنجا يك دستگاه منظمی است و مثل بانك ملی خوب کار میکند، کارمندان دسیسبیلین دارند، تبعیض کم است در موقوفش مخصی میدهند ولی شما باید برنامه شان را بگوئید، شرکت ملی نفت فقط اعلامیه میدهد که فلان چاه را من کشف کردم، من از جناب آقای نخست وزیر و از هیأت محترم دولت از رهبران این مملکت میپرسم، آقاما مگر بکشف چاههای نفتی مان احتیاج داریم؟ میخواهیم چکار کنیم؟ اصلا این اکتشاف برای چیست که اینقدر پول خرجش بشود.

ما که الان تمام ظرفیت چاههای خودمان را که استخراج نمیکنیم نفت جنوبمان را که داریم بکنسر سیوم، يك قرارداد هم با پان آمریکان و سیریب ایتالیا آنجا استخراج میکنیم.

نفت قم هم که فوران کرد و شرکت روی دستش ماند که سرچاهها را بستیم و گذاشتیم، خوب، حالا اینها هم بهره برداری نشده دره های محمود آباد و گرگان و سیستان و بلوچستان بی خود پی چه داریم می گردیم و پول خرج میکنیم تر کیه باید دنبال نفت بگردیم آخر می خواهید چکار بکنیم؟ آنوقت ببنده يك نامه نوشته اند از لیلان، يك قریه پنج هزار نفری نامه نوشته اند که آقا شماره قسم می دهیم بحضرت عباس اینهم امضای ریش سفیدهایشان است گفته اند که از شما در عالم و کالت چیزی نخواستیم، پنج هزار نفریم بدر این قریه پنج هزار نفری - اگر دروغ گفته باشم از این مجلس میروم - گفته اند مافقط يك مدرسه می خواهیم.

برای اولامان يك مدرسه می خواهیم مگر کار مملکت الا هم فالاهم ندارد؟ ما چاه نفت می خواهیم چه بکنیم کی باید باین مسائل رسید کی بکنند، مادر رشت محمود آباد چاه نفت کشف میکنیم بی خود می کنیم، می خواهیم چکار کنیم؟ آنهایی که دارند استخراج نمی کنید، هر وقت احساس کردید که یکی از منابع نفتی مان برای استخراجش رو بگاهش میروند و ممکن است از درآمد ملی ما نقصان حاصل شود یا نقشه هائی داشتید، مثلا معامله ای با افغانستان یا پاکستان کردید، پنج میلیون تن تا سه میلیون تن در سال نفت فروخته بسیار خوب، در این صورت ارزش داشت که برویم در سیستان و خراسان و دامغان چاه بکنیم و استخراج بکنیم

را بنده میگویم، سه سال قبل بنده اقتضای دعوتی را داشتم به شهری برای افتتاح انبارهای نفت در شهری عده زیادی از آقایان نمایندگان محترم هم دعوت داشتند لوله سرتاسری نفت متصل میشد به تهران، قبل از اینکه انتقاد را بکنم، از حسن این شرکت می گویم. آقایان هیچ میدانید که لوله سرتاسری نفتی این را بنده در قبال فرمایشات آن عده عرض میکنم که میفرمایند هیچ کار نشده (کازم مسعودی - کار شده ولی سوء استفاده هم زیاد شده است) هیچ میدانید که این لوله سرتاسری که از اهواز و آبادان آمده و به شهری رسیده است باندازه خط آهن سرتاسری ایران اهمیت داشته و بان اندازه هم خرج برداشته است و خوشبختانه شبکه این انشعاب تاشهرود کشیده شده و تا رشت و تاسفهان هم کشیده خواهد شد.

در همانجا گفته شد که ما از محل صرفه جوئی حمل و نقل، این در گزارش آقای هویدا بود، میدانم نی بود، و این گزارش را هم بنده دادم اینطور گفتند که سه هزار میلیون تومان این لوله تمام شده است و در طرف سه سال این پول مستهلک خواهد شد و باین حساب میشود سالی هزار میلیون تومان، الان ۳ سال گذشته و باین حساب شرکت ملی نفت هزار میلیون تومان اضافه دارد. در حالیکه ۳ سال قبل گفته شد که ۳ هزار میلیون تومان من خرج کردم و ۳ ساله مستهلک خواهد شد.

حالا فرض کنیم هزار میلیون تومان نباشد هشتصد میلیون تومان باشد (نخست وزیر - اینقدر تمام نشده) در گزارش بوده.

خلاصه گفتند این ۳ ساله مستهلک خواهد شد ممکن است بگوئیم از همین محل از اینجا بشهرود بکشند، من حرف ندارم ولی چرا شرکت ملی نفت برنامه اش را نمی آورند، هشتصد میلیون ما اینجا بود چه میدهم و بیست میلیون دلار هم که همینطوری از عوائد نفت میگیرد، آخر اینطوری صرف حقوق بشود؟ اگر با این يك کارهائی میکنند چرا نمیگویند که ملت روشن بشود، بنده حرفی دارم بنده میدانم که شرکت ملی نفت از لحاظ اداری يك دستگاه منظمی است حالا در آن بعضی افراط و تفریطها میشود بنده کاری ندارم ولی آنجا يك دستگاه منظمی است

و بفروشیم، این حرفی بود ولی فقط یک دستگاه حفاری بر داشتن توی خیابانها اندازه و گز کردن و در نتیجه ۲۰ میلیون دلار و هشتصد میلیون تومان بودجه را نقله کردن که من می‌خواهم چاه کشف بکنم چیست؟ تازه اینها از نظر ژئولوژیکی تمام کشف شده، چاههای نفت ایران وقتی داری در ایران بوده یعنی ۵۰ سال قبل کشف شده و پیدا شده اگر شما هانمی‌دانید ممکن است از آن‌ها بخواهید، یک حقی بدهید صورتش را بشما می‌دهند. چیزی را کشف کنید یک شرکت ملی نفت داریم یک شرکت سهامی نفت ایران (یک نفر از نمایندگان شرکت سهامی هم جزو شرکت ملی شد) بنده نفهمیدم آن روز با اتومبیل از خیابان تحت جمشید می‌گذشتم نوشته بود شرکت سهامی نفت ایران من نفهمیدم شرکت سهامی نفت ایران چیست شرکت ملی نفت ایران چیست (یک نفر از نمایندگان کنسرسیوم راهم بفرومائید) حالا من با آن تشکیلاتی که طبق قرارداد نفت درست کردیم بآن عرضی ندارم از داخله خودمان حرف می‌زنم شرکت ملی نفت مال این مملکت است مدیران و کارکنان آنها ما مورد احترام ما هستند آنها از خارجه نیامده‌اند آنها هم زحمت میکشند کسی که می‌رود زحمت میکشد می‌رود استخراج میکند اکتشاف میکند بد نمیکنند آن کسیکه بودجه میدهد او بد میکند آن کسی که او را باین کار می‌گمارد بد میکند شما تمام پولی را که در شرکت نفت دارید تمام پولی را که در سازمان بر نامه دارید تمام پولها تکیه در دولت دارید اینها را یک کاسه بکنید به بینید کدام مهمتر است کدام واجبتر است و کدام الا هم فالاهم است کدامش لازمتر است کدامش واجبتر است و از یکی باید بمرهم کمک کرد و کدام اعتبار باید پرداخت شود و از این اعتبارات و گشاه باریها قدری کم بکنید تکلیف تمام بودجه شما اعتبارات شما مثل آب خوردن حل میشود یک قلم در بودجه تان صرف جوئی بکنید بیائید برای خاطر خدا از اعزام مامور برای مطالعه در خارج فقط برای یکسال خودداری بکنید (صحیح است) (گر گانی - تازگی سرپرست تعیین کردند) یکسال از اعزام مامور خودداری کنید بنده آمار دارم که تا کتون سه هزار نفر از دستگاههای دولتی برای مطالعه بخارج رفته‌اند برای مطالعات آنها چقدر خرج شده و آنوقت

نتیجه‌ای که عاید این مملکت شده چقدر است آقا این چه بدبختی است که دامن گیر مملکت شده برای یک نفر بعد از اضافه کار و فوق العاده و پاداش و حق مقام و این چیز های کدفعه یک ابلاغ دو ساله داده‌اند بدستش که شما مامور مطالعه در خارج هستید در صورتیکه اصلا سواد ندارد زبان نمیداند و باید ۶ ماه در خیابانها بگردد که بتواند یک سیز گوشت بخرد و آنوقت این آقا مامور مطالعه ما در خارج از کشور است و وقتی بر گشتش آنقدر اجل است اگر از معاونت کمتر باو بدهید آسمان بزمین می‌آید و همینها ناراضی‌های مملکت ما را تشکیل میدهند می‌روند می‌گویند آقا معاونت می‌خواهیم مدیر کلی می‌خواهیم این چه مملکتی است که بتخصیص کرده‌ها کار نمیدهند کارش چیست معلوم نیست چه مطالعه کرده معلوم نیست آخر تا کی حقوق این ملت بدبخت را باید بدهید برای مأمور مطالعه میدانید چکار میکنند برای اینها بلیط درجه ۱ هواپیما می‌خرند من شنیدم وقتی رئیس تشریفات ملکه انگلستان برای بررسی مسافرت ملکه باینجا آمد با بلیط توریستی آمده بود رئیس کل تشریفات انگلستان می‌آید برای تهیه مقدمات سفر ملکه با درجه توریستی هواپیما آنوقت مأمورین چند روزی ما وقتی بلیط مسافرت برای مطالعه آنها تهیه میکنند درجه اول است اینهم با همان هواپیما می‌روند ولی این قیمتش ده هزار تومان و آن قیمتش هشت هزار تومان است فقط برای این است که در آن چند ساعت ایشان در آن میل بلند و سه ساعت راحت باشد خوب چرا نباید ندهیم ماملتی هستیم دارا و متمول چرا نباید بدهیم آقا جلوی اینها را بگیرید جلوی این هیئت‌های بی‌ربط و بی‌مورد شرکت در کنفرانسهای عجیب و غریب بگیرید مثلا هیئت نمایندگان ایران در کنفرانس اقتصادی سینو خوب ملاحظه بفرومائید این هیئت نمایندگی در کنفرانس اقتصادی سینو اگر شرکت نمیکرد چطور میشد ما با کدام یک از اینها معامله داریم با ژاپون نداریم اگر داریم این است که میدانید اینها چه کشورهایی هستند مالایا - سیلان - سنگاپور - چی و چی اینها جمع شده‌اند یک کنفرانس درست کرده‌اند یک هیئت ۱۵ نفری هم از ایران فرستاده‌اند آنجا که لااقل این هیئت رفتن و بر گشتنش



احساس کردم حرف تلقی میکنند ایندفعه احساس میکنم که این دولت میخواهد گوش کند والله اگر غیر از این احساس میکردم خدا شاهد است پشت تریبون نیامدم که این مطالب را عنوان بکنم - در دوره گذشته در تمام لوائح حرف زده ام و باصطلاح جزء نمایندگان بر حرف مجلس بودم اما این مطالب را عنوان نکردم چون در آنحال و آن مقال حوصله شنیدن و توجه کردن باین مطالب نبود شاید آن آقای نخست وزیر با اینهمه شوق و علاقه ای که از اول وقت و تا آخر وقت با آقایان وزراء گوش میکند یک چیزهایی از عرایض ما دستگیرشان بشود استیفاف بکنند و یک گوشه ای از اجتماع اصلاح بشود، یک رقم قابل حذف در بودجه و صرفه جوئی آن حذف مخارج اعزام این مأمورین و این هیئت های مابخارچه است (صحیح است) برای اینکه اینها بی هیچ درد نمیخورند، نه مأمور مطالعه نه مأمور شرکت در کنفرانس، آخر ما این اعضائی که میروند به این کنفرانسها می شناسیم، اینها فارسی را در خیابان باشما نمیتوانند حرف بزنند و آنوقت اینها امیرستید سازمان ملل متحد در مجمع عمومی مسلما او نمیتواند در آن کنفرانس بحث بکند، آخر شما که نماینده دائمی دارید درواشنگتن، شما نماینده دائمی در سازمان ملل متحد دارید، سفارت کبری دارید دیگر برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل متحد یک هیئت فرستادن برای چیست؟ حالا اگر تنها مجمع عمومی بود میگفتم چون مهم است و معمولا وزرای امور خارجه و رؤسای دول میروند خیلی خوب مانعی ندارد یک هیئتی بفرستید، اما کمیسیون حقوق زن سازمان ملل متحد، کمیسیون انرژی اتمی سازمان از ایران نیز هفت نفر نماینده بفرستیم برای چه ما نه اتم شکن هستیم، نه اتم داریم، و نه بمب اتمی خواهیم ساخت، آخر اگر در انرژی اتمی نماینده شما شرکت کرد بچه درد میخورد، بگذارید این کنفرانس تشکیل بشود قطعا بروشوری بیرون خواهد داد شما آن بروشور را بگیریید و به بینید چه تحقیق و تبیی شده بفرستید بدانشگاه و بگوئید در امریکا در کنفرانس انرژی اتمی این مسائل بحث شده سه نسخه هم فرستاده اند آقای دکتر فلانکس استاد فلان کرسی اینها را بخوانید

برای مملکت پانصد هزار تومان تمام شده این پول را بدهید بمن من در ده جا در ده نقطه مملکت نقاط پنج هزار نفری مدرسه بسازم آخر برای چه می خواهیم که اینها برای شرکت در کنفرانس بروند نماینده سیاسی خودمان بگوئید که در این کنفرانس شرکت کند تازه آنها لازم نیست به بینید در آنجا چه بحثی کرده اند یک بروشور چاپ میشود از طرف آن هیئت اقتصادی منتشر میشود و معلوم میشود که آنها چکار کرده اند میخواهید خیلی اتیکت رعایت کرده باشید یک نفر بفرستید دیگر ۱۵ نفر چرا مثلا کنفرانس مگس پرانی در شیلی تشکیل میشود میبینیم ۱۵ نفر نورچشمی از ایران براه افتاد میگوئیم کجا میروید میگویند بشیلی و کازابلانکا چه خبر است در کازابلانکا یک کنفرانس برای ملخ مراکش تشکیل شده و مطالعه میکند ایران هم دعوت شده هیئتی میفرستند و این هیئت براه نیافتد از این خرجها جلو گیری کنید صرفه جوئی از اینهاها است مذاکرات دوره اول مجلس شوایمی را میخواندم بحث در لایحه بودجه بود، دیدم در آنجا نوشته شده است که رئیس دبیرخانه صدر اعظم در ۱۵۰ تومان میرزا اسدالله در آنجا بوده میگوید زیاد است و بعد میکنند هفتاد تومان اینها را در بحث بودجه در دوره اول مجلس میکنند که باین وقت و علاقه مندی بجز بودجه رسیدگی میشود آن دیگری میبرسد آقایان رئیس دبیرخانه کیست میگویند امیرزا حسینعلی میگوید بله از خودش هم چیزی دارد همان هفتاد تومان بس است اینقدر وقت میگردند در بودجه مملکت حالا یک رقم چهل میلیون تومان رقم پاداش اضافه کار و هزینه سفر ما میشود یکی از طرق مشروع استفاده در دستگاه دولتی ما رفتن بیازرسی است یکوقت می بینید یک مدیر کل یک سوئیتی هم درست کرده میرود بیازرسی چون امروز آقایان فرمودند بودجه خیلی در مجلس معطل شده و من خودم هم علاقه مندم باینکه زودتر تصویب شود چون علاقه مندم دولت زودتر بکارش برسد چون علاقه مندم که مجلس واقعا اعتماد خودش را باین دولت نشان بدهد و اینها بروند کار بکنند نمیخواهم زیاد وقت مجلس را بگیرم و باین مطالبی که عرض میکنم از نظر علاقه مندی است که اگر ما اینها را نگوئیم روال کار همچنان باقی میماند عرض کردم در چهار سال گذشته چرا نگفتم چون

به بینید کدامش قابل استفاده است در تدریستان استفاده کنید.

نمایندگان ایران در کنفرانس اتم‌شناسی شرکت میکنند ولی برای پنجهزار نفر مردم فریه ویلان یک دبستان شش کلاسه که بچه‌هایشان فقط زبان مادریشان را یاد بگیرند بودجه نیست و وقتی هم که به آقای وزیر فرهنگ میگویم، میگوید آقا، امسال که ساختمان نداریم بودجه هم که نداریم حالا به یقینم چطور میشود بنده چه جواب بدهم، اگر واقعاً بنویسند مطلبی نیست، می‌گفتم مملکتی هستیم درآمد کم داریم الا هم فالاهم باید کار بکنیم اما هست ولی خرج زیاد میشود باید از خرج‌های زائد بکاهیم و جنویش را بگیریم.

اجزای شرکت نفت یک ابتکار بخرج داده و این دامنگیر بعضی از موسسات و وزارت‌خانه‌ها شده چون همه ما اهل تقلید هستیم ابتکار ابداً نیست، یک روز یک وزیر می‌آید در راه آهن بیداری ساخت و یک دکتوری را آورد در رأس آن بیداری گذاشت و چند تختخواب هم آماده ساخت یک مرتبه مرض بیداری ساختن رسید بهمه وزارت‌خانه‌ها و مهندس وزارت دارائی بیداری ساخت، وزارت کشاورزی بیداری ساخت وزارت بیداری ساخت و بیداری و مرض‌خانه ساختن مهندس یک روزی آمدند در این مملکت چند اتومبیل خریدند، خریدن اتومبیل فوراً مهندس و بان ترتیب که قبلاً عرض کردم، الان اداره کل روابط و اطلاعات عمومی مدرن شد، شرکت نفت داشت سازمان برنامه هم بوجود آورد حالا یواش یواش یک مجله هم آمده‌اند منتشر میکنند و میگویند از انتشارات اداره کل یا اداره جزو روابط عمومی است، حالا اداره روابط عمومی چیست وظیفه‌اش چیست و بچه دردمیخورد و چرا باید تشکیل شود اگر لازم بود چرا ظرف این ۵۰ سال مشروطیت تشکیل نشد و چطور شده از سال گذشته در وزارت‌خانه‌های مثل قارچ یک اداره کل روابط عمومی برقرار میشود بنده سر در نیاردم چرا؟ نه اینکه استخدام جدید ممنوع است یک کسی را که در مطبوعات رفیق زیاد دارد مدیر کل روابط عمومی در آن وزارت‌خانه میشود

خیال میکنید که این اداره روابط عمومی چکار

دارد؟ در تلویزیون ایران یک برنامه‌ای از طرف روابط عمومی شرکت نفت اجرا میشود، آقایان میدانید برای اجرای این برنامه اداره روابط شرکت نفت چقدر میپردازد.

این به قیمت آگهی حساب میشود یعنی همان آگهی که صاحب شاه‌پسند و روغن نباتی قو میدهند هر دقیقه‌اش چهارصد تومان، هزار تومان اداره روابط عمومی شرکت نفت به تلویزیون ایران پول میدهد که آنجا یک آقا و خانمی با آخرین مدل آرایش کرده بگویند آقا از نفت چه درست میشود (گر کانی وازلین) وازلین درست میشود (خنده نمایندگان) آقای گر کانی فرمودند چه درست میشود، یا از نفت امشی درست میشود و مگسها را اینطور میکشیم این وظیفه اداره روابط است جناب آقای نخست وزیر باین توجه بفرمائید، بنده چهاربار به اروپا رفتم دوم مرتبه مأموریت دولتی داشتم ما را آنجا دعوت کردند برای بازدید مؤسسه‌ای که مأموریت رسمی بود، در اغلب مهمانیهای سایر وزارت‌خانه‌ها و این نمایندگان گویای خارجیها که در اینجا آقایان ترتیب میدهند تشریف فرما شده‌اند باور بفرمائید این پذیرائیهای شاعانه که این اداره کل روابط عمومی ترتیب میدهد در هیچ جای دنیا نظیر ندارد شما اگر بروید به انگلستان نخست وزیرش اگر نخست وزیر ما را دعوت بکند اگر شام نباشد بعد از ظهر به شما یک قهوه میدهد یا چهارتا بیسکویت محال است غیر از آن باشد ما الان در اینجا کنگره اول بیمارستان شرکت بیمه را فرضاً مدیر عامل شرکت بیمه میخواهد بزمین بزند یا جناب وزیر مربوطه یک وقت میبینید یک میزی چیده‌اند از اینجا تا آنجا پرتقال خریده‌اند بچه بزرگی دانه‌ای بیست و پنج ریال که ۳۵ ریال حساب میکنند صد تا خریده‌اند دوست تا بحساب میآورند گل خریده‌اند و پانصد تومان پول گل داده‌اند خلاصه میزی چیده‌اند بسیار مفصل برای اینکه یک کنگره روی زمین زده شود و آنوقت میبینید خلق الله ریخته‌اند سرفره شام و این سفره چقدر میشود خدا میداند، حداقل هر پذیرائی ۲۵ هزار تومان تمام میشود

هر وزارت‌خانه پنج مرتبه لااقل در سال از این پذیرائیها

افزافه کار مدیر کل هشتصد تومان من میگویم هشتصد تومان زیاد است لطفاً چهار صد تومان بکنید وقتی من ریز بودجه را ندارم اصلاحطور رسیدگی بکنم و بنده وقتی میتوانم ببودجه رسیدگی بکنم که ببینم نوشته اند اعتبار خرید برای مبلان دفتر منشی مخصوص آقای مدیرعامل سازمان برنامه ۱۵۰۰/ تومان بگوئیم آقا منشی مخصوص نمیخواهد، دفتر هم نمیخواهد (مهندس والا - بودجه‌های تفصیلی در کمیسیون بودجه است) میدانم اما آنهم جای تأسف است ایراد دوم آئین نامه‌ای که بنده دارم می‌رسیم همان است دولت آمده با تمام وقت ضیقی که داشته با تمام عجله‌ای که داشته با تمام گرفتاری که داشته ریز بودجه سال ۴۰/ تفصیلی را داده بکمیسیون بودجه، کمیسیون بودجه آمده سه چهار روز رسیدگی کرده، اولاً حالاً مجلس است کمیسیون بودجه غیر از این لایحه لایحه ای نداشته و مجلس هم غیر از این کار دستوری ندارد و بعد از تصویب بودجه باند تعطیل بکنیم چون نه لایحه ای در دستور است و نه از کمیسیونها گزارشی رسیده است دوسه گزارش از شعبه‌ها مربوط به اعتبارنامه‌ها است که بعد از آنها دیگر کاری نداریم (وزیر دارائی - کار خواهد داشت) در حال حاضر که بیکاریم از طرفی یک دوازدهم فروردین را که تصویب کردیم، اگر تصور کنیم که رسیدگی به لایحه بودجه ممکن است تا بیست روز طول بکشد یک دوازدهم اردیبهشت را هم تصویب می‌کردیم کاری نداشت برای اینکه یک دوازدهم فروردین را در طرف یک روز تصویب کردیم، حالا به بینیم کمیسیون بودجه چه کاری کرده کمیسیون بودجه آمده برای خودش نیابت دویست نفر را گرفته میگوید شما چهل میلیون تومان را تصویب می‌کنید که بدها گستری بدهیم زیرا بودجه‌اش را من می‌بینم هر کدامش را صلاح دیدم تصویب میکنم و هر کدامش را صلاح ندیدم میزنم، بنده بسهم خودم بکمیسیون بودجه این اختیار را میدهم. لطفاً آقایان دویست نفر دیگر میدهند بدهید من نمیدهم، من خواهش میکنم کمیسیون بودجه مرابعتوان یک وکیل وقتی که بودجه تفصیلی تمام وزارتخانه‌ها مطرح است دعوت کند و اگر نکند این خلاف آئین نامه است (یکی از نمایندگان - همه این تقاضا دارند) همه آقایان این تقاضا را دارند، راهش این

دارد که در سال پذیرائی تمام وزارتخانه‌ها میشود صد مرتبه صدتا بیست هزار تومان دو میلیون تومان میشود یعنی خرج ساختمان دویست مدرسه، آخر ما که این پول را نداریم، یا این راه آهن اگر دعوتی باشد و مسافرتی پیش بیاید وزارت راه دعوت کند باور کنید آشپزخانه‌اش چنان پذیرائی میکند که دچار تعجب میشوید؛ چهار مرتبه بشقابها را عوض میکنند

یک وقتی يك كشتی را میخواهند بآب بیندازند چون بنده جزء هیئت رئیسه بودم رقم با يك بندی و يك بساطی مخارج میشود برای چه؛ برای اینکه میرویم يك كشتی نفتکش را به آب بیندازیم کجا هستند غیر از يك وزیر و چند تا وکیل و چند مدیر کل این کئی است پیشخدمت، آن کئی است آشپز باشی، آن کیست سزایدار باشی يك قطار می‌رود که از سیصد نفر پذیرائی میشود که این پذیرائی حالا در دنیا نظیر ندارد که هیچ، دولا پنجاهم حساب میکنند در خریدش و چقدر رویش می کشند هیچ مجموعاً شما ملاحظه فرمودید صد هزار تومان خرج شده برای اینکه ما از اینجا برسیم اهواز این چه بالائی است چه لزومی دارد این خرجها در مملکتی بشود، در مملکتی باید خرج بشود که بتواند احتیاجات اولیه و ضروری خودش را تأمین بکند من میگویم از این محل صرفه جوئی بکنید و شمارا بخدا امسال بمن پنجاه هزار تومان بدهید شما را بشرفتنان صد هزار تومان بدهید که دو تادستان بسازم پنج هزار نفر مردم آنجا بچه هایشان را برای درس بمدرسه بفرستند، يك دفعه مهمانی بدهید، يك دفعه، يك سال پاداش ندهید برای سعادت مملکت یکسال باین مدیر کل اضافه کار مقطوع ندهید و حذف کنید، بنده اینها را میگویم اگر بخواهید در بودجه صرفه جوئی کنید اینها است اما متأسفانه بودجه چهار دیواری داده شده، میدانید بودجه چهار دیواری یعنی چه؟ از نظر رسیدگی مجلس یعنی كشك الان در این بودجه گفته اند مثلاً اعتبار وزارت داد گستری چهل میلیون تومان بنده چه میدانم که از این چهل میلیون تومان کجایش کم است کجایش زیاد است چه رقمش خوب است چه رقمش بد است من وقتی میتوانم در بودجه وزارت داد گستری نظر بدهم که ببینم اینها نوشته

آقای دکتر عمید تشریف دارند می خواهم باین امر شهادت بدهند. آقا در کجای دنیا میتوان اختیارات مقننه و مجریه را در يك شخص واحد جمع کرد؟

**مهندس والا** - در قوه مجریه ... (زننگ رئیس)

**رئیس** - آقای مهندس والا شما مخبر هستید و هر

وقت بخواید می توانید صحبت کنید.

**دکتر دادفر** - چطور میشود در يك شخص جمع کرد

تازه بر گذاری اختیارات مجلس به کمیسیون خودش هم

بر طبق نظر اغلب از متخصصین حقوق اساسی صحیح نیست

و اگر شك داشته باشید بنده دلیل رامی آورم می خوانم قابل

شك و تردید نیست یعنی گفته اند صحیح نیست يك كل

نمی تواند قدرت خودش را در يك جزء محدود و متمرکز کند

(صحیح است) این يك اصل کلی است بحث می کنیم آمدند

گفتند در این مملکت برای يك شخصی این کار را کردند

گفت من شب می نشینم قانون وضع می کنم و صبح اجرا

میکنم و گفت طبق اصول است و آزادام و آزادی را هم رعایت

کرده اند آن وقت در اینجا داد آزادی بز نیم که آقا چرا در

دانشگاه يك صندوق گذاشته شد و باین چیزها ایراد می-

گیریم اما باین مسئله باین مهمی که مورد بحث و تفسیر

تمام مجامع حقوق بین المللی است حاضر نیستیم حتی يك

کلمه جواب بدهیم که این اختیار را چرا دادید، انقلاب

اگر کرده بودید حرفی نداریم در رژیم انقلابی یکنفر تمام

جریانات را در دست می گیردمی گوید من اختیار دارم آنچه

که من می گویم حق است و بالاتر از قانون همان طور که

آقای فیدل کاسترو الان در کوبامی گوید اما در رژیمی که

طبق اصول و سنن پارلمانی و با پارلمان روی کار آمده چطور

این اصول را می توانیم بهم بز نیم، بنده از این استفاده میکنم

اینرا چرا ممنوع کردند اصل تفکیک قوا انفکاک قواي ثلاثه

که در صدها هزار جلد کتاب نوشته شده مبتنی بر اصولی است

مبتنی بر اصولی است. مقدماتی دارد. مطالعاتی شده. عمل

شده. تجربه شده يك اصولی گفته اند مجلس شورای ملی

حق نظارت دارد و در هیچ اصلی نگفته اند کمیسیون بودجه

مجلس شورای ملی، اینست که بنده استدعا میکنم کمیسیون

محترم بودجه مجلس شورای ملی گزارش خودش را در

مواد بودجه تفصیلی بدهد به مجلس که ما روی بودجه تفصیلی

است که کمیسیون بودجه ریز این بودجه را بخواند و بعد

همینطور که بودجه چهار دیواری را گزارش داده است

گزارش ریز تفصیلی بودجه ها را هم بفرستد ما هم میخوانیم

بفهمیم (احسن، صحیح است) اما چرا کمیسیون بودجه

این کار را کرده ظاهر آ کمیسیون بودجه حرفش منطقی

است میگوید دولت عجله داشت، اگر میفرستادیم بجای خانه

طول میکشید این ایراد همیشه هست و اگر کمیسیون بودجه

هم خودش برسد این اشکال هست، آیا مرتفع میشود یعنی

اگر کمیسیون بودجه خودش رسیدگی کند چاپ نخواهد شد

فقط در جلسه علنی است که باید چاپ شود این کار باید يك

مرتبه بشود آن يك دفعه وقتی شد گزارش آنرا بما بدهید

من در این جا بگویم که جز ارقام و اقلامی ضروری است و

در این بودجه چطور میتوانیم وارد بحث شویم بگویم از کی

کم بکنید شاید يك چیزی واجب باشد و چیزی واجب نباشد

ایرادوم من آئین نامه ای است که بر خلاف اصول عمل

قانون گذاری مجلس و نظارت در دخل و خرج عوائد مملکتی

را نمیشود بيك کمیسیون وا گذارد کرد این حق همه است

باید گزارش به مجلس داده شود من پیشنهاد اصلاحی خواهم

داد (اصف وزیری - سابقه است) آقا میگویند سابقه است

خیلی چیزها سابقه است مجلس آمد اختیارات قانون گذاری را

به آقای دکتر مصدق داد آنرا بگوئیم سابقه است حالا هم

مامی توانیم بدهیم به آقای مهندس شریف اما می آمدند

تمام قدرت قانونی و قضائی را که شاید در تمام دنیا بی سابقه

بوده است دادند بيك نفر و در يك شخصی مترکز کردند این

سابقه شد؟ در این مملکت سابقه است چون این کاریک وقت

شده باز باید بکنیم، سابقه غلط بوده قوه مقننه و مجریه

چطور قابل ادغام در شخصی می تواند بشود، آدم وقتی یناد

مطالب اصولی می افتد تعجب میکند چرا آنهايی که آنقدر

ادعای آزادی خواهی دارند رعایت اصول حقوقی را نمیکند

من تحصیلاتم در رشته حقوق اساسی شاید در ایران پنج نفر

حقوق اساسی خوانده اند، رساله ام در موضوع اصل تفکیک

قواست که با درجه ممتاز و قابل چاپ در فرانسه هم چاپ

شد چون من کسی بودم برای درس خواندن رفته بودم و سبیل

خوش گذرانی نداشتم تا وقتی هم در دانشکده حقوق بودم

تمام کلاسها را با رتبه اول گذراندم، استاد من هم جناب

بحث بکنیم، دقت بکنیم، تصویب بکنیم.

معنی این عرض بنده این نیست که خدای نکرده ما بکمسیون مجلس شورای ملی اعتماد نداریم نه ما الان روی گزارش آنها داریم بحث می کنیم، آنها نمایندگان ما هستند منتخب مجلس شورای ملی هستند اشخاص محترمی هستند ولی معنی این است که دویست نفر دویست تا حرف دارد و ۱۸ نفر ۱۸ تا (صحیح است) وقتی در یک کمیسیون که ۱۸ نفر عضو دارد و یازده نفر اکثریت میشود باینجنفر تصویب میشود یک بودجه مملکت را باینجنفر نمیشود تصویب کرد بنده عرض این است پس باین ترتیب گزارش کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی راجع به بودجه تفصیلی باید به مجلس بیاید (صحیح است) ما باید بتوانیم برسیم وریش را مورد شور و بررسی قرار بدهیم بنده خیلی سر آقایان را بدم آوردم خیلی معذرت می خواهم از این عرایضی که کردم قصد نداشتم باین تفصیل صحبت کنم چه گفته اند الکلام ماقبل و ذلک مال من هم زیاد شد و هم اینکه دلالت نداشت اما توجه فرمودید عنایت فرمودید و به بنده میدان دادید یادداشتی از آقایان رسیده که اگر میخواستیم مطرح کنیم باید موضوعی را که مورد بحث من بود میبریدم و مطرح میکردم از این نظر نتوانستم و بیخشنید فقط یک تذکره در اینجایکی از رفقای آذربایجانی دادند که چند کارخانه در آذربایجان در حال تعطیل است باینها توجه کنید که چرا تعطیل میشود توجه کنید که چند هزار نفر از کارگران این کارخانهها بیکار و بی خانمان میشوند (صحیح است آخست) و بنده در اینجا عرایض را خاتمه میدهم. (آخست باز لا اله)

رئیس - آقای فریور

فریور - بسیار خوشوقتم که هم نمایندگان مخالف و هم نمایندگان موافق نسبت بدولت جناب آقای مهندس شریف امامی اعتماد کامل خودشان را ابراز داشتند  
۱ - بدو لازم میدانم که بگویم چرا بعنوان موافق مشروط ثبت نام نموده ام.

موافق از آنجهت که بنا بقیده آقایان که مخالف هم صحبت فرمودند میگویم که جناب آقای شریف امامی و وزراء کابینه ایشان از مردان خوشنام ولایق هستند اگر ما بحقیقت اخلاقی و بوطن پرستی و درستی آنان اعتماد داریم

دلیل ندارد که از چنین کابینه کاری برخلاف مصالح عمومی مملکت انتظار داشته و با آن مخالف باشیم.

و اگر نسبت به ارقام بودجه و تناسب آن باشئون اصلاحی و اقتصادی بحثی و حرفی داریم باید با استدلال و منطق صحیح آنرا اصلاح نمائیم نه اینکه فقط به معایب و نقایس دستگاههای اداری مملکت در گذشته به بحث بپردازیم و نسبت به اصلاحی امور کشور راهنماییهای مفید نکنیم.

آقایان امروز همه ملت ایران از سوء جریان دستگاه اداری کشور بخوبی واقفند آیا باز کرده ها و آلام مردم مملکت درمان میشود؟

آیا صحیح است که ما و دولت هر دو بیائیم در مجلس و از سوء جریان گذشته بحث و صحبت بکنیم و بقول جناب آقای آرامش بگوئیم که در دستگاه سازمان برنامه حیف و میل شده خیانت شده دزدی شده ولی فقط بگفتن آن بجواییم بملت ایران بگوئیم که ما شهادت آنرا داریم که از ن کربدی ها و معرفی بدان باکی نداریم و از اینر و خواسته باشیم دین خود را در نزد ملت ایران ادا نموده و بگوئیم که باین طریق ما بوظایف نمایندگی خود عمل کرده ایم و کار خود را بهمین جا خاتمه دهیم؟

خیر این صحیح نیست ممکن است این عمل را عده ای بعوام فریبی اطلاق کنند ما و دولت باید از عوام فریبی پرهیز نمائیم.

من در اینجا روی سخن جناب آقای نخست وزیر شما و دولت شما است من بشما جناب آقای آرامش که بشهادت و صراحت و صداقت آمدید و در مقابل ملت ایران حقایق را گفتید عرض میکنم موقعی شما با وجدانی آسوده و آرام وظیفه خود را در پیشگاه ملت ایران انجام داده اید که در تعقیب و مجازات مرتکبین و مسببین خیانت اقدام نابخشودنی نموده باشید خاطی را در هر مقامی که هست تسلیم عدالت کنید.

جناب آقای مهندس شریف امامی از شما و از وزیر دادگستری شما که مردی وارسته و پرهیز کار است می خواهم که در این راه که سعادت ملت و مملکت فقط بستگی به شهادت و از خود گذشتگی شما دارد قدامت کنید و از مشکلات و

قدرت ظاهری خائنین نهر اسید و مطمئن باشید که شاهنشاه اصلاح طلب و مجلس و ملت ایران پشتیبان شما خواهند بود و اگر قوانین فعلی برای تعقیب تبه کاران سازمان برنامه و شرکت ملی نفت کافی بنظر نرسید طرحی را به مجلس پیشنهاد نمائید و مطمئن باشید که نمایندگان وطن پرست و شجاع مجلس ما از آن پشتیبانی خواهند نمود و اگر این کار را بکنید در پیشگاه ملت ایران مفتخر خواهید بود

آقایان تادر کشور ما امنیت فضائی وجود نداشته باشد کارها اصلاح نمیشود تا در کشور ما قانون حکومت نکند امیدی با اصلاحات نیست

ما حکومت قانون بدون تبعیض می خواهیم تا ما تبهکاران را نتوانیم به کیفر واقعی برسانیم مملکت اصلاح نمیشود

این چه فایده که بگوئیم فلانی آمد و برده و خورد و ما او را از کار برکنار کردیم مجازاتی که برای دزدان اجتماع قائلیم و خود را به آن دلخوش مینمائیم و آنرا قلمی بر جسته در راه اصلاحات قلمداد میکنیم همان است که دست او را از آن دستگاه کوتاه کنیم و او را آزاد بگذاریم که از آن بدوخته های سرشار خود و از بیت المال ملت ایران بخوشگذرانی و بعیش بپردازد و چند سالی از کشور یا از دستگاه اداری دور باشد و در این مدت او را تطهیر نموده ولی پس از چندی بنام وزارت یا پست حساس دیگری بعنوان مزد لایق و امین و خدمتگذار دوباره بر سر کار آوریم و وعده های او را برای اصلاحات مملکت و قطع دست دزدان و مامورین ناصالح از دستگاه باحسن قبول تلقی نمائیم

آقایان ملت ایران هزارها نمونه زنده از این تراژدی غم انگیز را تا کنون بنچشم دیده است و بر نامه ها و وعده ها را دیگر مردم از ما قبول نمیکنند اگر ما واقعاً معتقدیم و اگر دولت مامدعی است که میتواند خدمتگذاری لایق و ارزنده برای پادشاه و ملت ایران باشد باید سر لوحه برنامه خود را مبارزه با فساد قرار دهد آن مبارزه با فساد را که تا کنون هر دولتی در برنامه خود کرده و نام دولت خود را دولت مبارزه با فساد ذکر کرده و بدان عمل نکرده است و فساد بیشتری در شئون مملکت رخنه نموده است

جناب آقای نخست وزیر نگوئید که ما بگذشته کاری

نداریم و ضامن عمل خود خواهیم بود این حرف را ملت ایران نمیتواند از شما باحسن قبول تلقی نماید

دولت شما نه تنها خود باید به آنچه میگوید عمل کند بلکه موقعی ملت ایران بشما دلبستگی پیدا خواهد کرد که ببیند شما در مجازات خائنین و دزدان نامی مملکت اقدام مشهورانه نموده اید

چرخهای زنگ زده قوانین مجازات را براه انداختید

و اول از کسانی شروع کنید که در سایه خیانت نفوذ و قدرت بیشتری در این مملکت کسب نموده اند

اگر مادر مجازات تبه کاران قدم مثبتی بر نداریم یاس و بدبینی آنچنان در ارکان ملت ما رسوخ خواهد کرد که افراد صالح و درستکار اجتماع ما هرگز حاضر بهمکاری با دولتها نخواهند شد و صحنه مملکت را برای سوداگران و ناپاکان آنچنان خالی خواهیم کرد که دیگر امیدی با اصلاحات بهبودی باقی نماند

چون همکاران محترم قبلاً چه بعنوان موافق و چه مخالف بحث مفصلی نمودند اصولاً دیگر نمیخواهم وارد در بحث اعداد و اقلام بودجه شوم من میگویم دولت ما اگر در انجام تعهدات خود نسبت بلا یحیه بودجه پیشنهادی توفیق کامل حاصل نموده ملت ایران راضی است

شرط رضایت مردم اجرای عدالت و جلوگیری از حیف و میل بودجه مملکت است

جناب آقای وزیر راه اگر بودجه سال گذشته شما چیزی افزوده نشد و اگر شما از حیف و میل بودجه راه های کشور درست جلوگیری نمودید و قدمهای مثبتی در بهبود وضع راههای کشور برداشتید که مردم بنچشم دیدند آنوقت میتوانید در نزد ملت ایران مفتخر و سرافراز باشید

اگر شما نتوانستید دست ببندهای چپ ای وزارت راه و بعضی از کنترا تچیهای خدا نشان را کوتاه کنید مطمئن باشید که با همین بودجه میتوانید قدمهای بلندی بسوی تحقق آرزو های ملت بردارید راه سازی در هر کشور موجبات رسوخ و نفوذ تمدن و فرهنگ و بهداشت و اقتصاد در عروق و شرائین آن کشور میشود

چون میخواهم وارد بحث مربوط بکشاورزان مملکت شوم

توجه جناب آقای نخست وزیر را بیک اصل مسلم کلی میخوام جلب بکنم، ماموقی میتوانیم جناب آقای وزیر کشاورزی از وضع زندگی روستائیان مملکت خود وقوف حاصل کنیم که بنیین ممالک مترقی دنیا از لحاظ توسعه کشاورزی و بهبود وضع زارعین چه اقدامی کرده اند و الا با طرح برنامه هائی بوسیله دولت و ادارات فقط با خیال توانسته ایم دردها و الامومضیب های کشاورزان این مملکت را در زمان بخشیم و این راهی است که پیورده رفته ایم.

آقایان محترم واقفند که ممالک کشاورزی دنیا و ممالک جهان در بدو امر توجه خودشان را در موضوع راهسازی و ارتباط جلب کرده اند امروز در کشور ما هشتاد در صد از ساکنین را کشاورزان تشکیل میدهند بدون اینکه راهسازی بکنیم و ذرات را بشهرها و مراکز شهری ارتباط بدهیم نمیتوانیم انتظار داشته باشیم که در آن نقاط دور افتاده و در اجتماعی که زارعین ما آنجا سکونت دارند ما برای آن ها فرهنگ و بهداشت تهیه بکنیم، چون هیچ پزشکی حاضر نیست که با سب و قاطر دهها فرسنگ راه را بازحمت طی کند و در آنجا برای مردم خدمتگذاری لایق و واقعی باشد هیچ آموزگاری حاضر نیست که رنج مسافرت با سب و قاطر و الاغ را تحمل کند و فرستگها راه در دل کوهها طی بکنند او باید زندگی مرفهی داشته باشد و ما هم دلخوش باشیم که در آنجا مدرسه داریم و برای تامین فرهنگ کوشش بکنیم، و مردم خدمت کنیم، تمام این برنامه هائی که ما برای کشاورزان مملکت خواهیم داشت موقعی میسر است که ارتباط داشته باشیم، راه داشته باشیم می توانیم بکشاورزی خدمت بکنیم، پس ما وقتی که می گوئیم در این مملکت باید بکشاورزی خدمت کرد، باید بکشاورزان خدمت کرد کشاورزی را توسعه داد، راه توسعه کشاورزی و خدمت به کشاورزان از طریق راهسازی و ارتباط میسر است اگر ما بیمارستانی در یکی از نقاط دور افتاده بسازیم پزشک هم بفرستیم آیدار تمام مدت ایام سال میسر است که برای پزشک آن بیمارستان دارو بفرستیم که موجباتی برای رفاه اجتماعی آنجا و برای بهداشت عمومی کشاورزان خود تهیه کرده باشیم پس بدون داشتن راه میسر نیست بنده بعنوان نمونه جائی را که خودم از نزدیک می شناسم و مربوط بحوزه انتخابیه ام است عرض میکنم

قسمت هزار جریبو چهار دانگه و دو دانگه این منطقه بیش از بیست هزار کیلومتر مربع مساحت دارد و بیش از یکصد و پنجاه هزار نفر کشاورز این مملکت در آنجا سکونت دارند این منطقه وسیع و این منطقه پر جمعیت اگر بگویم یک نفر پزشک ندارد شاید آقایان باور نفرمائید و اگر بگویم که بیش از پنج باب دبستان برای ۱۵۰ هزار نفر مردم آنجا نیست این منطقه که همه اسمش را گذاشته اند منطقه فراموش شده برای اینکه تا امروز کوچکترین توجهی با آنجا نکرده اند و برای اینکه این گرفتاری عمومی در این منطقه رفع بشود مردم آن سامان بیش از ۱۵ سال است که از دولت متوالیاً تقاضا میکنند که راه نیمه تمام چهار دانگه ساخته شود و ارتباط آنها از طریق هزار جریب بدامغان برقرار شود با اینکه دولت میتواند در این منطقه وسیع بعضی زارعین آنجا رسیدگی بکند متأسفانه تا کنون کوچکترین توجهی نشده در حالیکه این منطقه وسیع استعداد همه گونه پیشرفت را از لحاظ بالا بردن سطح اقتصاد مملکت را دارد اداره کل دخانیات در اراضی آنجا بررسی های دقیق نموده و آنجا را بهترین منطقه برای کشت توتون تشخیص داده و گزارشی مشروط و مشروح در این مورد بمرکز داده و تقاضا کرده وزارت راه نسبت بساختن راه آنجا از نظر اینکه اداره کل دخانیات بتواند کشت توتون را در آنجا توسعه بدهد اقدام بکند متأسفانه این اقدام به نتیجه نرسیده و اگر چنانچه از اراضی مستعد آنجا برای توتون کاری استفاده میشد امروز که ما اینقدر احتیاج به صدور توتون از این کشور داریم از این راه میتوانستیم به بودجه مملکت خدمت بکنیم و ارز و دلار وارد کشور بکنیم مع الوصف با توجه باین حقایق و توجه باین مناطق از لحاظ استعداد موقعیت بسیار خوبی است که شاید جناب آقای وزیر کشاورزی که به دو دانگه تشریف آورده اند توجه داشته باشند که ما بتوانیم برای جنگل کاری زیتون هم از آن اراضی استفاده بکنیم و از این راه سرمایه مهمی برای مملکت تهیه کرده باشم، استفاده از معادن وسیع، استفاده از جنگلهای طبیعی و وسیع آنجا برای مملکت یک ثروت گرانبهای است، موضوع سد تجن که در برنامه دولت بود و سازمان برنامه هم در این مورد

مطالعات دقیق کرد و هیئتهائی فرستاده و پولهای هم خرج کرده است که مقدماتی هم شروع شده امروز میگوید که مایپول نداریم این سد را بسازیم

اهمیت این سد را در گزارشی که تهیه شده دولت خوب متوجه است و حالاهم بعرض مجلس میرسانم که با مطالعاتیکه شده سطح کشت برنج آنجا به پنج برابر اضافه خواهد شد حالا صرفنظر از آن نیروی برفی که بوسیله این سد بدست خواهد آمد مشکلات برق یکقسمت از مازندران را بکلی حل خواهد کرد و علاوه بر آن نسبت به ۴۵۰۰ هکتار از اراضی برنجکاری که در حدود ساری است و در حال حاضر همه ساله گسرتار قلت آب است و بیش از نصف محصول این اراضی در نتیجه خشکسالی از بین میرود و این ضرر عظیم از بین رفتن ثروت مملکت است آب تأمین شده و این خسارت دیگر وجود نخواهد داشت. در اینجا که بحث ما مربوط بکشاورزی است بیمناسبت نمیدانم که با جناب آقای وزیر کشاورزی که از مدتها قبل بایشان ارادت دارم و میتوانم عرض کنم باینکه یکی از انتخابات بسیار بجای جناب آقای مهندس شریف امامی در پست وزارت کشاورزی بود یعنی در حقیقت کار را بیکار دان سپردند میخواهم عرض کنم در مورد مکانیزه کردن زراعت یک اصل مسلم را دولت در این مورد رعایت نکرد ما فقط دلخوشیم باین که در این مملکت تراکتور زیاد داریم، زراعت ما مکانیزه شد ولی به مشکلاتی که همین مکانیزه کردن برای زارعین و برای کشاورزان مملکت ما ایجاد کرده توجه نمیکنیم در ممالک کشاورزی مرفعی بهیچ وجه اجازه نمیدهند که درهای مملکت بروی تمام تراکتورهای مختلفه زمین باز بوده و بدون اینکه هیچگونه ضمانت اجرائی برای ایجاد تعمیرگاهها یا تثبیت قیمت قطعات یدکی این تراکتورها در آن مملکت وجود داشته باشد آزادانه هر کمپانی بتواند هر روز تراکتور وارد آن مملکت بکند و در اختیار کشاورزان قرار بدهد من پیشنهاد میکنم که دولت جناب آقای شریف امامی که هدفشان توجه بکشاورزی مملکت است باید باین هدف اصلی و اساسی توجه بفرمایند مطالعه بشود که چند نوع تراکتور از لحاظ وضع زمین و مقتضیات زمین در این مملکت قابل استفاده است و چند

نوع تراکتور در این مملکت خوب آزمایش داده منحصرأ احتیاجشان را از کمپانیهای دارنده این تراکتورها تأمین کنند با قید اینکه در هر نقطه ای که این تراکتورها بفروش هیروود آن کمپانی موظف باشند که تعمیرگاههای ثابت و بسیار درست کند و باید تراکتوری که بفروش میرود قطعات یدکی این تراکتور را هم بخریدار بدهند (صحیح است) نه این که امروز کمپانیها اگر یک تراکتور را بقیمت نازل میفروشند در مقابل ده برابر پنجاه برابر از قیمت قطعات یدکی آن تراکتور بخواهند از بیت المال زارعین استفاده کنند، در نتیجه این بی توجهی در حال حاضر اگر تراکتوری در دست کشاورزیست اگر یک پیچ و مهره آن در مزرعه بشکند وسیله تعمیر نیست و درست در موقع کشت و زرع در موقع احتیاج مانند آهن پاره ای در دست زارعین و کشاورزان خواهد ماند بنده کسانی را نشان میدهم که بامید بالا رفتن سطح کشت تراکتوری خریده و امروز بعلت اینکه تعمیرگاههای در این مملکت نداریم دیون او نسبت باین تراکتور بعهده او مانده و ورشکست و نابود شده اند.

موضوع دیگری که بجناب آقای وزیر کشاورزی خواستم عرض کنم موضوع توجه قابلیت کشت اراضی یعنی تقسیم کردن اراضی مستعد برای نباتات صنعتی در این مملکت و همچنین اراضی که برای کشت غله و تأمین آذوقه کشور لازم است بنده بعنوان مثال عرض می کنم در مازندران در قسمت اراضی جلگه که یک قسمت از منطقه زرخیز و حاصلخیز مملکت ماست برای توسعه کشت نباتات صنعتی و روغنی بسیار متناسب است و از اینرو ما میتوانیم با تأمین کشاورزی آنجا از این طریق باقتصادیات مملکت یک کمک شایان توجهی بکنیم ولی در عوض مناطق کوهستانی ما همین قسمت چهار دانگه و دو دانگه که عرض کردم اگر راه باشد ما میتوانیم یکقسمت از اراضی عمومی مملکت را که کشاورزان ما منحصرأ زراعتشان گندم و جو است از این مناطق تأمین بکنیم.

زراعت نیشکر در قدیم در مازندران مرسوم بوده سالهاست که این زراعت نیشکر از بین رفته در زمان اعلیحضرت فقید در آنجا چغندر کاری کردند و کارخانه



بنده رفته‌ام بنده ضمن مطالعاتی که در باغ داری می‌کردم و بازدیدی که از کارخانجات آب میوه گیری و وابسته بندی پر تقال در اسرائیل سئوالی کردم آماری به بنده دادند که من بی اندازه متأثر شدم گفتند که دولت اسرائیل در سال پنجاه میلیون دلار صادرات مرکبات دارد پس از مراجعت بدوستان ما زندرائی گفتم که من با چنین رقمی مواجه شدم، حیف است که شما هم فعالیت نکنید و از این محیط مستعد برای باغداری و برای اینکه بتوانید باغداری را در اینجا توسعه بدهید استفاده نکنید چرا به نشینم و باز همان رویه قدیم و سابق را پیش بگیریم و به بنیم به اینکه اگر یک درخت پر تقالی در منزل خودمان داریم بآن اکتفا نکنیم ولی خوشختانه می‌خواهم عرض بکنم که چند سال اخیر یک نهضتی در امور باغداری در شمال دیده شد، و من بسیار امیدوارم که اگر چنانچه دولت باغداری را در شمال تشویق بکند، ترغیب بکند ما هم بزودی بآن هدف عالی خودمان، بآن هدف نهائی خودمان خواهیم رسید که با توسعه باغداری برای باغداران آنجا هم صرف بکنند که کارخانه بسته بندی پر تقال بیاورند، کارخانه آب میوه گیری و سایر کارخانجات را هم تأسیس کنند، البته چون بحث درباره بودجه دولت بتفصیل و خیلی زیاد شد بنده سعی می‌کنم باین که نظراتی را که در مورد کشاورزی و سایر جهات دیگر دارم باختصار عرض بکنم و وقت مجلس را بیش از این نگیرم یکی از منابع مهم ثروت در شمال جنگل است و این موضوع جنگل یک داستان بسیار مفصل و در همین حال جز آن آوری دارد موقعی که تیمسار اخوی وزیر کشاورزی بودند اقداماتی کردند و من نمی‌خواهم وقت آقایان را در این جا بجزریان گذشته بگیرم زیرا در دوره گذشته بوسیله نمایندگان شمال به تفصیل بحث

رئیس - آقای فریور اگر بیشتر صحبت دارید بگذارید برای عصر جلسه را بعنوان تنفس ختم می‌کنیم جلسه عصر ساعت پنج بعد از ظهر خواهد بود برای دنباله این مذاکرات و بیانات آقای فریور

(مجلس یک ساعت بعد از ظهر بعنوان تنفس تعطیل و ساعت پنج و نیم بعد از ظهر بریاست آقای دکتر عمید (نایب رئیس) مجدداً تشکیل گردید)

قندی در شاهی نصب گردید بعد گفتند چون میزان قند این چغندر کم است از اینجهت کارخانه قند اینجاصرف نمی‌کنند در حالیکه ما از اراضی مستعد آنجا برای نیشکر اگر بخواهیم استفاده کنیم میتوانیم با نصب کارخانجاتی برای استفاده از مواد قندی نیشکر در آنجا این منظور را تأمین کرده باشیم؟ موضوع دامپروری که امروز یک قسمت مهم گرفتاری مملکت است می‌خواهم عرض بکنم که اگر دولت در قسمت شمال توجه بیشتری نسبت باین امر نکند در آتیبه نزدیکی دامپروری از بین خواهد رفت بدلیل آنکه تمام مراتع که در آنجا برای دامپروری تخصیص داده شده بود امروز مردم روز بروز برای زراعت پنبه و زراعتیهای دیگر اختصاص میدهند و از اینرو موضوع دامپروری روز بروز دچار وضع بدتری میشود و بجائی خواهد رسید که دیگر در مازندران کسی نتواند دامپروری بکند البته راه چاره را جناب آقای وزیر کشاورزی بخوبی میدانند و بنده عرض میکنم که با نشان دادن راه عملی کار نه باثثوری از اینکه شما بروید و مرتع مصنوعی درست بکنید علوفه بکارید مردم شمال و زارعین مملکت ما هنوز آنقدر که بتوانند سفارش شما عمل بکنند آشنا نیستند بنده پیشنهاد میکنم در هر یک از این مناطق برای اجرای این برنامه‌ها یک مرتع کوچک و نمونه درست بشود؟ یک بنگاه دامپروری نمونه درست بشود و در آنجا ب مردم تعلیم بدهند که چگونه میتوان از کشت نباتات علوفه‌ای کسری علف را تأمین کرد.

موضوع دیگری که خودم شخصاً علاقه خاصی باین موضوع دارم و می‌خواهم عرض کنم موضوع توسعه باغ مرکبات است.

در سال قبل بنده با اسرائیل سفر می‌کردم در آنجا فعالیت‌های بی نظیر مردم آنجا را در توسعه باغداری از نزدیک چشم دیدم و خیلی افسوس خوردم از اینکه در مملکت ما که اراضی مستعد برای اینکار داریم جز استفاده نمی‌کنم مسافرتی که یگراست رفتن در آنجا مناطقی دیدم که شاید مرکبات در آنجا بهتر از لبنان بعمل بیاید ولی بعلمت نداشتن راه متأسفانه می‌بینیم که از محیط مستعد مملکت استفاده نمیشود (بهمین بار - جیرفت کرمان بهتر است) جیرفت هم

نایب رئیس - آقای ملک زاده آملی  
 ملک زاده آملی - تلگرافی است از آقایان کاشانی  
 های نظمن که به بنده و جناب آقای موسوی وعده ای از آقایان  
 هخابر شده که فرماندار نظمن در تشکیل انجمن انتخابات  
 یک طرفه اقدام کرده است.  
 نایب رئیس - بدولت اطلاع داده میشود آقای  
 فریور.

فریور - قبل از اینکه وارد بحث قانون جنگلیها  
 بشوم موضوعی را که در جلسه صبح میبایستی بعرض  
 برسانم حالا عرض میکنم متأسفانه جناب آقای وزیر  
 کشاورزی تشریف ندارند و این موضوع اساسی است که  
 فکر میکنم نمایندگان محترم باین موضوع توجه فرمودند  
 و یادآوری نکردند و موضوعی که میخواستم عرض کنم  
 موضوع بالا بردن سطح کشاورزی و میزان محصول و درآمد  
 کشاورزی کشور است در این مورد تنها بعقیده من مکانیزه  
 کردن کشاورزی موجب بالا بردن میزان محصولات  
 کشاورزی نمیشود بلکه نکته بسیار جالب و اساسی موضوع  
 تثبیت نرخ محصولات کشاورزی است (صحیح است) ملاحظه  
 بفرمائید که دولت امریکا آمده برای خاطر اینکه سطح  
 تولید کشاورزی را بالا ببرد برای محصول کشاورزی خود نرخ  
 معینی تعیین کرده که بکار بردن سرمایهها با فعالیت و همکاری  
 که بخرج خواهند داد میزان درآمد از محصول کشاورزی  
 چقدر خواهد بود در این مورد دولت امریکا علاوه بر  
 محصولاتی که برای احتیاج خودش خریداری میکند اضافه  
 را هم میخرد همچنانکه ما در روزنامهها خوانده ایم  
 گندمهای اضافی را میسوزاند و یا در دریاها میریزد. این  
 کار برای خاطر آنست که سطح زندگی کشاورزان مملکت  
 در یک وضع مرفه و خوبی باشد و کشاورزان بتوانند روی  
 درآمد خودشان حساب بکنند و روی آن حساب در توسعه  
 کشاورزی اقدام بکنند متأسفانه در مملکت ما توجه باین  
 اصل صحیح نمیشود و ما نمی توانیم بدون توجه باین نکته  
 اساسی سطح کشت را بالا ببریم و کشاورزان خودمان را  
 تشویق کنیم، آقایانی که در کشاورزیهای بزرگ شرکت  
 کرده اند خوب باین موضوع توجه دارند که در نتیجه  
 نوسان نرخ محصولات کشاورزی کشاورزان مملکت ما

که با فعالیت خیلی زیاد بخصوص در دشت گرگان و گرگان  
 اقدام کردند متضرر شدند چنانکه یک موقع تمام سرمایه  
 داران تهران بآن سمت رفته و مزارع بزرگ کشاورزی  
 تشکیل دادند و بعد ورشکست شدند علت ورشکستگی  
 در نتیجه همین نوسان بی رویه نرخ محصولات کشاورزی  
 آنجا بوده است.

حالا که صحبت از جنگل میان آمد بد نیست مختصری  
 از داستان پر سر و صدای تصویب قانون جنگل و نتایج حاصله  
 از تصویب این قانون و تبصره های ضمیمه لایحه بودجه سال  
 های ۳۷ و ۳۸ را یادآوری کنیم.

چنانچه آقایان استحضار دارند تیمسار اخوی وزیر  
 اسبق کشاورزی بارها نزد شخص اول مملکت از تأخیر  
 تصویب قانون جنگل شکایت نموده و بعرض میرسانید  
 که اگر این قانون بتصویب برسد سالی ۷۰۰ میلیون تومان  
 بودجه کشور در آمد دولت کمک خواهد شد بالاخره قانون  
 بتصویب رسید و دو سال از تاریخ آن گذشت حالا معلوم می  
 شود نه تنها از ۷۰۰ میلیون تومان درآمد خبری نیست  
 بلکه سالیانه مبالغی بابت کرایه ساختمان سازمان جنگلبانی  
 در تهران باید از محل کمک هزینه واگذاری سازمان  
 مزبور از بودجه کل کشور تامین شود و یا آنکه با آنهمه  
 بررسیها و تذکراتی که مجلس هنگام تصویب قانون جنگل  
 بدولت داده آقای وزیر کشاورزی هم متقبل شده بود که از  
 قانون مزبور فقط برای احیاء جنگلهای مخرب و بونگهداری  
 و بهره برداری جنگلیها با اسلوب صحیح و هدایت و راهنمایی  
 مالکین جنگل اقدام نماید و این قانون را که بقول یکی از  
 نمایندگان در مجلس اظهار داشته بود که این قانون مجازات  
 است نه قانون جنگل خربه مزاحمت اهالی مناطق جنگل  
 نشین قرار ندهد متأسفانه در عمل خلاف آنرا ثابت کرده  
 و اینک مشاهده میشود که نه تنها جثه های مثبت و نافع  
 قانون را برای هدایت و راهنمایی و علاقه مند نمودن بحفظ  
 و توسعه جنگلهای رعایت ننموده است بلکه با تغییر قانون  
 دلخواه خود قانون مصوبه در مجلس شورای ملی را بی اعتبار و  
 متزلزل ساخته است.

در مواد ۴ و ۵ قانون و تبصره های مربوطه مالکیت  
 خصوصی صاحبان مراتع و جنگل را قانون محترم دانسته

و تأیید کرده و شرایط بهره برداری از جنگل زامدار کی از قبیل سند مالکیت یا احکام استرداد از دادگاههای املاک و اگذاری قرار داده است ولی در تبصره ۲ ماده ۸ آئین نامه که بوسیله سازمان جنگلبانی تهیه شده است جز سند مالکیت احکام محاکم را دلیل مالکیت ندانسته است.

آقای وزیر کشاورزی این عمل را کوسه وریش پهن میگویند، آخر چگونه مالکین هم باستناد احکام بدوی و تجدید نظر طبق بندب ماده ۸ آئین نامه شما مالک جنگل هستند و هم بموجب تبصره ۲ ماده ۸ همان آئین نامه مالک جنگل نیستند مگر دولت طبق ماده مخصوص و پس از سالها رسیدگی همین املاک را بمردم مسترد نداشته است؟

آیا هدف دستگاه از این ایذاء و اذیت مردم و از نقض مواد ۳۲ و ۳۸ و ۳۹ قانون مدنی چه میباشد؟ مگر اکنون که حتی قطع یک شاخه درخت توسط مالک جنگل بدون اجازه سازمان جنگلبانی امکان پذیر نیست برای اجرای منظور دولت در نگهداری و حفظ جنگل کافی نیست؟ و با اینهمه عوارض گوناگون که با محاسبه و ضرایب مخصوص در حدود سه برابر بهره مالکانه از مردم میگیرند برای دولت مالکیت نیست؟

آقای نخست وزیر وزیر کشاورزی وقت هنگام تصویب قانون جنگل در پیشگاه مجلس متعهد شده بود از اعتراضات بی ثبیت ملک خرده مالکین که دارای مدارک قانونی هستند خودداری و پس از تصویب قانون آنچه را که قبلاً به نا حق اعتراض کرده بود استرداد کند.

پس چه شد که امروزه در تمام سر جنگلداری های شمال برای تمام اراضی و مراتع که اشخاص پس از سالها دعوی و رسیدگی موفق باسترداد ملک خود شده و تقاضای ثبت می نمایند یا استثناء اقدام با اعتراض می نماید؟

در این جا لازمی دانم برای روشن شدن ذهن هیئت محترم دولت و نمایندگان محترم مجلس شورای ملی اضافه نمایم که جنگلهای شمال جز باینگذدهات مازندران بودم و از چندین صدسال تا کنون در دست مردم و در تصرف مالکانه آنهاست و مالکیت اکثر جنگلهای متعلق با کین دهات بوده و کمتر

مالک عمده وجود دارد می توانم بگویم که بیش از پانصد هزار نفر مردم شمال مالک این جنگلها هستند

آیا در زمانیکه شاهنشاه املاک خود را بین کشاورزان تقسیم می نماید و همین وزارت کشاورزی املاک خالصه را بین رعایا قسمت میکند صحیح است که بیایند به ثبت خرده مالکین بدون هیچ مدرک و دلیل اعتراض نموده صدها هزار مردم شمال را بداد گاهها بکشاند و باعث ناراحتی عمومی مردم را فراهم سازند.

جناب آقای وزیر دادگستری قبلاً هم در مجلسش بعرض رسانیده ایم که کار این تجاوز بحقوق عمومی و بی عدالتی بجائی رسیده که اداره کل ثبت اسناد طی بخشنامه بکلیه دوائر ثبت استانها و شهرستانها صریحاً دستور داده است که از صدور اسناد مالکیت و حتی تسلیم اسناد مالکیت مردم برخلاف نص صریح قانون ثبت خودداری نماید.

امیدوارم همان طور که جناب آقای وزیر محترم دادگستری وعده فرمودند باین موضوع رسیدگی دقیق فرموده و اطمینان داریم که نخواهند گذاشت این بی عدالتیها ادامه یابد.

نمونه دیگر از تجاوز بقانون و مقررات مربوط بوصول عوارض و عوارض جنگلی است جناب آقای نخست وزیر آقایان محترم خوب دقت فرمائید. بموجب تبصره منظم بلا یحه بودجه سال ۳۸ اجازه داده شد که بنگاه جنگلها از هر متر مکعب چوب که از جنگل خارج میشود ۲۰۰ ریال دریافت نماید.

بموجب قانون جنگل مصوب تیر ماه ۳۸ بشرح قسمت اول از بندب ماده ۱۰ برای هر متر مکعب چوب ۸۰ ریال عوارض تعیین گردیده است.

بموجب ماده ۲۸ این قانون آن قسمت از قوانین و مقرراتی که مغایر میباشد ملغی گردیده از طرفی بموجب اصول محاکمات جزا از یک جنگل چند عوارض نمیتوان گرفت.

حال سازمان جنگلبانی هم این عوارض قانونی را میگیرد و هم متری ۲۰۰ ریال عوارض منسوخه را.

در تبصره ۴ قانون بودجه سال ۳۷ ذکر گردیده که هنگام صدور پروانه قطع متری ۱۰۰ ریال عوارض گرفته شود و با آن که در ماده ۲۶ قانون مالیات بر درآمد اصلاحی

۲ - شهرداری کلوگه بهشهر نیز عیناً همین تقاضا را دارد.

۳ - اهالی شهر ساری بیش از پنج سال است که متجاوز از چهارصد هزار تومان برای تلفن خود کار بحساب شرکت تلفن در حساب بانک ملی پرداخت نمودند و وزارت پست و تلگراف انجام آنرا بدفع الوقت میگذرانند.

بنده در این خصوص باجناب آقای دکتر اعتبار وزیر محترم پست و تلگراف صحبت کردم امیدوارم با توضیحی را که بایشان داده‌ام و با وعده‌ای که فرمودند بزودی انجام دهند.

۴ - شهرداری بهشهر انتظار دارد که وزارت راه در اسفالت خیابان شهر که در مسیر جاده عمومی است از محل عوارض بنزین هر چه زودتر اقدام نماید تا زیر نامه‌ها و فعالیت‌های تازه‌ای که در سال ۵۰ برای اسفالت کلیه خیابانهای شهر در نظر است اشکالی پیش نیاید.

۵ - شرحی از طرف قضات محترم داده گستری بهشهر در مورد بی‌توجهی دولت نسبت به مزایا و حقوق حقه آنها و مقایسه با سایر خدمتگذاران دستگاههای دیگر که وظیفه خطیر قضاوت بعهده آنها نیست رسیده چون برای تأمین عدالت اجتماعی و اصلاح امور مملکت باید قضات دشوار از هر جهت مرفه باشند از اینرو با تقدیم عین مشروح ارسالیه به مقام ریاست از جناب آقای وزیر داد گستری انتظار دارم که مورد توجه قرار دهند (احسن - احسن)

**نایب رئیس** - آقای نخست وزیر توضیحاتی دارید بفرمائید.

**نخست وزیر** - همانطوریکه اغلب آقایان اشاره فرمودند امر رسیدگی ببودجه یکی از بزرگترین وظایفی است که مجامع شورای ملی بعهده‌داره و بودجه مملکت آئینه کلیه عملیاتی است که دولت در سال مزبور که بودجه بآن مربوط است و نشانه کلیه عملیاتی است که دولت باید انجام بدهد البته این رسیدگی کمال اهمیت را دارد و خوشبختانه باید عرض کنم که بطوریکه از مقدمه کار دیده میشود کمال علاقه و واقعاً دلسوزی از طرف آقایان ابراز و اظهار شده است.

در کمیسیون بودجه موقعیکه کمیسیون تشکیل بود

تیرماه ۱۳۳۷ صریحاً فید شده متری یکصد ریال عوارض منظور در بند ۷ تبصره ۴ قانون بودجه سال ۳۷ منحصر از پروانه قطع درخت چوبهای صنعتی دریافت می‌شود. معیناً سازمان جنگلبانی که سابقاً برای پاک کردن جنگل از درختان افتاده ب مردم جایزه میداد ایتک بر خلاف قانون متری یکصد ریال از بابت درختان افتاده هم می‌گیرد و در مقابل اعتراض مردم قانون را به این نحو تفسیر کرده و دستور میدهد چون درختان افتاده را مردم قطعه قطعه می‌کنند معنی آن همان قطع درخت است و باید پروانه قطع درخت بگیرند.

من نمیگویم از درختان افتاده قابل استفاده عوارض نگیریم ولی میگویم که در مملکت قانونی باید عمل مأمورین و دستگاه منطبق با قانون باشد نه هر کس بتواند خود تصمیم بگیرد و دستور دهد نام آنرا قانون بگذارند.

باید سازمان جنگلبانی طرحی تنظیم نماید و بمجلس پیشنهاد کند همه ما آنرا تصویب خواهیم کرد دولت باید بموازات حفظ جنگلها و مراقبت از بهره برداری صحیح از آن از صنایع خوب داخلی نیز حمایت نماید و چوبهای مصرفی کشور را تهیه بکند و نکند از کشورهای خارج چوب وارد کشور شود و باعث ورشکستگی عده زیادی از خورده مالکین و صاحبان صنایع چوبهای داخلی گردد.

جناب آقای نخست وزیر در موقع بروز حوادث درختان جنگل از مملکت دفاع نمیکنند باید همین جنگل نشینان رنج دیده و فدا کار و همین پیش قراولان مرزی کشور که در سخت‌ترین و بحرانی‌ترین ایام بانثار خون خود به مملکت و شاهنشاه خدمت کردند از کشور دفاع نمایند مطالب راجع به نواقص دستگاههای دیگر مملکت و پیشنهادات اصلاحی دارم چون باید تکلیف لایحه بودجه دولت هر چه زودتر معلوم گردد تا دولت بتواند بامسور مملکت بپردازد فقط بطور اختصار بذكر چند تقاضائی را که از طرف اهالی مازندران به من رسیده اکتفا میکنم:

۱ - شهرداری بهشهر میگوید بابت لوله کشی شهر پولی را که سازمان بر نامه مطالبه کرد بپرداخته ام و با آنکه لوله کشی شهر در برنامه بوده هنوز اقدام نشده است.

مجلس شورای ملی صمیمانه پشتیبانی بکنند و کمک و همکاری بکنند و این خوشبختانه تحصیل حاصل است برای دولت و از این لحاظ هم کمال تشکر برای دولت حاصل است. نکته‌ای که بطور کلی این جابجی را امروز صبح مخصوصاً آقای دکتر دادفر اشاره کردند موضوع رسیدگی بریز بودجه است.

ما بهیچوجه حرفی نداریم، بجه صورت مجلس بودجه رسیدگی کنند ولی یک انتظار فقط داریم و آن این است که در این رسیدگی تسریع بشود، هر نظری هست بفرمائید اعمال کنی و ولی معطل نکنید کار را چون اگر بودجه در اختیار دولت نباشد بهیچ عنوانی نمیتواند دست بهیچ اقدامی بزند (صحیح است) پورسرتیب یک و از دهم هم در دولت را دو انمیکنند صحیح است. البته رسیدگی بریز بودجه امکان میدهد بهر یک از آقایان که در تمام جزئیات امور اظهار نظر بفرمایند ولی اگر جنبه عمل کار را در نظر بگیریم می بینید که این پیشنهادی که امروز صحبت شد عملاً غیر مقدور است زیرا ریز بودجه‌ها بقدری زیاد است که در مجلس که سهیل است در خود کمیسیون بودجه هم بطوریکه در سنوات گذشته معمول بوده است تمامش در خود کمیسیون مطرح نمیشه اند بشود بلکه باید در چهارچوبه‌ای که تصویب میشود کمیسیونهای فرعی بنشینند و بریز بودجه هارسیدگی بکنند و یک چیز منقحی تهیه بکنند که بعد تشریفات تصویب نهاییش در کمیسیون انجام بشود (صحیح است) بنده عرضی ندارم. اگر مجلس شورای ملی میتواند هر روز از صبح تا شام یعنی بعیرانی که کمیسیون بودجه تشکیل میشود و صرف وقت میکند البته چندین مقابل بیشتر برای اینکه وقتی که تعداد زیاد تر شد ناچار مدت رسیدگی طولانی تر خواهد شد اگر آقایان بخواهند بنشینند رسیدگی کنند ما بهیچوجه حرفی نداریم اما بنده اطمینان دارم که این ترتیب هیچگاه به نتیجه نخواهد رسید و عملی نیست این است که بنده خواستم استدعا کنم باین قسمت توجه بفرمائید که دولت از این بابت نظری ندارد ولی اگر این نظر را تأیید بفرمائید که بودجه‌ها بایستی بدقت رسیدگی بشود در نظر بگیرند که در ابلاغ بدولت تسریع بشود ولی تصور نمیکنم رویه‌ای که در سالهای متعادی همیشه متداول

بر خلاف بعضی از ادوار جلسات از اول وقت تشکیل میشود و موجب کمال سپاسگزاری دولت است که در تمام مدت آقایان اعضاء بادلسوزی و علاقمندی حضور داشته و نسبت بتمام مسائل با بر از علاقه و اظهار نظرهایی که میکردند رسیدگی بیوجه بعمل آمد و خیلی اصلاحاتی که در بودجه بنظر دولت هم لازم و ضروری بوده در آن اعمال کردند.

در کمیسیون بودجه این نکته را بنده بعرض آقایان رساندم که برخلاف آنچه گاهی اوقات گفته میشود دولت و مجلس دودسته‌ای که در دو فرونت باشد نیستند (صحیح است) ما همه برای اعتلای این مملکت و ترقی وضع و بهبود این مملکت هر کدام رلی داریم و وظیفه‌ای داریم (صحیح است) همه در یکجهت و بیا یک نظر هر کدام بیک صورت انجام وظیفه میکنیم.

اینست که مسلم بدانید اگر نظریات اصلاحی از طرف آقایان اظهار بشود با کمال میل از طرف دولت پذیرفته خواهد شد (احسن است) و بهیچوجه تعصبی در کار نیست که چرا اینمطلب از طرف خود دولت اظهار نشده است بلکه باید یک همکاری صمیمانه‌ای بین دولت و مجلس برقرار باشد و البته آنچه که از طرف آقایان راهتمایی شود اگر مطالبی باشد که مستدل و مفید تشخیص بشود بلا درنگ از طرف دولت قبول و تأیید خواهد شد (احسن است) در اینجا آقایان محترم مسائل بسیاری را اشاره فرمودند و نکاتی را تذکر دادند که تمامش را بنده یادداشت کردم و بلا تردید قسمت اعظم این تذکرات مطالبی بود که برای دولت می تواند راهنما باشد و مفید واقع بشود و دولت کمال توجه را بآنها خواهد کرد (احسن است) ولی بعضی مسائل هم اظهار شد که ناچار هستم یک مختصر توضیحاتی بعرض برسایم که اذهان در تاریکی و ابهام باقی نماند. البته همین اظهاراتی که در اینجا شد تا اندازه‌ای اگر انصافی باشد مشخص میشود که چه میزان مشکلات ما الان در راه داریم و تا چه اندازه بایستی سعی و کوشش کرد که این نواقص و مشکلات را از بین برد. البته دولت همان امیدواری را دارد و بهیچ عنوانی کوچکترین یأس و تردیدی ندارد که بر تمام مشکلات فائق خواهد شد (نمایندگان - انشالله) فقط بیک شرط و آن این است که آقایان محترم،

این است که استدعا میکنم آقایان باین نکته مهم توجه فرمایند دولت طرفدار تام و تمام آزادی است ولی تا حدودیکه به آزادی دیگران تخطی نشود و بعرض و ناموس و شرف اشخاص تجاوز نشود (احسن است) راجع باعتبارات بانکها و بطور کلی اظهار شد که اعتبارات فقط برای واردات تخصیص داده شده است.

تصور میکنم که این اظهار قطعاً از روی بی اطلاعی است برای اینکه میدانید بعد از تصویب قانون تجدید ارزیابی پشوانه اسکناس ۷۵۰ ملیون تومان برای امور تولیدی نصف برای صنایع و نصف برای کشاورزی تخصیص داده شد و این مبلغ يك مقداری از طریق بانك ملی آنچه مربوط بصنایع بود و اخیراً هم با تاسیس يك بانك جدید که برای امور صنعتی تخصیص داده شده، این پولها بصورت وامهایی بیک پروژهائی داده شد و این نکته هم بایستی اینجا بعرض آقایان برسد که وام باشخاص داده نشد، وام بطرح داده شده است، ما بپهچوجه کاری نداشتیم باینکه اسم تقاضا کننده حسن است یا حسین. البته بانك ملی وام را بکسی میدهد که اعتبار داشته باشد، وام را بکسی که نتواند وام را بر گرداند نمیدهد، اما وزارت صنایع در موقعیکه وام میداد بمقتضی کاری نداشت باینکه این شخص چه کاره است، باینکه آیا معتبر است یا خیر حتی کاری نداشت، فقط کار داشت باینکه این طرح از لحاظ اصول صحیح است یا خیر، و قابل اجزاست یا خیر، از لحاظ اقتصاد مملکت مفید است یا خیر، و از سایر جهات بررسی میکرد میفرستاد بانك ملی، بانك ملی بسهم خودش میدید که مقتضی معتبر است یا خیر، در مقابل هر دیناریکه داده میشد از دو مقابل تا چند مقابل وثیقه معتبر میگرفت، يك دینار از این وامها بدون وثیقه داده نشده است.

الان که خدمت آقایان هستم متجاوز از صد میلیون تومان از وامهاییکه داده شده است مطابق برنامه ایکه پیش بینی شده است برگشت داده شده است و این وجوه مجدداً در اختیار کسانی که در این راهها بخواهند کاری بکنند قرار داده خواهد شد، این است که کمال بی انصافی است که گفته بشود وجوهیکه در این راه داده شده است

بوده است آنرا الان عملانی میشود. تغییر دادولی بهتر تربیی هست هر يك از آقایان اگر نظری دارند چه نسبت بکلی بودجه و چه نسبت بهر يك از دستگاهها با کمال سهولت ممکن است بکمسیون بودجه تشریف بیاورند و هر نظری دارند اظهار کنند و باین ترتیب بنده تصور میکنم که نظر هر يك از آقایان ممکن است بسهولت تأمین بشود.

راجع بمسائلی که آقایان اینجا اظهار کردند در مقدمه ای که آقای مهندس مقدم فرمودند راجع با آزادی اشاراتی فرمودند که بنده ناچارم اینجا توضیحاتی بدهم. موادی از اعلامیه حقوق بشر اینجا خواندند البته آقایان مستحضرنند که خود دولت در برنامه اش تأیید کرده است باینکه خود دولت طرفدار سازمان ملل و تمام آن چیزهایی که از آن سازمان صادر شده است که منجمله همین اعلامیه حقوق بشر است میباشد و این اصولی است که دولت همیشه طرفداری و حمایت خواهد کرد اما فکر میکنم که کمال بی انصافی است که گفته بشود در ایران آزادی نیست (صحیح است) مگر آزادی چه معنائی دارد از پشت همین تریبون مگر هر يك از آقایان آنچه بخاطرشان برسد آنچه که فکر بکنند و آنچه را که مایل باشند مگر نمیتوانند بگویند (صحیح است) مگر آنچه که اینجا گفته میشود منعکس نمیشود؟ چرا آزادی نیست؟ چرا این اظهار میشود آنچه که بخواهند ممکن است اظهار کنند آنچه که نخواهند بگویند ممکن است منتشر بکنند و به هیچ عنوانی دولت از این بابت نه نگرانی دارد و نه اقدامی خواهد کرد (صحیح است) اما يك نکته را من ناچارم اینجا بعرض آقایان برسانم و آن این است که این آزادی باید در يك حدودی باشد که با آزادی دیگران تجاوز نشود (صحیح است) همان روزی که در مقابل مجلس جمعیتی بود مگر دولت جلو گیری کرد مگر اینجا تظاهراتی نکردند مگر بر علیه مجلس و بر علیه دولت اظهاراتی نکردند هیچکس مانع آنها نشد معذالك شنیدم همین پریروز یکی از آقایان نمایندگان محترم خدمت آقای رئیس مجلس شکایت میکردند که اتومبیل ایشان را جلومجلس شیشه اش را شکسته اند و با توهمین کرده اند من بعنوان رئیس دولت نمیتوانم اجازه بدهم که آنقدر آزادی داده بشود که هر چه و هر چه اینجا بشود و به آزادی دیگران تخطی بکنند (احسن است)

در اینجا اغلب آقایان اشاراتی کردند خوشبختانه در این امر قبیل از اینکه خود آقایان مطالبی بفرمایند وزیر مسئول در این مقام مقدس شخصاً اعترافات صریحی کرد برای آنکه بدانید که ما قصد پوشش مسائل را نداریم نمیخواهیم که مردم را در ابهام نگاهداریم؛ اگر مطلبی باشد اظهار خواهیم کرد و با کسی هم از هیچکس نداریم (احسن) البته باید آقایان این را بپذیرند که برای رسیدگی باین قبیل امور يك مختصر وقتی لازم است ولی بدانند و اطمینان داشته باشند که دولت باتمام قوا، تمام کسانی که از قانون تخلف کرده اند و موجب این وضع شده اند تمامرا شدیداً تعقیب خواهد کرد (نمایندگان - انشاءاله) در عین حال میخواستیم عرض کنم که سازمان برنامه اینطور نیست که هیچ اقدامی هم نکرده باشد در مدتی که بر آن گذشته است يك سلسله اقداماتی صورت گرفته که بطرز فهرست و اختصار ناچار هستیم که باستحضار آقایان برسانم البته نباید گفت که آنچه شده است موجب رضایت خاطر اهالی این مملکت است و بسیار ایراد در آن کارها وارد است و تمام اینها بموقع خودش رسیدگی خواهد شد اما انصاف هم نیست که گفته شود هیچ کاری نشده (صحیح است) (امیدسالار - خاطی باید تنبیه شود)

در زمینه کشاورزی و آبیاری برنامه‌های عمرانی در جهت از پیاد محصول کشاورزی به نتایج قابل ملاحظه‌ای رسیده است با اجرای برنامه‌های اصلاح بذور مبارزه با آفات نباتی از قبیل ملخ و سوسن - با مکانیزه کردن کشاورزی از طریق فروش ۴۸۰۰ تراکتور و ۸۵۰ کمباین و تعلیم تقریباً ۹۰۰۰ راننده تراکتور و مکانسین (صحیح است) - با فروش کوه شیمیائی به قیمت تمام شده تولید کشاورزی کشور مدام قوس صعودی را طی کرده است، همچنین از طریق اجرای برنامه کشاورزی زارعین باقون جدید آشناسده و با تکمیل و تجهیز دانشکده کشاورزی کرج کادر مهندسی و تکنسین رو با افزایش است دامپروری نیز مورد توجه است از اعتبارات سازمان برنامه به مؤسسه رازی کمک شده و دانشکده دامپزشکی ساخته گردیده است.

چون پیشرفت کشاورزی ایران بستگی به تهیه آب

تمام بخارج منتقل شده است، بطور میشود چنین چیزی گفت، پس این کارخانجات از کجا درست شده است، یا باید انسان هیچ چیز را نبیند، یا همه چیز را سیاه ببیند، چرا بایستی که اینجا، در پشت این تریبون، این مکان مقدس گفته بشود که آنچه وجود در اینباره داده شده تمام در غیر مورد بوده و بلااستفاده بوده است منجر بورشکستگی شده است و همایش بخارج انتقال داده شده این صحیح نیست.

اینقدر ایجاد یأس و نا امیدى نباید در میان مردم کرد (صحیح است) ما مشکلات بسیار داریم، البته هیچ ادعا نداریم که همه دستگاهها مرتب است بهیچوجه ما خودمان شاید بیشتر به نواقص آگاه باشیم (احسن) ما از عان میکنیم که آنچه شما میدانید ده مقابل آنرا ما میدانیم (احسن) اما باید همت کرد و اصلاح کرد با بد گفتن و ایجاد یأس کردن و نا امیدى ما بجائی نخواهیم رسید مردم را باید امیدوار کرد و آنچه که کرده ایم اقلاً بهمان میزان گفته بشود (احسن)

اینجا گفته شد که فقر بزرگترین دشمن آزادی و ترقی است تصدیق میکنم اما باید دید که در این زمینه قدمی برداشته شده یا خیر طبق آمار دقیقی که الان در دست است اولین بر آورد در آمد ملی در سال ۳۴ برای هر فرد از سکنه این کشور سالیانه ۱۱۶ دلار یعنی معادل ۸۷۰۰ ریال در آمد تخمین شده است و بر طبق مطالعاتی که بوسیله متخصصین فن از دستگاههای مختلف بعمل آمده افزایش در آمد فردی بین سالهای ۳۴ تا کنون در حدود ۶ درصد در سال بوده و در حال حاضر در حدود ۱۵۰ دلار یعنی ۱۱۲۰۰ ریال است؛ اگر مقایسه بفرمائید با میزان افزایش در آمد سرانه کشورهای همجوار خودمان یا ممالک بسیار مرفعی ملاحظه میفرمائید که میزان ترقی در آمد سرانه ما از اغلب ممالک بهتر بوده است (صحیح است) این است که بنده تصور میکنم که ما نبایستی اینقدر بدبین باشیم و آنچه که شده است همه را فراموش نکنیم و اگر ایرادی، عیبی، نقصی در کار هست این را دور بزنیم و بدبین بگذاریم و چندین مقابل بزرگ کنیم و چند مرتبه تکیه بر این کنیم راجع سازمان برنامه

و توسعه آبیاری دارد طرح ساختمان سد های بزرگ از قبیل کرج که تادوماه دیگر تمام است و سفیدرود و دز مورد اجرا گذاشته شد و برای تشویق صنایع کشاورزی ساختمان کارخانه شیر پاستوریزه و کارخانه کنسرو و مراغه آذر شهر - مشهد - اصفهان کارخانه بسته بندی خرما شهر اقدام گردیده است. ضمانت در مشهد شیراز - اهواز - کرمانشاه چهار سیلو به ظرفیت هشتاد هزار تن ساخته شده است

در زمینه ارتباطات قریب هزار کیلومتر راه آسفالتی و بیش از یک هزار و چهار صد کیلومتر شوسه درجه ۲ ساخته شده بیش از بیست عدد پل از قبیل پل کرج و پل زاینده رود تمام گردیده است

با اعتبارات سازمان برنامه ساختمان و تکمیل راه آهن شاهرود به مشهد و میانه به تبریز با تمام رسیده تجهیزاتی از قبیل ۹۷۰ واگن باری و ۱۵۰ واگن مسافری خریداری و تحویل بنگاه راه آهن شده. فرودگاه های بین المللی مهر آباد و آبادان و فرودگاه های درجه اول اصفهان و شیراز ساخته و مجهز شده اند با تکمیل و تجهیز دو بندر خرمشهر و شاهرود ظرفیت بارگیری این دو بندر از هفتصد و شصت هزار تن به یک میلیون و چهار صد هزار تن افزایش یافته است. جهت تقویت شبکه تلگرافی کشور با خرید کابل گیرنده های تلگرافی و تلفونی و دستگاه های ترمینال و پله تایپ و تلکسن. بوزارت پست و تلگراف کمک شده است.

در زمینه تقویت بنیه صنعتی کشور اقدامات اساسی زیر انجام شده است:

ساختمان و نصب کارخانه گونی باقی شاهي بظرفیت هفت میلیون متر چغائی - ساختمان و نصب کارخانه چیت سازی تهران بظرفیت سی و شش میلیون متر چیت - ساختمان و نصب کارخانه رنگرزی و چاپ شماره ۲ شاهي بظرفیت پنجاه میلیون متر چیت - ساختمان و نصب کارخانه سی هزار دو کی شاهي - تکمیل و تجهیز کارخانه نساجی به شهر

کارخانه های قدیم و دشت قبا - کرمان - چناران توسعه یا ساخته شده اند

دو کارخانه سیمان منجیل و دورود ساخته شده و کارخانه سیمان ری تکمیل گردیده است

در زمینه امور اجتماعی تا کنون ۴۸ درمانگاه - بیمارستان و آموزشگاه بهداشتی ساخته شده با اعتبارات سازمان برنامه با مالاریا - سل - آبله - دیفتری مبارزه اساسی و دامنه ها را انجام گردیده چنانکه برنامه مبارزه با مالاریا در کلیه نقاط مالاریا خیز در ۲۳۵۰۰ دهستان با تمام رسیده و اکنون برنامه ریشه کنی و مراقبت در جریان است همچنین در سراسر کشور نوبت اول تلقیح آبله تمام شده

در زمینه فرهنگ با اعتبارات سازمان برنامه شاگردان اول دانشکده ها، تعدادی استاد دانشگاه و کارمند وزارت - خانه بخارج اعزام شده اند. بموسسه فرهنگی و ورزشی کمک شده و مدارس حرفه ای تجهیز شده اند بعلاوه ۵۷۰ مدرسه ساخته شده و به دانشگاه تهران برای ساختمان دانشکده ها کمک شده است به ۹۰ شهر برق داده شده و تا هشت ماه دیگر به ۷۸ شهر دیگر برق داده خواهد شد در ۱۴ شهر لوله کشی انجام شده و در ۶۴ شهر طرح لوله کشی در دست اجراست. در ۷۰ شهر طرح آسفالت خاتمه یافته ۱۲ طرح متفرقه از قبیل ساختمان حمام و کشتار گاه تمام شده است.

در زمینه عمران منطقه ای در خوزستان برنامه عظیم کشت نیشکر در سطح ۲۵۰۰ هکتار هم اکنون تمام شده و کارخانه قند نیشکر و تصفیه در شرف اتمام است. ساختمان سد دز طبق برنامه پیش می رود و با اتمام آن آب و برق منطقه وسیعی تامین خواهد شد.

در بلوچستان و سیستان نیز طرح های بسیار مفیدی از قبیل حفربیش از دو سیست حلقه چاه عمیق در دهات و ایجاد مزارع نمونه کشاورزی و ایستگاه های هواشناسی تمام شده است (ریگی) - چاه های گلی که فرمودید در بلوچستان زده شده آزمایشی بوده و از آنها استفاده نشد) راجع به ذوب آهن سوالی کردند که ناچار هستیم توضیحات بیشتری بعرض آقایان برسانم - طرح ذوب آهن یکی از طرح های است که در اغلب ممالک که بدون مطالعه کاری کرده اند. مواجه با مشکلات عدیده ای شده اند هستند در ممالک نزدیک که کارخانجات ذوب آهن بوجود آورده اند و الان و بال گردن آنها شده است یعنی علاوه بر اینکه نمیتوانند از تمام ظرفیت آن استفاده کنند مبالغ مهمی



مخسارت سالیانه در این باب باید بدهند و برای اینکه ما از این تجربیات دیگران استفاده کنیم و عملی که منجر به يك ضرری شود از ما صادر نشود ناچار بودیم باینکه مطالعات دقیقی صورت بدهیم و اقدامی که میکنیم با مطالعه دقیق باشد.

از سال ۱۳۳۴ مطالعات برای ساختن کارخانه ذوب آهن به مبنای نود هزار تن محصول شروع گردید و برای تامین مواد اولیه مطالعاتی در معادن ذغال سنک الیگا و گاجره و معدن آهن شمس آباد انجام ولی چون در اواخر سال ۱۳۳۷ قرار شد میزان محصول کارخانه به دوست هزار تن تا سیصد هزار تن افزایش یابد و ذخیره ذغال معادن انیگا و گاجره کافی نبود عملیات شناسائی ذغال به حوزه زیر آب و گلندرد منتقل و در مطالعات اولیه وجود مقدار ذخیره قابلی در حوزه زیر آب محرز گردید لذا کارهای شناسائی از لحاظ کمی و کیفی و تعیین ذخیره از سال ۱۳۳۸ در زیر آب توسعه داده شد و فعلاً هم ادامه دارد برای مطالعات دقیق زمین شناسی و تعیین حتمی ذغال حوزه زیر آب و گلندرد در اوائل سال ۱۳۳۹ قرار دادی با موسسه ماگک منعقد شده که قسمت مطالعات انجام و نتیجه آن بزودی گزارش خواهد گردید.

برای مطالعات ساختمان کارخانه ذوب آهن و تهیه پروژه آن قرار دادی با کنسر سیوم ماگک کروپ از محل مطالعات دولت ایران از کنسر سیوم ماگک کروپ قبلاً منعقد شده بود که با اعزام کارشناسان مختلف و مطالعات لازم پروژه ساختمان کارخانه را در سال ۱۳۳۸ به سازمان برنامه تحویل نموده بودند.

البته تا بحال نتیجه که بدست آمده است اینست که از لحاظ ذغال سنک در زیر آب موجود است و هم چنین از لحاظ کیفیت مائامین هستیم کیفیت متأسفانه به علت وجود مقداری مس در سنگ مزبور ناچار هستیم که يك بررسیهای دقیق تری عمل کنیم تا اینکه از لحاظ ذوب و طرز ساختمان کوره ها و سایر عملیاتی که در عمل بایستی مورد نظر قرار گیرد با اشکالاتی مواجه نشویم. راجع به صنعت قالی آقای مهتدس مقدم اظهار کردند که در کمیسیون بوده چه سؤال کردند ولی جوابی نشنیدند خیلی اسباب تعجب است چون

آقایان که در کمیسیون بوده تشریف دارند شاهد بوده اند که توضیحات کافی خود بنده بایشان دادم ولی اگر قانع نشدند مطلب دیگری است نفرمایند که توضیحاتی داده نشده ممکن است که توضیحات بنده مقنع نبوده است بنده عرضی ندارم ولی توضیحات کافی آنچه بنظر رسید به عرض ایشان رساندم الان هم در این خصوص توضیحات بیشتری عرض میکنم که آقایان میدانند صنعت قالی بآن صورتیکه در سالهای قبل بود نخواهد توانست به عمر و حیات خودش ادامه بدهد صنعت قالی بصورت صنعت روستائی باقی خواهد ماند و در داخل منازل روستائیا و افرادی که نمیتوانند کارگاه بزرگ داشته باشند این صنعت را میتوانند حفظ کنند این صنعت بعلت طبیعتش نمیتواند به صورت يك کارگاه بزرگ با این گرانی که دستمزدها پیدا کرده اند ادامه پیدا کند خیلی از صنایع هستند که به تدریج یا تقلیل پیدا میکنند و یا بکلی از بین میروند چنانکه الان (د کتر متین - صنایع ابریشم) صنایع ابریشم یکی از نمونه های بارزش است و باز مثلاً در گذشته محمل بافی کاشان، ترمه، خوب چیزهایی بود که در ایران متداول بود ولی الان یک زره اش پیدا نمیشود.

تمام اینها تقلیل پیدا کرده الان محمل را در خود کاشان باماشینهای جدید و مدرن می بافند البته محصولش هم بسیار خوب است ولی آن محمل کاشان که در سابق بود يك مترش دیگر نه بافته میشود و نه پیدا میشود این است که تعقیب اینکه حتماً شما صنعتی را که بصورتی که چند صد سال پیش بوده است آنرا حفظ کنید موردی ندارد باید آن را تقلیل داد و یا تبدیل به يك صنعتی کرد که قابل دوام باشد و بتواند در بازارهای دنیا رقابت کند، این است که ما از لحاظ صنعت قالی نمیتوانیم انتظار داشته باشیم که يك کارگاههای بزرگی را تشکیل بدهیم و اینها را تقویت کنیم (بیات - يك کنترلی روی رنگهای ثابت بفرمائید) اما اینکه به کسانی که در این امر اقدام میکنند مساعدتی نشده است بنده ناچارم تاکید کنم برای اینکه اگر تقاضائی برسد برای کمک به صنعت قالی البته دولت به آن توجه خواهد کرد و نکته ای که لازم است به آن توجه شود این است که تقاضای بایستی اعشاری داشته باشد که يك وام

در شورای عالی نظارت میکنند کلیه بودجه ها و هزینه ها و غیره باید بتصویب آن شورای عالی رسیده باشد.

می خواستم استدعا کنم اگر نظریاتی آقایان دارند باید حتماً از نمایندگانی که در آن شورا هستند بخواهند که این نظریات آقایان را تأمین بکنند و از این آقایان بایستی گزارشی خواسته شود که بمجلس شورای ملی گزارش داده شود که جریان آنجا از چه قرار است، اگر ایرادی در کار است بازخواست بفرمائید نماینده ای که از مجلس در شورای عالی می رود برای همین منظور است که نظریات آقایان را تأمین کند اگر کسی در انجام وظیفه اش خدای نکرده قصور کرد البته نتیجه بدعاید خواهد شد بنده معتقدم که در اینکار باید کمال سخت گیری صورت گیرد ولی یک نکته را هم فراموش نفرمائید یک دستگاهی است که خدماتی کرده و می خواهد در آینده هم خدماتی بکند بنده مختصری از آنچه که مربوط بشرکت نفت است و آن چه که کرده اند باستحضار آقایان میرسانم و از زمینه فرمایشاتی که فرمودند تأیید و تأکید میکنم که تمام رسیدگیهایی که مورد نظر است و مورد علاقه آقایان است صورت خواهد گرفت و بهترین صورتش نظارتی است که نمایندگان خود آقایان در شورای عالی نفت خواهند کرد (آصف وزیری در اقلیت هستند) بهیچوجه، هر کس که شخصیت داشته باشد ولو یک نفر باشد نظر صحیحی داشته باشد و دلیل موجه داشته باشد مجبورند که اطاعت کنند.

شرکت ملی نفت ایران بموجب قانون مصوب نهم اردیبهشت ۱۳۳۰ بوجود آمد تا تأسیسات صنعت نفت ایران را که ملی شده بود در اختیار بگیرد. تجدید فعالیت صنعت نفت ایران پس از تصویب قانون قرارداد و فروش نفت با کنسرسیونم آغاز شد و بموجب همین قرارداد علاوه بر نظارت دقیق بر عملیات شرکتها، عامل نفت اداره کلیه امور غیر صنعتی در حوزه قرارداد از قبیل امور مربوط به نگهداری و ساختمان منازل - راه سازی - بهداری - فرهنگ - رفاه اجتماعی - امور مربوط بکارگران - تهیه وسایل نقلیه - آب و برق و سایر امور از این قبیل که در حدود نصف عملیات بر صنعت نفت در حوزه قرارداد شامل می گردد بمعهده شرکت ملی نفت ایران محول گردیده باین ترتیب در سال جاری برای

بزرگی بگیرد ولی اگر وامهای کوچکی بخواهد بدون تضمین و وثیقه ای بخواهند میتوانند وامهای کوچک بگیرند و از این جهت بنده اینجا خواستم توضیح بدهم که برای ادامه صنعت قالی و برای احیاء و حفظ آن آنچه که دولت بتواند کمک خواهد کرد ولی اینکه این صنعت را به صورت یک صنعت بزرگ بخواهیم حفظ کنیم این غیر ممکن است البته سؤال دیگری کرده بودند کارخانجاتی که بوجود آمده است اینها چه تأثیری در صرفه جوئی ارز کرده اند، این ارقامی است که بنده رسماً به اطلاع آقایان میرسانم و در اینجا به خوبی نشان داده میشود که کارخانجاتی که بوجود آمده است چه میزان محصول آنها موجب شد که مازاد واردات مستغنی کند و تا چه میزان اثر در صرفه جوئی ارز کشور داشته است البته در این کتاب آمار که اینجا هست و هر یک از آقایان که بخواهند می توانند داشته باشند، جزء و ریز یکایک کارخانجاتی که از طریق این وامها بوجود آمده اند با ذکر صاحبش و تمام مشخصات کارخانجات، میزان معمول و غیره اینجا محفوظ است، ولی بطور کلی از صنایع نساجی مشهد، شیمیائی و داروئی، صنایع غذایی، ساختمانی، پلاستیک و لاستیک استخراج فلزات، چرم سازی، چوب و کاغذ و مقوا جمعاً ۱۹/۰۳۸/۳۵۰/۰۰۰ ریال که ارزش سالیانه محصول این کارخانجات است یعنی معادل نزدیک ۲۵ میلیون دلار ارزش آنها میشود محصول بدست می آوریم البته آنچه از این کارخانجات خارج میشود تمام اینها آن چیزی نیست که جانشین وارداتی شود که در مقابل او ما ارز بخارج صادر میکنیم ولی اگر نصف این محصول را هم تصور کنیم محصولی است که باید از خارج وارد میکردیم نزدیک ۱۲۰ میلیون دلار ما هر سال فقط در اثر بوجود آوردن همین کارخانجات در ارز کشور صرفه جوئی میکنیم این رقمی بود که خواستم در جواب سئوالی که کرده بودند باطلاعشان برسانم راجع بشرکت ملی نفت بیانات بسیاری اینجا شد و ضمن تأیید اینکه اقداماتی که در آنجا شده است ممکن است موردی باشد که قابل ایراد باشد ولی آقایان بخوبی مستحضرنند که شرکت ملی نفت قانون خاصی دارد که به تصویب همین مجلس رسیده است و طرز کار و اداره آن در آن قانون پیش بینی شده است و از طرف همین مجلس و مجلس سنا دو نفر آنجا

از لحاظ توزیع باید ترتیبی داده شود که در تمام نقاط کشور اهالی مملکت که صاحب این همه منابع نفتی است به سهولت دست یابند بهر میزان مواد نفتی که مورد احتیاجشان باشد نیابند و از این جهت البته نباید انتظار داشته باشند که در عرض یکروز بشود تمام این احتیاجات را رفع کرد ولی اگر میزان مصرف نفت را در این سه سال اخیر ملاحظه بفرمائید توجه میفرمائید که تاجه میزان مصرف نفت کشور افزایش یافته است و بایستی که وسیله توزیع این مقدار را تامین کنند، سئوالی شده بود راجع بکنفرانس اوپک OPEC که اخیراً این دستگاه برای چه بوجود آمده است و چه کاری میکند البته سئوال بسیار موردی بوده و فرصتی بمن داده است که توضیحی در این باره بعرض آقایان برسانم

تقلیل قیمت نفت خام در خاورمیانه در بهمن ۱۳۳۸ سبب کاهش معتدبانه درآمد کشورهای این منطقه از بزرگترین ممبر عایدی خود یعنی نفت گردید و چون این تقلیل بدون اطلاع قبلی آنها صورت گرفته بود آنرا غیر موجه و غیر عادلانه می دانستند بشرکت های نفتی شدیداً اعتراض و تقاضای برقراری قیمت سابق را نمودند ولی با کمال تأسف بجای آنکه قیمت ها بمیزان اولیه برگشت داده شود شرکت های نفتی در مردادماه ۱۳۳۹ تقلیل جدیدی باز هم بدون مشورت قبلی دول خاورمیانه اعلام داشتند و در حقیقت در طی یکسال و اندی قیمت نفت خام رادر هر بشکه نفت صادراتی بمیزان سی-سنت آمریکائی که بیش از بیست ریال است کاهش دادند. این اقدامات پی در پی شرکت های نفتی بدون جلب نظر و موافقت دول خاور میانه سبب شد که تمایلات درونی دول مزبور که از چند سال قبل برای همکاری نزدیکتر با یکدیگر ایجاد شده بود قویاً تقویت گردد.

بنابعد عوت دولت جمهوری عراق نمایندگانشان دول عراق - ایران - کویت - عربستان سعودی و ونزوئلا از ۱۹ تا ۲۲ شهریور ماه گذشته در بغداد دورهم گرد آمده سازمان کشورهای صادر کننده نفت را بوجود آوردند. اعضاء سازمان طی قطعنامه های مصوبه اعلام داشتند که در برابر رویه شرکت های نفتی در مورد تغییر قیمت نفت بی اعتناء نخواهند بود و تدابیری اتخاذ خواهند کرد که از نوسانات

این امر در حدود پانزده هزار نفر کارمند و کارگر به کارکنان شرکت ملی نفت اضافه گردیده و وظیفه سازمان های امور اداری و امور مالی شرکت را چند برابر نموده است.

درباره تولید و اکتشافات شرکت ملی نفت در البرز و سراج و فعالیت هایی نموده و به منابع پر ارزش نفت سبک و گاز دست یافته که بزودی گاز این منابع به بازار عرضه خواهد شد و این خود در اثر سرمایه گذاری هائی بوده که اینک موقع بهره برداری از آن شروع می شود. علاوه بر این در غرب کشور یعنی در منطقه کرمانشاه و نفت شاه نیز به منظور توسعه و افزایش میزان تولید و بهره برداری نفت اقدام بحفر چاه های تازه گردیده و با تغییراتی که در پالایشگاه کرمانشاه داده شده ظرفیت تولید و تصفیه نفت در این منطقه بدو برابر افزایش یافته است شرکت ملی نفت در این مدت کوتاه با عقد قراردادهای جدید که با شرکت های خارجی بر اساس ۲۵ درصد و ۷۵ درصد منعقد نموده بالغ بر ۱۸۷۵ میلیون ریال نیز از بابت پذیره نفت عاید کشور نموده است.

یکی دیگر از فعالیت های شرکت ملی نفت پخش و فروش مواد نفتی است که میزان مصرف آن در داخله کشور بسرعت زیاد افزایش می یابد. برای حمل و عرضه کردن این مواد از چند سال پیش شرکت ملی نفت اقدام با ایجاد ۵۶۶۵ کیلومتر خطوط لوله نفت نموده و سرمایه های که در این مورد بکار زفته در حدود ۴۹۶۶ میلیون ریال بوده و باین ترتیب توانسته است احتیاجات مردم ایران را از حیث مواد نفتی بهترین صورت تامین کند. در صنعت نفت ایران در حال حاضر در حدود ۵۸ هزار نفر کارمند و کارگر مشغول بکار هستند که شرکت ملی نفت نسبت بتمامین رفاہ آموزش بهداشت و مسکن این عده نمی تواند بی اعتناء بماند صنعت نفت صنعتی است بسیار مهم و حساس و بمردان کار آزموده نیازمند است. برنامه های عمومی شرکت ملی نفت موجب شده که تعداد کارمندان خارجی صنعت نفت را که در ایران ۳۴۵۲ نفر بودند به ۹۱۸ نفر جمعاً در تمام صنعت نفت ایران تقلیل دهد.

مسائلی راجع به توزیع نفت اینجانب بحث شد، تصدیق میکنم

غیر ضروری قیمت‌ها به نفع تولید کننده مصرف کننده و شرکت‌های نفتی جلو گیری بعمل آید. هدف تشکیل سازمان در حقیقت متحد نمودن سیاست‌های نفتی کشورهای عضو و تعیین بهترین و مؤثرترین وسیله برای حفظ منافع آنها منفرداً و چه مجتمعاً میباشد.

از جمله فواید ایجاد سازمان میتوان گفت که کشورهای عضو سازمان از این پس در مقابل شرکت های نفتی یکو تنها نخواهند بود و هر اقدامی برای تأمین منافع و مصالح آنها که ضرورت داشته باشد بطور دسته جمعی و مؤثرتری صورت خواهد گرفت و از طرفی سازمانی خواهد شد که نماینده هشتاد درصد ذخائر نفتی و هفتاد درصد صادرات فعلی نفت دنیا است. از این گذشته ممالک عضو با مبادله اطلاعات میتوانند منافع خود را در مقابل شرکت‌های نفتی به نحو مطلوب تری حفظ نمایند و از این پس شرکت‌های نفتی نخواهند توانست يك کشور نفتی را در مقابل کشور نفتی دیگری قرار داده منافع خود را از این راه حفظ نمایند نکته سومی که میتوان ذکر نمود این است که هر يك از کشورهای نفت خیز خاور میانه به تنهایی احتیاج بانجام مطالعات مختلفی دارند که بسیار گران تمام می شود و دبیر خانه سازمان که اخیراً تشکیل و بوسیله هیئت عامله مرکب از نمایندگان عضو اداره میشود میتواند این مطالعات را برای آنها بنفع همگی انجام دهد و در حقیقت از هم اکنون دامنه این مطالعات گسترده شده و مسائل مهم و بفرنج قیمت گذاری نفت خام و طرز جلو گیری از تقلیل قیمت و موضوعات مشابه تحت مطالعه دقیق قرار گرفته است.

این بود فلسفه بوجود آمدن این تشکیلاتی که بطور خلاصه اوپک اسمش را گذاشته اند و اینکه گفته شد سهم بندی محصولات نفتی در نظر است بهیچوجه صحت ندارد اینجا راجع به پالایشگاه آبادان اظهاراتی شد و اگر چه سوالی در این خصوص شده است که بموقع خود مشروحاً و مفصلاً توضیح داده خواهد شد ولی خالی از فایده نمیدانم که مختصر اشاره ای به این مطلب که اینجا گفته شد بکنم در اثر اختلافی که با دولت عراق راجع به حقوق خودمان در شط العرب داشتیم و تصمیمی که دولت در چندی پیش اتخاذ نمود راجع به امور بندر داری بندر آبادان این

اختلاف بصورت حادی ظاهر شد، بلافاصله مذاکرات رسمی از طرفین شروع شد و خوشوقتم که باطلاع آقایان برسانم که در این مذاکرات از طرفین از ابتدای امر کمال حسن نیت مشهود بود و بخوبی این حسن نیت حفظ شد و بعد از مذاکراتی که صورت گرفت توافق حاصل شد که راجع به کلیه اختلافاتی که با هم داریم از طرف دولت عراق هیأتی به تهران بیایند و راجع به کلیه مسائل منجمله همین مطلب که در رأس آن خواهد بود مذاکره کنند و بعد از توافقی که در این خصوص بعمل آمد اشکالی که در ابتدا پیش آمده بود او را رفع کردیم و الان بطوریکه در روزنامه هاهم ملاحظه فرمودید چند روزی است که پالایشگاه جریان عادی خویش را از سر گرفته و اشکالی که در میان بود مرتفع شده است ضمناً این را باستحضار آقایان برسانم که این مدتی که این پیش آمد کرد البته خساراتی وارد شده است که همه اش قابل جبران است و تا چندی بعد طبق برنامه ای که با کنسرسیوم تهیه کرده ایم تمام این عقب افتادگی جبران خواهد شد و در این صورت بهیچوجه من الوجوه تقلیلی در برنامه صادرات موجود ما پیش نخواهد آمد (الموتی - روزی يك میلیون تومان خسارت وارد شده) رقم قطعی را بخاطر ندارم ولی طبق برنامه ای که تهیه کرده ایم همه اش جبران خواهد شد راجع بنه بیمه های اجتماعی اینجا مذاکراتی شد در این خصوص هم لازم میدانم که باستحضار آقایان برسانم این مؤسسه یکی از مؤسسات بسیار بسیار مفید اجتماعی مملکت است و اگر ایراداتی دارد و نواقصی دارد البته باید مرتفع شود ولی حتماً بایستی که از همه جهت اورا تقویت کنیم برای اینکه يك مؤسسه ای است که سلامتی و آتیه کارگران ما را میتواند تأمین کند يك مختصری راجع باین مؤسسه هست که باستحضار آقایان میرسانم.

سازمان بیمه های اجتماعی کارگران تحت نظر شورای عالی که دوفقر از اعضاء آن از نمایندگان دوره بیستم مجلس شورای ملی هستند انجام وظیفه میکنند.

طبق ماده ۳۶ اساسنامه سازمان بیمه های اجتماعی هزینه آن به هفت درصد کل وصولی هایش محدود گردیده و هیچگاه از این رقم تجاوز ننموده است سازمان اداری سازمان در دو عمارت استجاری که فاقد هر نوع لوازم تجملی و لوگس

و بعد از بررسیهای بسیار دقیقی که صورت گرفت به این نتیجه ای که حالا به عرض آقایان میرسانم رسیده اند.

در مورد دیزلی کردن راه آهن در تحولات اخیر که لازم بود راه آهن خود را برای بهره برداری بیشتر مجهز سازد و با مطالعات بسیار دقیقی که بوسیله کارشناسان داخلی و خارجی با توجه به شرایط ساختمان و بزرگ خطه بودن راه آهن ایران بعمل آمد بهترین راه استفاده از لکوموتیوهای دیزل الکتریکی تشخیص داده شد و از تاریخ که آنها را به بهره برداری گذارده اند نتایج بسیار رضایت بخشی بدست آمده بطوری که یک دستگاه لکوموتیو دیزل عملاً معادل سه دستگاه لکوموتیو بخار کار انجام میدهد و یک کیلومتر از ماهیانه هر یک دستگاه دیزل حتی بمیزان ۲۱ هزار کیلومتر بالغ میگردند که چهار برابر از حد اکثر کار کرد یک لکوموتیو بخاری بیشتر و از حیث هزینه هم دیزلها راجحان قابل ملاحظه ای نسبت به بخاری دارند چنانچه هزینه سوخت و روغن آلات مصرفی دیزلها ۵ برابر از بخاریها کمتر است و همین رقم به تنهایی در سال در راه آهن بدهدها میلیون ریال بالغ میگردند بطوری که هر لکوموتیو دیزل فقط از محل صرفه جوئی خود در ظرف چهار سال قیمت خود را مستهلک میسازد در صورتیکه زحمت لکوموتیوهای بخار و در سر و سر و سر و سر و سر و سر آنها از حیث نفقات و تهیه آب و سوخت و تعمیرات به مراتب شاق تر و هزینه دارتر از لکوموتیوهای دیزل است و از صرفه جوئی پرسند آن در کارهای فنی دیگر استفاده شده وسطح تعمیرات و سائپ نقلیه دیگر بالا رفته بعلاوه در صحت و سلامت کارگران و مأمورین زحمت کش این مؤسسه بسیار مؤثر افتاده و ابتلائات داخلی ریوی آنها از بین رفته و مسافرت باره آهن سهلتر و مطلوبتر و سریعتر و بدون استنشاق دود و گاز مخصوصاً با توجه به تولهائی که در مسیر راه آهن ماست صورت میگیرند (صحیح است) راه آهن و مأمورین مربوط در اداره امور آن بتخو شایسته از عهده برآمده اند و مایه افتخار است که تمام این امور بدست ایرانی ها و بدون داشتن یک نفر خارجی صورت می گیرد.

این تحول باعث شد درآمد راه آهن از شروع به دیزلی کردن تقریباً بالغ بر دو برابر افزایش یابد و از ۱۹۹ میلیون تومان در سال ۱۳۳۴ به ۳۷۰ میلیون تومان در سال ۱۳۳۹ بالغ

است مستقر گردیده ولی در عوض بیمارستانها و درمانگاهها از هر جهت مجهز به لوازم بهداشتی حتی کولر و شفاژ نموده اند چنانکه در تهران ۱۱۱۰ تخت در بیمارستانهای مجهز و مدرن سرخه حصار - کودکان - امدادی - شماره ۲ و هدایت شبانه روز آماده پذیرائی از کارگران و خانواده ایشانند.

تعداد مراجعین باین بیمارستانها و درمانگاهها روزانه بطور متوسط بالغ بر ۴۷۰۷ نفر است در سال ۱۳۳۹ یک بیمارستان ۶۰ تخت خوابی برای کارگران یک بیمارستان ۱۰۰ تخت خوابی برای کودکان و دو درمانگاه امدادی برای مراجعات سرپائی کارگران افتتاح یافته است ساختمان چهار درمانگاه نیز در سال گذشته در بندر عباس - کاشان - سمنان و خرمشهر آغاز گردیده که قریباً افتتاح خواهد یافت.

میزان وصولی سازمان بیمه های اجتماعی که در سال ۱۳۳۸ برابر با ۵۱۳۹۲۰۴۵۱۳ ریال بوده و در سال ۱۳۳۹ به ۱۳۷۸۱۰۷۳۵۲ ریال افزایش یافته است و این افزایش نشان میدهد که نهایت مراقبت و جدیت در امر وصول حق بیمه از کارفرمایان و صاحبان منافع و کارگاهها بعمل آمده است. در حال حاضر یک میلیون و چهارصد هزار نفر (۱۴۰۰۰۰۰) در مقابل بیماری خود و خانواده خویش بیمه هستند و برای حوادث و از کار افتادگی بایشان غرامت و در صورت فوت کارگر بهر نحوی که صورت گیرد مادام العمر بوریه او مستمری پرداخت میشود.

آقای مهندس مقدم یک سئوالی راجع به لکوموتیوهای دیزل کرده اند که توضیحاتی در این امر لازم میدانم به استحضار مجلس برسانم خود آقایان میدانند که وضع باربری راه آهن در گذشته طوری بود که محدودیتهائی را از لحاظ باربری به علت همین وسایل نقلیه یعنی لکوموتیوهای بخاری داشته اند و چون میزان مصرف آبی که لکوموتیوهای بخاری لازم دارند در خیلی از ایستگاهها مشکلات لاینحلی ایجاد کرده بود مدتها بود در این خصوص بین مهندسین و کارشناسان راه آهن این بحث در بین بود که کدام یک از وسایل نقلیه که مناسبتر با اوضاع و احوال ایران باشد باید انتخاب شود، بخاری باشد یا دیزلی

- گرفته و استفاده و بهره‌برداری از خطوط مشهد و تبریز پس از ریل گذاری بدون معطلی برای ایجاد تأسیسات و سوخت کارخانه عملی گردید.
- معهداً هنوز هم در خطوط جلگه تا حد امکان از لکوموتیوهای بخار استفاده میشود چنانچه ۵۰ دستگاه آنها در سرویس بهره‌برداری است بدیهی است در هر کاری که مطالعه شود صرفه و صلاح کشور در آن تشخیص داده شود باید عملی و اجرا شود.
- در مورد سیاست تثبیت اقتصادی دولت اظهار شد که این موضوع مکتوم مانده است و حال آنکه چه در برنامه دولت قبل و چه در برنامه‌ای که این دولت هم تقدیم مجلس شورای ملی کرد با کمال صراحت باین برنامه تثبیت اقتصادی اشاره نموده است.
- و علت اینکه ما ناچار شدیم يك برنامه تثبیت اقتصادی داشته باشیم این بود که امور اقتصادی از محور اصلی خود بکلی خارج شده بود و يك سلسله تحولات و جریاناتی در امور اقتصادی صورت میگرفت که اینها تمرکز نداشت برای اینکه ما وضع اقتصادی خودمان را بر يك اساس صحیحی مستقر بکنیم يك برنامه‌ای با کومک کارشناسان خارجی تهیه شد که رؤس مطالبش بایشتر تیب است که به استحضار آقایان میرسانیم.
- سیاست تثبیت اقتصادی دولت که از بدو تصدی اینجانب چه در دولت گذشته و چه در دولت حاضر مورد عمل قرار گرفته و از طرف این مجلس و مجلس سنا مورد تصویب قرار گرفته است بطور خلاصه برای بار دوم با اطلاع آقایان نمایندگان محترم میسر شد.
- ۱ - موازنه جمع و خرج مملکت و حذف هزینه‌های زاید و مراقبت در وصول صحیح مالیاتها و بالجمله تعادل بودجه و تأمین سلامت وضع مالی کشور.
- ۲ - تأمین موازنه پرداختهای ارزی کشور.
- ۳ - اقدام بکنکثیر تولیدات کشاورزی و صنعتی از طریق ترغیب افراد سرمایه گذاری در امور تولیدی و تأسیس شرکت‌های تعاونی و افزایش سطح کشت و استفاده بیشتر از زمینهای زیر کشت باینکار بردن کود شیمیائی و استفاده بیشتر از ماشینهای زراعتی و اصلاح بذر و حفرتعداد
- زیاد چاههای عمیق
- ۴ - مراقبت در تصمیم صحیح اعتبارات بانکها و تخصص قسمت عمده آنها بکارهای تولیدی اعم از کشاورزی و صنعتی بطوری که توسعه اعتبارات همگام با بسط اقتصاد عمومی کشور باشد.
- ۵ - توجه مخصوص با افزایش حجم صادرات کشور و استخراج معادن و تکنیک تولیدات دام برای تحصیل مقدار ارز بیشتر
- ۶ - پرداخت دو هزار ملیون ریال از بدهی دولت بانک ملی ایران که این مبلغ علاوه بر اعتبارات موجود بانک در کارهای تولیدی مصرف شود.
- ۷ - ایجاد محدودیت‌های متناسب بمنظور حمایت از صنایع داخلی و جلوگیری از ورود کالا های تجملی و غیر ضروری.
- ۸ - ایجاد تسهیلات در امر سرمایه گذاری و تهیه کادر فنی برای اداره امور صنایع.
- برای اجرای این برنامه تثبیت اقتصادی يك سلسله تصمیماتی از طرف دولت اتخاذ شده است که البته شاید در خارج زیاد منعکس نشده باشد ولی جزء مسائلی است که در اجرای این برنامه مورد نظر دولت است مثلاً خرید اتومبیل در سال جاری بکلی ممنوع شد بدون اینکه از لحاظ قانونی محدودیتی داشته باشیم ولی برای اینکه بتوانیم صرفه جوئی کنیم در هزینه‌های یکی از اقلامی که بطور کلی در سال جاری ممنوع شده است خرید اتومبیل است (صحیح است) راجع به اعزام اشخاصی که بخارج میرفتند آقایان دوسه مرتبه در این خصوص اظهاراتی فرمودند خواستم با استحضارشان برسانم که مطلب آن چنان نیست که مورد توجه دولت نباشد، خود ما از اعزام افرادی که بی جهت و غیر مفید به خارج مأمور شده بودند جلوگیری کردیم و این کار ادامه پیدا خواهند کرد در تمام مسائلی که بتوان صرفه جوئی کرده صرفه جوئی میکنیم و هر موردی را که آقایان راهنمایی بفرمایند بدانند که با کمال میل استقبال خواهد شد (احسن است)
- آقای گرکانی نسبت بار قام بودجه اظهاراتی فرمودند که این ارقام ملاکی ندارد البته آن قسمت مربوط بدارآمدش

اداره کل قندوشکر جمعاً و خرجاً در بودجه کشور منظور و از بابت مخارج خود دیناری از خزانه داری کل نمیگیره و از فروش قندوشکر مخارج خود را پرداخت و مازاد را به خزانه داری کل بمبلغ پیش بینی بالاتحویل میدهد.

در آمدی که برای این مؤسسه در سال ۱۳۳۹ در بودجه پیش بینی گردیده بود ۳۶۰۰ میلیون ریال بود مؤسسه مذکور در سال گذشته موفق گردیده که مبلغ ۴۰۰ میلیون ریال عاید خزانه دولت نماید و این رقم نسبت بدرآمد سال ۳۸ که ۳۶۸ میلیون ریال است ۳۷۰ میلیون ریال زیادتر است و ضریب افزایش در آمد مؤسسه مذکور در سال ۱۳۳۹ نسبت به سال ۱۳۳۸ ده درصد است.

در سال ۳۴۰ در آمدد خانیاث ۲۰۰ میلیون ریال پیش بینی گردیده و این رقم نسبت بدرآمد سال گذشته که ۴۰۰ میلیون ریال کمتر از ده درصد علاوه شده است.

بل توسعه تأسیسات فنی و کارخانجات این مؤسسه و تولید روز افزون سیگار و اقدامات مهمی که برای صادرات معمول گردیده است و یک قلم آن اقدام بصدور کلیه تنباکو های اصفهانی است که سالها در انبارها مانده بود نه تنها وصول این رقم قطعی است بلکه امید فراوان میرود که با حفظ شرایط فعلی رقم وصولی خیلی بیشتر از رقم پیش بینی شده در بودجه باشد.

اینکه فرمودند که این درآمدها واهی است خواستم باز که ارقام با استحضار برسانم که این ارقامی است که با دقت و ملاحظه و وصولی های سال قبل پیش بینی شده است و بهیچوجه من الوجوه یک ارقامی که از هوا گرفته شده باشد تیسرا البته مطالب ایشان را جمع بصدور پیش آگهیها و توافقی با مؤدیان و حتی چند پرونده مالیاتی را که اشاره فرمودند که تمام آنها را یادداشت کردم و بنظر من مطالبی صحیح بود و قابل توجه البته رسیدگی خواهد شد و چون مسئله وصول مالیات ها و تمامی که مأمورین با مؤدیان دارند یک مطلب بسیار مهمی است که باید تحت ضابطه و قاعده صحیحی باشد، این مسئله مورد توجه دولت خواهد بود که هر گونه بی ترتیبی در این امر باشد برطرف کنیم، عرض کنم مطلب دیگری فرمودند که ساختمانهایی شده است و بر خلاف مقررات صورت گرفته

را خواستم برای ایشان توضیح بدهم ارقامی را که پیشنهاد کرده ایم تمام بر اساس ملاکی است که عملکرد سال قبل بوده و تمام اینها با کمال دقت بررسی شده و آنچه که ضمن بودجه تقدیم شده است بهیچ وجه من الوجوه ارقام واهی نیست و با کمال دقت اینها تهیه شده است و اکنون توضیحاتی در این زمینه بعرض آقایان میرسانم، راجع بدرآمد گمرکات دخانیات قندوشکر و دخانیات که مورد استفسار آقایان قرار گرفته بود این توضیحات را بده لازم میدانم این جا عرض کنم.

در سال ۱۳۳۹ حقوق و عوارض گمرکی مبلغ ده میلیارد و پانصد میلیون ریال پیش بینی شده بود که مبلغ ۱۰/۴۳۹/۱۱۶/۷۵۶ ریال وصول و به خزانه داری کل تحویل گردید پیش بینی در آمد سال جاری مبلغ یازده میلیارد و پنجاه میلیون ریال یعنی پنجاه و پنج میلیون تومان بیش از سال گذشته میباشد

(اردلان - ۶۵ میلیون از سال قبل کمتر است نه ۵۰ میلیون) این رقم است هر وقت نوبت حضرت تعالی شد تشریف می آورید توضیح میدید در آمد گمرک ارتباط مستقیم با حجم واردات و فعالیت بازار گانان دارد مبلغ مزبور هم با توجه بچهار صد میلیون دلاری است که برای واردات کشور در نظر گرفته شده است و با اقداماتی که برای جلوگیری از ورود کالا بطور قاچاق بعمل آمده پیش بینی پنجاه و پنج میلیون تومان اضافه نسبت به سال گذشته مبلغ کزافی نیست و غیر عملی بنظر نمیرسد مضافاً اینکه مبلغی بابت حقوق و عوارض گمرکی از مؤسسات و ادارات و وزارتخانه های دولتی طلبکار است که در سال جاری باید وصول شود.

پیش بینی در آمد داخل قند و شکر در سال ۱۳۳۹ بالغ بر هفتصد و هشتاد میلیون ریال بوده است که اداره مزبور توانسته است بجای آن مبلغ هشتصد و هفتاد میلیون ریال یعنی نه میلیون تومان بیش از درآمد پیش بینی شده به خزانه داری کل تحویل دهد و در سال جاری نیز مبلغ ده هزار و هجده میلیون ریال پیش بینی شده که آنهم بر اساس چهار صد هزار تن فروش قند و شکر میباشد.

اضافه در آمد پیش بینی و تفاوت در آمد سال ۱۳۳۹ و ۱۳۴۰ در اثر افزایش مصرف و جلوگیری از بعضی مخارج میباشد زیرا بطوریکه ملاحظه میفرمایند بودجه

و مؤسسه‌ای که از او بهره‌مند میشوند بپردازند و بعقیده بنده در عین حال که بایستی موجبات تحصیل و امکان تحصیل افراد بی بضاعتی که استعداد دارند فراهم کنیم در عین حال هم باید آن کسانی که مستغنی هستند و از این امکانات متمتع میشوند بایستی انتظار این را داشته باشیم مثل همه جای دنیا سهمی در هزینه آن مؤسسه عهده دار باشند و استدعا می‌کنم این موضوع را باین صورت در نیاورند که ماشهریه‌ای که می‌گیریم فقط از مردم بی بضاعت است و از تحصیل جلو گیری می‌کنیم و از این قبیل تعبیراتی که در اذهان اثرات سوء ممکن است ایجاد کند، البته دولت تصریح کرده است در آن تبصره‌هایی که پیشنهاد کرده است باینکه برای افراد بی بضاعت و مستعد موجباتی فراهم کنند نه بآن صورت که آقای فلسفی فرمودند که ابراز تفرق بشود البته باید بیك صورتی باشد که بیچ وجه من الوجوه احسبات آنها را مخدوش نکنند و با آنها این جهت واقعاً نگرانی روحی و چیز دیگری فراهم نکند که نتیجه موجبات تحصیل آنها فراهم نشود راجع به مخارج سرپرستی که اشاره کردند تأیید می‌کنم تا اندازه‌ای زیاده روی شده است و باید تجدید نظر بشود اینکار هم شده ولی توجه بفرمائید که ما ۱۵ هزار نفر محصل در خارج داریم و از آنها باید ناچار سرپرستی کرد و مراقبتی در کار آنها بشود و این کار از ضروریات است

البته سیاست کلی دولت این است که بعرضان میرسانم ما باید سعی کنیم که در داخل کشور دانشگاه‌ها بماند و تکمیل کنیم و احتیاجی به اعزام محصل بخارج نداشته باشیم و این پول هنگفتی که ما هر سال بازار برای این محصلین می‌پردازیم، آنرا محدود کنیم و بحد اقل تقلیل بدهیم فقط برای مطالعاتی که در بعضی از نقاط دنیا ممکن است صورت بگیرد و ما وسیله‌اش را نداریم فقط بآن محدود کنیم و در ایران تمام دانشگاه‌های خودمان را هم بالخصوص آنهاست که در شهرستانها هست مجهز کنیم و نواقص آنها را رفع کنیم تا این که اهالی این مملکت بتوانند تحصیلات عالی‌شان را در خود کشور انجام بدهند ولی تا موقعی که محصل در خارج داریم چاره‌ای نداریم که برای آنها مراقب و سرپرست در نظر بگیریم و مراقبت‌های لازم بعمل بیاییم

است پادشاهی که داده شده است بکلی بی ترتیب بوده است البته بنده صورتی خواسته ام از کلیه ساختمانهاییکه صورت گرفته و توضیح اینکه اینها از چه محلی بوده و مجوز قانونی آنها چه بوده اگر صورتیکه خواهند داد قانع کننده باشد فیه و الا اطمینان میدهم تمام افرادی که از این حیث تخلف از قانون کرده‌اند مورد تعقیب شدید قرار خواهند گرفت، راجع به پادشاهی که ذکر فرمودند و شاید در کمیسیون بودجه مطرح شد و توضیح حائیکه دادیم و مذاکراتیکه صورت گرفت باین نتیجه رسیدیم که تبصره‌ای در خود بودجه پیشنهاد شد و خدمت آقایان است که اگر تصویب بفرمائید نظر آقایان تأمین خواهد شد البته قبل از تصویب این تبصره بنده دستور داده بودم که در آخر سال گذشته بخشنامه‌ای صادر کنند و از پرداخت این قبیل پادشاهی جلو گیری کنند البته اگر از این بخشنامه عدول شده باشد یا تخطی شده باشد یکایک مسئولین مؤاخذه خواهند شد راجع به پادشاهییکه از محل دودرصد مالیات هاداده شد که کاملاً ایراد حضرت تعالی صحیح بود زیرا مقداری از مالیاتهای مستقیم که از طرف مؤسسات و بانکها و غیره پرداخت می‌شد برای وصول این وجوه مأمورین وصول زحمتی نداشته‌اند تا پادشاهی بگیرند ولی قانون بآنها این اجازه راداده بود خوشحالتانه در کمیسیون بودجه باین مطلب هم توجه شد و بطوری که آقایان ملاحظه می‌فرمایند ضمن تبصره‌ها تبصره‌ای هست که این قسمت را محدود می‌کند و فقط آن مالیاتهایی که بوسیله مأمورین وصول وصول میشود تنها از آن میتوانند پادشاهی بگیرند آنچه که اتوماتیک پرداخت میشود و بخزانة دولت میرسد، راجع به شهریه مدارس اینجا اظهار شد بنده ناچار هستم توضیحاتی بعرض آقایان برسانم که در هیچ کجای دنیا مدارس عالی و در اغلب ممالک مدارس متوسطه مجانی نیست و بایستی کسانی که استفاده از این امکانات میکنند سهمی از هزینه و مخارج آن بپردازند آقایان اگر تشریف ببرند دانشگاه خودمان در تهران ملاحظه خواهید فرمود هر روزی که دانشگاه دایر هست تعداد زیادی اتومبیل‌های محصلین آنجا هست، چه اشکالی دارد آن کسانی که میتوانند برای آمدن از منزل بدانشگاه و مدرسه سوار اتومبیل بشوند بیک مختصر سهمی هم برای خرج آن دانشگاه



کارهایی که خوب صورت گرفته همین وامهای صنعتی است که داده شده (صحیح است) راجع به مالیاتها فرمودند که قوس نزولی پیموده است بنده بطور خلاصه وصولیهای مالیات مستقیم و غیرمستقیم را باستحضارتان می‌رسانم تا اینکه در اظهاراتی که اینجا می‌فرمائید که يك مقام رسمی است و حضرت عالی هم که قاضی هستید انتظار می‌رود بیاناتی که می‌فرمائید تمام مستند باشد و صحیح باشد یعنی بااطالعات قبلی باشد البته حضرتعالی آزادید که در اینجا هر چه می‌خواهید بفرمائید ولی از حضرت عالی بالاخص این انتظار هست اظهاراتی که می‌فرمائید مبتنی بر اسناد و اطلاعات صحیحی باشد که موجب مشوب شدن اذعان نشود اینکه فرمودید وصولیهای مالیات مستقیم قوس نزولی سیر کرده است بنده اینجا بطور خلاصه آمارش را عرض میکنم که سال ۳۵ میزان وصولی مالیات مستقیم ۱۴ میلیارد بوده در سال ۳۹-۱۸ میلیارد در سال ۳۷-۳۶ میلیارد در سال ۳۸-۳۷ میلیارد در سال ۳۹-۴۴ میلیارد یعنی میزان مالیاتی که دولت وصول کرده در تمام ادوار گذشته قوس صعودی داشته (فلسفی- نسبت بکل بودجه عرض کردم) دولت مالیاتی را که وصول میکند طبق قانونی است که بتصویب مجلس شورای ملی رسیده، قانونیکه اکنون در دست داریم نرخی را تعیین کرده که ما نمی‌توانیم آن نرخ را کم و زیاد کنیم آقایان می‌فرمائید ۹۰ درصد بگیریم ۹۰ درصد میگیریم آنچه که فعلا هست قانونی است که در دست است حد اکثر که میگیرند ۵۰ درصد است و با این میزان این مقدار را وصول کرده ایم بعلاوه تصور بفرمائید مالیات از اموری است که از امروز تا فردا میتوان سه مقابل کرد این جزو محالات است مالیات از جزو مسائلی است که بتدریج ترقی میکند و مردم را عادت میدهند و تربیت میکنند برای اینکه خوششان بطیب خاطر بیایند و مالیات بدهند البته این شرایطی دارد و محتاج به مقدماتی است یعنی بایستی که مردم بدولت خودشان اول اطمینان داشته باشد اعتماد داشته باشند که وجوهی را که میدهند بمصرف صحیحی برسد این کار زمان می‌خواهد؛ وقت میخواهد ولی معذک با تمام شرایطی که وجود داشته است ارقام وصولی مالیات مستقیم ماهر ساله اضافه شده و بمیزان قابل توجهی رسیدند.

راجع به تفریح بودجه که اشاره فرمودند اگر مختصری حوصله میفرمودند بعد از اینکه وضع بودجه روشن میشد آقای وزیر دارائی تفریح بودجه سال ۳۷ را هم که توی کیفشان حاضر دارند تقدیم مجلس خواهند کرد، آقای فلسفی راجع بواهی بودن ارقام بودجه بیاناتی فرمودند که در این زمینه توضیحاتی بعرض آقایان رساندم و دیگر مستغنی از تکرار میدانم خودم را، صورت وامهای دولت را خواسته بودند بنده این صورت را اینجا دارم و اگر آقایان مجله ماهیانه بانک ملی را ملاحظه بفرمایند بر نامه این وامها در آن جا بریز و جزء مشروحاً نوشته شده است و هر کس میتواند که از مبلغ و مقدار و کدام اداره آیامربوط بخود دولت است و یا مربوط به شهرداریها است همه استحضار پیدا کنید و بهر صورت اگر مایل باشید ممکن است این صورت را بدهم که آقا کاملاً مستحضر شوید و وامهای دولت را به بانک ملی سؤال کرده اند آنهم حاضر است و هر يك از آقایان که صورت آنرا خواسته باشید میدهم (فلسفی و ام صنعتی که با شاخص داده شده) آنهم حاضر است اگر حضرتعالی حوصله داشته باشید بنده يك نسخه از این آمار را میدهم خدمتان، بشرط اینکه قول بدهید افلا یکساعت صرف وقت بفرمائید و این را بخوانید و به بینید و جوهی که برای کارهای صنعتی داده شده است برای چه کاری داده شده است بچه اشخاص داده شده است بکار صنعتی داده شده است بچه کسی داده شده؛ برای چه داده شده؛ در چه تاریخی داده شده است بنتیجه رسیده حالا در چه حال است و چه مقدار برگشت داده شده تمام اینها هست بسیار متأسفم که در کمیسیون بودجه از طرف آقایان اظهار شد که این مؤسسات دولتی نبایستی اینقدر نشریه بدهند بیرون بنده هم تأیید کردم بسیار خوب اما ملاحظه بفرمائید که با دادن نشریه برنامه که برای هر يك از آقایان فرستاده می‌شد معذک اینهمه سوء تفاهم پیش می‌آید پس ملاحظه بفرمائید که گاهی وجود این نشریهها چقدر لازم و ضروری است بهر صورت بنده يك نسخه از آنها را می‌فرستم برایتان اینجا تمام جزئیات و هر گونه اطلاعی بخواهید چاپ شده و حاضر است و چیزی نیست که زیر جلی از طرف کسی بطور مبهم کاری شده باشد و بنده خیال میکنم یکی از

اگر نیامد بر دولت هرجی نیست ولی بهر صورت این وامهای کوچک یکی ازیر نامه های بسیار مفیدی است که طبقه متوسط در مملکت بوجود می آورد زیرا برای اعطای این وامها مشکلاتی در بین نیست و وثیقه ای نمیخواهد مثلا يك آهنگر میتواند دو آهنگر دیگر را که از رفقای خودش باشد اگر ضامن معرفی کند وامش را بگیرد احتیاجی باینکه وثیقه ملکی بعد نیست و از این جهت وامها بسیار مفید بوده و چیزی که اسباب خوشوقتی است این است که این وامها تمام مطابق برنامه ای که بوده بر گشت داده شده یعنی يك مو برد نداشتیم که تعبداتی داشته اند انجام نداده باشند و این امر میرساند که اخلاق طبقه متوسط بسیار بسیار خوب است (صحیح است) آقای فلسفی راجع بدستگاه داد گستری تنقیداتی فرمودند البته خود حضرت تعالی که سالپادار آنجا خدمت کرده اید فاعده بر همه مشکلات آنجا هم واقفید ولی برای اینکه آقایان مستحضر شوند که در عرض این سنوات توجه کافی بدستگاه داد گستری شده است و بعمرانی که مقدمور بوده است برای رفع احتیاجات اهالی کشور و فصل دعاوی که موجود می آید تا آنجا که مقدمور بوده است تشکیلات خودش را توسعه داده است بنده اینجا آماری دارم که سازمان های قضائی را در سال ۲۸ و ۴۰ مقایسه کرده و نیز افزایش آنرا نشان میدهد

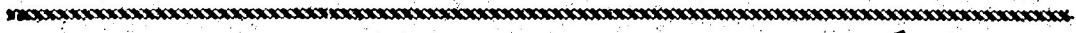
راجع بعیزان وام ها که فرمودید اینجا خلاصه ای از ارقام وامها باستحضارتان میرسانم جمع توصیه هائی که به بانک ملی شده برای وامهای بزرگ ۲۹۸ توصیه است بمبلغ ۵۸۱۷۳۸۰۷۰۰ ریال که به چهار قسمت مهم میشود تقسیم کرد قسمت عمده و اساسی قسمت نساجی است که ۸۲ توصیه بمبلغ ۲۱۰۶۴۷۴۸۰۰ ریال قسمت فند ۱۱ توصیه بمبلغ ۱۵۶۰۵۰۰۰۰۰ ریال در معادن ۲۲ توصیه بمبلغ ۱۵۶۵۸۰۰۰۰ ریال سایر صنایع ۲۱۱ توصیه بمبلغ ۲۳۶۸۸۴۸۴۰۰ ریال از این مبالغ از پشتوانه اسکناس پرداخت شده ۵۰۱۶۳۲۱۱۰۰ ریال که از این وامهای پرداختی در این دوره عمل مبلغ ۱۰۷۰۵۰۵۸۴۱۷ ریال به بانک بر گشت داده شده و تا بحال بی بیچ عنوان سوخت و سوز نداشته ایم قسمت دیگر برنامه وامهای کوچک بوده است که بطور خلاصه ۱۲۱۹ توصیه بوده به مبلغ ۳۸۲۷۳۰۲۵۰ ریال که در تمام کشور توزیع شده در گیلان - مازندران آذربایجان شرقی و غربی - کرمانشاه - کردستان - خوزستان - فارس کرمان - خراسان - اصفهان - فرمانداری مستقل یزد - فرمانداری جزایر جنوب بلوچستان و سیستان البته میزبان این وامها در هر استان یا شهرستان ممکن است متناسب نباشد وام را که بزور تمیض شود داد باید تقاضا کنند بیاید وام بخواد

سازمان قضائی هرگز با مقایسه سال ۱۳۲۸ و ۱۳۴۰

تعداد شعب دیوانعالی کشور در سال ۱۳۲۸ - هشت شعبه	در سال ۱۳۴۰ - ۱۲ شعبه	افزایش ۴ شعبه
دادگاه استان هرگز	۹	۱۶
دادگاه شهرستان	۱۸	۳۹
دادگاه بخش و کیفر کرانفروشان در سال ۱۳۲۸ - ۲۲ شعبه	در سال ۱۳۴۰ - ۴۴	۲۲
شعب دیوان کیفر	۲	۳

سازمان قضائی شهرستانها با مقایسه ۱۳۲۸ و ۱۳۴۰

تعداد دادگاههای استان در سال ۱۳۲۸ - ۸ شعبه	در سال ۱۳۴۰ - ۱۲ شعبه	افزایش ۴ شعبه
شعب دادگاههای استان	۸	۲۴
دادگاههای شهرستان مستقل	۳۸	۵۵
شعب دادگاه شهرستان	۲۶	۴۵
دادگاههای بخش مستقل	۵۷	۶۷



تعداد شعب داد گاه بخش	۳۶	۶۶	۳۰
داد گاههای سیار	-	۱۲	۱۲

پرونده های محتومه کلیه دستگاههای قضائی باین شرح است :

سال ۱۳۳۲ - ۳۰۱۳۶۸ - سال ۱۳۳۳ - ۳۰۷۲۲۰ - سال ۱۳۳۴ - ۳۲۰۸۸۶

سال ۱۳۳۵ - ۵۳۵۷۸۱ - سال ۱۳۳۶ - ۶۱۰۰۴۳ - سال ۱۳۳۷ - ۷۲۷۹۹۶

سال ۱۳۳۸ - ۸۵۹۱۹۶ - سال ۱۳۳۹ - ۹۶۰۰۰ پرونده (فرامرزی - آتقدر دعوی بوده)

آنچه نتیجه گرفته میشود تعداد پرونده های محتومه در سال ۱۳۳۹ بیش از سه برابر سال ۱۳۳۲ میباشد

(آتقدر پرونده محتومه بوده و نسبت به بیست میلیون جمعیت کشور میزان پرونده ها نباید باین اندازه برسد)

نسبت بسال ۳۲ صد و هفتاد درصد افزایش داشته . تعداد دبیرستانها ۱۱۸۹ که ۲۵ درصد افزایش داشته . دانش - سراهای مقدماتی ۶۶ که ۲۸۰ درصد افزایش داشته - هنرستان ۶۵ که هزار درصد افزایش داشته مجموع محصلین ۱۷۴۸۴۹۰ نفر که ۲۰۰ درصد افزایش داشته بودجه وزارت فرهنگ ۲۳۳۱۹۷۵۰۰ ریال که ۷۰۰ درصد افزایش داشته و بنده فکر میکنم با این میزان افزایش و این بودجه ای که در اختیار هست به بیند اکثر باز هم مقبور است با امال میل از هر جا که میگوئید بزنیم و باین بودجه بیافزائیم (احسنت) موضوع فرهنگ مسأله ای است که در سایر نقاط این مطلب را حل کرده اند و ما ناچاریم همان راه را برویم در ضمن دولایحه ای که در ضمن بوجه تقدیم شده است اگر تصویب شود سعی خواهد شد که ما تعلیمات اجباری و تحصیلات ابتدائی را بتوانیم در تمام کشور بتدریج تعمیم بدهیم البته برای تحصیلات حرفه ای و مدارس حرفه ای باید دولت تمام امکاناتش را مصروف بدارد و مدارس حرفه ای بوجود بیاورد با اینکه خرجش بسیار سنگین است مع هذا بتوانیم این تحصیلات را مجانی بکنیم برای اینکه همه بتوانند در آنجا وارد بشوند (احسنت) راجع به اداره ثبت فرمودید که آنجا نواقصی دارند من تأیید میکنم اداره ثبت ما نواقصی دارد و متأسفانه در خیلی از نقاط مملکت هنوز شعبه اداره ثبت که احتیاجات مردم را رفع کند موجود نیست و خیلی جاها که شعبه دارد وسایل کافی ندارد که احتیاجات مردم را رفع بکند عرض کنم این مطلب مورد تأیید دولت است ولی کمال و مجاهدت

ولی بهر حال ما برای اینکه زودتر بتوانیم دعاوی اشخاص را فیصله بدهیم ناچار بوده ایم باینکه هم در جریان کارها تسریع بکنیم و هم بر تشکیلات داد گستری بیفزائیم نکته ای که لازم است بعرض آقایان برسانم اینست که سیستم قضائی ما باید درش تجدید نظر بشود بنده در این کار البته صاحب نظر نیستم ولی فکر میکنم اگر ترتیبی بدهیم که در رسیدگی بدعاوی سرعت عمل جانشین دفت بشود بصالح جامعه خواهد بود اغلب می بینیم دعاوی هست سال که ۳۰ سال طول کشیده و آن مدعی به که بعد از ۳۰ سال عاید مدعی میشود از میزان وقتی که صرف کرده ارزش آن کمتر است بعقیده بنده اگر بتوانیم ترتیبی بدهیم که سرعتی در دعاوی ایجاد بشود بمراتب برفع اصحاب دعوا خواهد بود راجع به فرهنگ که فرمودید بودجه ناچیزی بانجا داده شده است بنده لازم میدانم در اینجا این نکته را باستحضار آقایان برسانم که بفرهنگ اتفاقاً بیشتر از همه دستگاهها توجه شده است آماری که هست نشان میدهد که وضع ما در گذشته چه بوده و حالا چه هست بنده اینجا ارقامی دارم که اینها بهترین زبان گویائی هستند که نشانه پیشرفت سریع دستگاههای فرهنگی ما میباشد

در سال تحصیلی ۳۲ - ۳۱ تعداد دبستانها ۵۶۷۵ دبیرستانها ۴۶۵ - دانش سراهای مقدماتی ۲۳ - هنرستان ۶ مجموع محصلین ۸۳۱۹۳۳ نفر - بودجه وزارت فرهنگ ۱۴۳۳۷۶۲۰۰۰ ریال در سال تحصیلی ۴۰ - ۳۹ تعداد دبستانها ۹۶۴۲ که

واحد در این چندروز، بحث و مذاکره شده است پیشنهاد کفایت مذاکرات در باره ماده واحده را مینمایم که نمایندگان محترم تصویب فرمایند و رسیدگی پیشنهادات آغاز شود. البته پس از بیانات آقای فریور.

**نایب رئیس** - آقای دکتر معذل توضیح بفرمائید.

**دکتر معذل** - خوب بنده اسم نوشته بودم که روی بودجه و کتبانش بعنوان موافق صحبت کنم شاید تعجب بفرمائید که حالا بطور پیشنهاد کفایت مذاکرات دادم علت عمده اش اینست که مطالبی که بنده می خواستم بعرض برسانم چند نفر از آقایان چه در کلیات و چه در باره ماده واحده صحبت کردند فرمودند تصور بفرمائید ملود در ندرت شهرستانها در دهستان خیلی زیاد است و احتیاجاتشان هم خیلی زیاد است و در مواقع لازم هم باطلع آقایان وزراء استنداید ولی همانطور که جناب آقای نخست وزیر بعرض رسانند وقت ضیق است و بعد هم پیشنهادهای مفصل رسیده که باید رسیدگی شود از این جهت بنده تقاضای کفایت مذاکرات کردم از دوست محترم جناب دکتر متین هم که میخواستند صحبت کنند معدلت می خواهم که حق ایشان توضیح شده ولی امیدوارم در قسمت آخر نتوانند صحبت بفرمایند پیش نهاد بنده منطقی باین اصل است که می بینم که اینقدر حسن نیت از طرف هیئت دولت مخصوصاً جناب آقای نخست وزیر ابراز شده و تا این درجه در این جانشان دادند و نواقص و معایب را خودشان اعتراف میفرمایند بنابر این من فکر میکنم که با مذاکراتی که در خارج و در کمیسیونها می شود کرد این مذاکرات به نتیجه عمل برسد بنابراین تقاضا میکنم از آقایان که با پیشنهاد کفایت مذاکرات موافقت بفرمایند تا وارد به پیشنهادها بشویم در پایان بیاناتم خواستم از دوست غائبی دفاع کنم این جا مذاکراتی از طرف بعضی از آقایان شده بود.

**نایب رئیس** - در اطراف پیشنهاد کفایت مذاکرات بفرمائید.

**دکتر معذل** - بنده می خواستم بگویم اعتراضاتی که نسبت بدولت سابق شده ممکن است در دولت و از کارمندان دولت کسی کاری کرده باشد ولی شخص دکتر اقبال سراسر

خواهد شد که نواقص تنها رفع کنیم و امیدوار هستم بتوانیم قدمهای مهمی برداریم بخصوص در تعیین کادر فنی اداره ثبت که اغتشاشات را آنجا فراهم میکند اقدامات مؤثری از بار سال صورت گرفته امثال نتایج آن مشهود خواهد شد (فولادوند مدیر کل ثبت آدم بسیار خوبی است) مدیر کل ثبت خوب است ولی دستگاه کافی نیست بنده مطالب بسیار دارم و مذاکره اینکه اینجا شده تمام رایان داشت کردم که ممکن است اغلب آنها را پاسخ بدهم و بعضی آنها هم که مکررات بود البته از تکرارشان خود داری خواهم کرد ولی چون می بینم وقت دیر شده است ناچار هستم یک قدری از مطالب باقیمانده صرف نظر کنم و در فرصت دیگری که در خلال تصویب بودجه پیش خواهد آمد توضیحات بیشتری بعرض آقایان برسانم ولی امیدوار هستم که این توضیحاتی که دادم تا اندازه ای اگر نایضایی هائی در آقایان بوده است رفع گردیده باشد اطمینان میدهم و مجدداً تکرار میکنم باینکه دولت در واقع خود را از مجلس جدا نمی داند (احسن) هر گونه پیشنهاد اصلاحی و هر نظر مفیدی که لازم می دانید اظهار فرمائید دولت تأیید خواهد کرد ولی استدعا میکنم توجه بفرمائید که این دولت مسئول حفظ گردش کارها هست و اگر فرار بشود تمام عمرش را در مجلس بنشیند و بمطالبی که آقایان میفرمایند گوش بدهد از همان وظایفی که آقایان انتظار دارند باز خواهد ماند استدغای کنم که توجهی بفرمائید و تسریعی در تصویب بودجه بفرمائید و ترتیبی ایجاد نمایند که دولت بتواند هر چه زودتر بکار بپردازد همیشه این فرصت برای آقایان هست که اگر مطالبی داشته باشند با آقایان وزیر او خود من مراجعه کنند و مطالب را بنشینیم با کمال دقت حلایمی کنیم و بمرحله عمل در بیاوریم استدعای بنده این بود که توجهی بتسریع تصویب بودجه بفرمائید.

باقی مریضم را بعد خواهم کرد.

**نایب رئیس** - پیشنهاد کفایت مذاکرات در ماده واحده رسیده است قرائت میشود:

(شرح ذیل خواصه شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی

چون باندازه کافی در باره کلیات و همچنین ماده

حسن نیت و خدمتگزار و مردم بسیار درستی است (عده‌ای از نمایندگان صحیح است)

و اگر کسی خلافی کرده باشد بدون تردید همان طوریکه آقای حبس وزیر فرمودند و مجلس هم تأیید کرد تعقیب خواهد شد نباید این را بحساب جناب آقای دکتر اقبال گذاشت.

**نایب رئیس** - آقای سالار بهزادی موافقت

**سالار بهزادی** - موافقت

**نایب رئیس** - آقای اردلان مخالفت؟ بفرمائید

**اردلان** - در عین حالیکه اجازه می‌خواهم از طرف خود و همکاران محترم از حسن نیتی که جناب آقای حبس وزیر بحرح دادند و بی‌شک و شک بی‌بیات مفضل و مشروح فرمودند که بی‌شک منتفع بودیم از قسمت اولش شکر می‌کنم تصدیق می‌کنم عده حسیه همسایه ایشان ضمن بیان ایشان فرمودند اگر نشان داده از طرف مجلس و مجلس سنا تعیین شده است معنی همکاران فرمودند آنها در اقلیت هستند فرمودند اگر یک فرد مطلب صحیحی داشته باشد باید بگوید و سایرین هم بشنوند بنا براین بنده باستاد فرمایش خودشان این صحت را می‌دانم و خیلی هم از هیئت محترم دولت و همکاران محترم معذرت می‌خواهم و این را جاع به زیر بودجه است برای اینکه آقای دکتر دادفر تقاضا کرده بودند بودجه تفصیلی را هم مجلس به بیند می‌خواهم عرض کنم که بودجه آئینه عملیات دولت است بعقیده بنده

**نایب رئیس** - زاجع بمخالفت با کفایت مذاکرات بفرمائید

**اردلان** - مخالفتم راجع به پیشنهاد کفایت مذاکرات است که اولاً ۱۹ روز به پرداخت حقوق ارضی بهشت مانده برای اینکه حقوق را روز ۲۵ شروع به پرداخت میکنند بنا بر این ۱۹ روز وقت است و انشاءاله به یک دوازدهم نمی‌رسند ولی عرض می‌کنم یک دوازدهم هم چون بودجه تفصیل سال ۳۹ تصویب شده هیچ اشکالی برای دولت نخواهد بود تنها اشکالی که وجود دارد منحصر به اضافاتی است که در بودجه پیش بینی شده آنها نه تأخیری در وصولش خواهد شد و نه در پرداخت آن خواهد بود که بودجه که شاخص و نماینده اعتبار دولت و ملت در داخله و خارجه است یکروز هم

بیشتر درش بحث شود خاصه اینکه این اشکالی که داریم با این ترتیب حل نمیشود ولی میتوان پیشنهادهای بسیار مفیدی داد و حاضر مرصه کنم و ثابت کنم چون بنده قدم در این راه برداشته بودم و در این قسمت متأسفانه در خدمت نماندم هیچ عجله و شتاب وجود نخواهد داشت چه نمایندگان و چه ملت هر فردی فرصت کافی خواهد داشت و تکلی این عجله از بین می‌رود و هر یک چه هیات دولت که بود چه پارسیه گی میکنند و سایرین وقت کافی خواهند داشت ولی چون پیشنهاد مفضلی است و الان فرصت نخواهند داد و بقین دارم عرضی که کردم باز هم بجائی میرسد و کفایت مذاکرات تصویب میشود ولی جا دارد که توجه بفرمائید اگر اجازه بفرماد، شود توضیح خواهم داد و اطمینان میدهم از این راه ما در فرصت و مواعد قانونی بودجه خودمان را خواهیم داشت اگر یک روز دیگر هم مذاکرات ادامه شود نمیتوانیم بیخود دو سه روز وقت

**نایب رئیس** - آقای سالار بهزادی موافقت بفرمائید

**سالار بهزادی** - عرض کنم بنده خودم پیشنهاد کفایت مذاکرات دارم ولی دوست عزیزم آقای دکتر معمل قبیل از من پیشنهاد داد بفرماد اغتمام فرصت کردم که بعنوان موافق پیشنهاد کفایت مذاکرات صحبت کنم دلیل این هم پر واضح است که ما الان صبح و عصر مشغول هستیم ناطقین محترم در اطراف ماهه واحد به تفصیل صحبت کردند مخصوصاً با توجه باینکه ساعتها روزها کمیسیون بودجه که باز منتسب بخود ما و مجلس است یعنی ۲۸ نفر از رفقای ما با دقت رسیدگی کردند اگر بخواهیم باز هم باین بحث ادامه بدهیم ساعتها همین مطالب را تکرار میکنیم چون بنظر من

ناطقین محترم آنچه که گفتنی بود گفتند اگر باز هم بخواهیم ادامه بدهیم باز هم حرفها تکرار میشود خلاصه اینکه پیشنهادهای زیادی شده که باید پیشنهادها مطرح شود و باید مخالف و موافق صحبت بکنند باید این لایحه هم بمجلس سنا برود باید نسبت باصل لایحه سناتورهای محترم نظر مشورتی بدهند و نسبت به بعضی تصرها اظهار نظر کنند این وقت بدرازا می‌کشد و حتی تا آخر برج هم انجام نخواهد شد مضافاً باینکه این دردهائی که گفته شد ما صرفاً نمی‌خواهیم اظهار درد میکنیم بلکه باید راجع به رفع آنها اقدام کنیم این کار هم موقمی میسر است که دولت وقت داشته

باشد و دولت برو در رسیدگی باین کارها بکند و این دردهائی را که ما گفتیم دوا کند بخصوص اینکه من واقعاً لذت بردم و گمان میکنم هر کدام از آقایان رفقائی که در ادوار سابق بودند و ناظر طرح بود چه در مجلس و ناظر مذاکرات و تفاهم بین مجلس و دولت بودند واقعاً من از جلسه امروز لذت بردم برای اینکه دیدم جناب آقای نخست وزیر باین حسن تفاهمی همه حرفهائی که این جا گفته شد باین سمع صدری شنیده بودند و هیچکدام آنها را رد نکردند و گفتند که میروند رسیدگی می کنند باید فرصت بدهیم رسیدگی کنند و اقدام کنند آقایان دولتی است که آمده روی کار و ما بفرده فرد آقایان احترام میگذاریم من استدعا میکنم که آقایان بپیشنهاد و کفایت مذاکرات موافقت بفرمایند و

بدولت فرصت بدهند که بروند و بکارها رسیدگی بکنند اگر خدای نخواسته خلاف کاری باشد بعد میتوانیم سؤال کنیم

نایب رئیس - رأی گرفته میشود به کفایت مذاکرات آقایانیکه موافقت بقیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

۴ - تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

نایب رئیس - چون شروع به پیشنهادها طول خواهد کشید جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده روز شنبه خواهد بود ساعت ۹ دستور جلسه قرائت پیشنهادات بود چه (مجلس هفت و چهل دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - رضا حکمت